

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين

لهم آمين

محتوى:

تبليغ و مبلغ ۷۷

گروه مخاطب:

- عمومی -

- تخصصی (طلاب و دانشجویان)

لهم حاشر کتاب:

تسبیح لعلک از آن:

۱۳۴۹

۲۲۹۰

رهنمای راهیان نور: ویرا داش آموزان ابتدایی، تأسیس ۱۳۸۳ / تدوین: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، مرکز تربیت مریب کودکان و نوجوانان؛ تهیه: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، معاونت اعزام و تبلیغ - قم: بوستان کتاب قم (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)، ۱۳۸۳.

(۵۵ ص. : جدول، نمودار - (بوستان کتاب قم؛ ۱۳۴۹). طرح هجرت: ۱۲۹۲، ۱۲

ISBN 964 - 371 - 597 - ۱۱۰۰۰ ریال: ۳ - ۵۹۷ - ۳۷۱ - ۹۶۴

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.

پشت جلد لاتینی شده:

کتابنامه به صورت زیرنویس:

۱. اسلام - مسائل متفرق. ۲. اسلام - به زبان ساده. ۳. تعلیمات دینی. الف. دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، مرکز تربیت مریب کودکان و نوجوانان. ب. دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، معاونت اعزام و تبلیغ. ج. دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، بوستان کتاب قم.

۱۳۸۳

BP A / ۹۶۷۲

رەتوشلۇر اھىان نور

وېژه دانش آموزان ابتدايى

تابستان ۱۳۸۳

تهيه: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم

معاونت اعزام و تبلیغ

تدوین: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم

مرکز تربیت مربی کودکان و نوجوانان

بۇ شەھىرىنىڭ
۱۳۸۳

بُسْتَانِ کِتب

ر* توشہ راهیان نور (تابستان ۱۳۸۳)

ویر* داش آموزان ابتدائی

- تهیه: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیة قم / معاونت اعزام و تبلیغ
- تدوین، ویرایش، حروف نگاری، صفحه آرایی و نموده خوانی: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیة قم
- مرکز تربیت مربی کودکان و نوجوانان
- ناشر: مؤسسه بستان کتاب قم (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیة قم)
- لیتوگرافی، چاپ و صحافی: چاپخانه دفتر تبلیغات اسلامی • نوبت چاپ: اول ۱۳۸۳
- شمارگان: ۵۰۰ • بهای: ۱۰۰ تومان
- تمام حقوق © محفوظ است

printed in the Islamic Republic of Iran

- ✓ دفتر مرکزی: قسم، خ شهداد (صفایه) مؤسسه بستان کتاب قم، ص ب ۹۱۷، تلفن: ۷۷۴۲۱۵۴
- ✓ فروشگاه، مرکزی: قم، چهارراه شهداد (محل عرضه ۱۲۰۰۰ عنوان کتاب با همکاری بیش از ۱۷۰ ناشر)، تلفن: ۷۷۴۲۴۲۶
- ✓ نمروشگاه شماره ۲: تهران، خ اسلام، خ فلسطین جنوبی، کوچه دوم (پشن)، پلاک ۲۲/۳، تلفن: ۶۴۶۰۷۳۵
- ✓ فروشگاه، شماره ۳: مشهد، خ آیه الله شیرازی، کوچه چهارم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی شعبه خراسان، تلفن: ۲۲۵۱۱۳۹
- ✓ فروشگاه شماره ۴: اصفهان، خ حافظ، چهار راه کرمانی، گلستان کتاب (دفتر تبلیغات اسلامی شعبه اصفهان)، تلفن: ۲۲۲۰۳۷۰

E-mail:bustan@bustaneketab.com پست الکترونیک:

جلدیدترین کار م مؤسسه و آشنایی با آن در وب سایت:
<http://www.bustaneketab.com>

امام خمینی(ره) :

توجه کنید که کودک‌ها را، جوان‌ها را به تعلیمات اسلامی و

تربیت‌های اسلامی تربیت کنید تا ان شا الله کشور شما از

آسیب مصون باشد و جوان‌های آتیه شما و اطفال آتیه شما

که امید ما و اسلام است، اسلام را همان طور که شما زنده

کردید، زنده نگه دارند.

۶۰/۷/۲۶

مقام معظم رهبری:

پرورش اخلاقی نوجوانان و نوجوانان

و کودکان برای همه کشورها

وجوامع واقعاً مهم است.

ولی برای ما اهمیت مضاعفی دارد.

پیشگفتار

ظرافت‌ها و لطافت‌های کار تربیتی و آموزشی در مورد کودکان و نوجوانان به ظرافت و لطافت خود کودکان و دقت‌ها و شکنندگی‌های دوران طفولیت است.

به طور اصولی گفته شده است که کار با این مقطع سنی، تخصصی‌ترین کار آموزشی و تربیتی به نسبت سایر مقاطع است و کسانی باید وارد این جرگه شوند که بیشترین آمادگی را داشته باشند. این آمادگی‌ها شامل اطلاعات درست و دقیق از نیازهای کودکان و نوجوانان، شرایط روحی و روانشناسی آنان ازیک سو و مهارتهای تربیتی مناسب این مقطع و آمادگی روحی و منش مناسب و صبر و حوصله بسیار و برخورداری از بیان و ادبیات مناسب می‌باشد.

مجموعهٔ مطالب این شماره از «ره توشه راهیان نور» که پیش روی شماست و حاصل زحمات جمعی از فضلای صاحب تجربه در مسایل تربیتی کودکان و نوجوانان مرکز تربیت مریبی کودکان و نوجوانان دفتر تبلیغات اسلامی

حوزه علمیه قم می‌باشد، قدمی است هر چند کوتاه در راه آشنایی مبلغین محترم با مسایل این قشر از جامعه که تلاش شده است اساسی‌ترین مسایل را در برگرد تا مقدمه‌ای باشد برای برقراری ارتباط صحیح و کارآمد با کودکان و نوجوانان و اهتمام در تأسیس و پیریزی پایه‌های ایمانی آنان بر روی بینهای صحیح و متقن اسلامی.

تعاونت تبلیغ و اعزام مبلغ بر این ادعا نیست که این مجموعه همه مسایل اساسی را در بر می‌گیرند، اما امیدوار است در آینده نزدیک با اهتمام همه مبلغین گرامی و اساتید و صاحب نظران مسایل تربیتی کودکان و نوجوانان و با تمهداتی که در این معاونت برای انجام نیاز سنجی دقیق و علمی اقسام مختلف جامعه در مقوله معارف دینی و شناسایی و جذب مبلغین موفق در تعامل با این قشر، بتوانیم کاری جامع و در خور و شایسته انجام داده و شاهد روزی باشیم که از بهترین شرایط تربیت دینی برای عموم اقسام جامعه برخوردار گردیم.

تعاونت اعزام و تبلیغ

دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

مقدمه

کودکان و نوجوانان امید آینده نظام جمهوری اسلامی هستند، نظامی که با رهبری امام خمینی(ره) و پایمردی مردان متعهد و اتکا به ایزد منان به ثمر نشست. نظامی که رسیدن به ارزش‌های انسانی و آرمان‌های الهی را وجهه برنامه خویش قرار داده است.

روحانیان، سکانداران هدایت این نسل در دنیای طوفانی عصر حاضر هستند، عصری که جاهلیت مدرن با زورگویی و قدری تلاش در جهت یکسان سازی فرهنگ منحط غربی دارد. بر این اساس وظیفه روحانیان در دو مرحله نمود عینی پیدا می‌کند.

۱. هماهنگ سازی ساختار حوزه با نیازهای روز جهان و حرکت بر اساس اقتضای زمان و مکان تا به فرموده امام راحل شاهد اجرای عملی فقه در عرصه‌های گوناگون زندگی باشیم. نه تنها وظیفه حوزه و روحانیان گرامی ارایه پاسخ‌های مستدل به شباهها در همه زمینه‌ها است، بلکه پیشتاز بودن و فرهنگ سازی برای نسل جدید بر اساس آموزه‌های قرآن و مکتب می‌باشد تا زمینه جهانی شدن مهدویت آماده گردد.

۲. شناخت کامل توطئه‌های دشمن در تمامی عرصه‌ها به ویژه عرصه فرهنگ؛ آنچه زیر بنای ملت‌ها و جوامع را می‌سازد، فرهنگ برخاسته از مبانی دین و مذهب، آداب و رسوم و... می‌باشد. توجه به فرهنگ غنی و پربار اسلام جهت نهادینه نمودن آن، افراد و به تبع آن جوامع را به سوی نیکبختی و سعادت رهنمون می‌سازد.

«اوقات فراغت» یکی از زمان‌هایی است که اسلام نگاه تأییدی به آن دارد و فصل تابستان که فرصتی عملی در جهت بهره‌برداری از «اوقات فراغت» است، و این فرصت وظیفه و تکلیف مریبان دلسوز و متعهد را دو چندان می‌کند تا با

«الف»

توجه به ویژگی‌های روان‌شناسی دوران کودکی و نوجوانی با شیوه‌های غیر مستقیم مفاهیم دینی را به آنان تفهیم نمایند و آنان را برای آینده‌ای روشن در مسیر حق و عدالت تربیت نمایند.

با عنایت به حدیث شریف ثقلین و ضرورت تمسک به قرآن و عترت، مرکز تربیت مریبی کودکان و نوجوانان درس‌هایی از «قرآن» جهت آشنایی با برخی مفاهیم و معارف بلند الهی و درس‌هایی از «سیره اهل بیت» جهت آشنایی با سیره‌های گوناگون رفتاری معصومان بزرگوار و الگوگری از آن در زندگی دانش‌آموزان در نظر گرفته‌اند که مسایل اعتقادی - اخلاقی - تاریخی و.. در ضمن دروس قرآن و سیره آورده شده است.

همچنین دروسی از «احکام» جهت آشنایی و عمل نمودن به مسایل مورد نیاز آمده است.

در قسمت پایانی فعالیت‌های پژوهشی، بازی‌ها و سرگرمی‌ها و مناسبت‌های ویژه آمده است تا برنامه‌ها از حالت کلاسی صرف خارج گردد و مریبی گرامی با عنایت به این بخش، جلسه‌ها را هر چه با شکوه‌تر و جذاب‌تر برگزار نماید. این بخش زمینه را برای ارایه مطالب و مباحث مورد نظر به صورت غیر مستقیم و در قالب‌های متنوع فراهم می‌کند تا در جذب هدفمند و جهت‌دار دانش‌آموزان به سوی ارزش‌ها و آرمان‌های دینی گام برداشته شود.

امید است با پیشنهادها و انتقادهای سازنده خویش ما را در ارایه هرچه دقیق‌تر و کامل‌تر نمودن برنامه‌ها یاری نمایید.

در انتهای لازم است از تمامی دست‌اندرکاران گرامی که در تهیه این مجموعه ما را یاری نمودند، تشکر نماییم. همکاران و نویسندهای این مجموعه حجج اسلام آقایان: سید محمد رضا فیاضی، غلام رضا محسنی، محمد رضا عابدی، منصور رجبیان، محمد رضا میرزایی، عبدالله عمامی، علی تقديری، محسن کرفی، مسعود شهیدی، حامد محقق زاده، حمید رضا کریمی، محمود خیری، محمد علینی، مسلم ناصری، علیرضا نجفی. حسینعلی عرب انصاری، حسین حقیقت.

محمد حسن راستگو

مدیر مرکز تربیت مریبی کودکان و نوجوانان

دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم

فهرست

مسابقات قرآنی

صفحه

نام درس

۰	کتاب خوب زندگی
۱۷	نصرت الهی
۲۹	بر ساحل نور
۳۷	کتاب خوشبختی
۴۷	راه سعادت
۵۰	مقاومت

سیره اهل بیت علیهم السلام

۶۵	گل محمدی
۷۵	مثل فرشته‌ها
۸۳	معلم خوبی‌ها
۹۳	خورشید خوبی‌ها
۱۰۱	همدم لاله‌ها
۱۱۱	یادگار کربلا
۱۲۱	تلash
۱۳۱	یاری رسان
۱۴۱	بنده شایسته
۱۵۳	مسافر مهریان
۱۶۱	یاس وفا
۱۷۱	یاور بی‌پناهان
۱۸۱	راز
۱۸۹	منجی

احکام

۲۰۳	پاکی‌ها
۲۱۳	وضو
۲۲۳	جشن بادکنک‌ها
۲۳۱	امانت داری

بازی‌ها

۲۴۲	سنگ بردار
۲۴۳	برو به دنبال صدا
۲۴۴	بیشتر پیر
۲۴۵	چشم بسته
۲۴۶	معمامی پانومیم
۲۴۷	هفت سنگ

فعالیت‌های پرورشی

۲۵۳	طرح روزنامه دیواری
۲۵۶	کتابخوانی
۲۵۹	نقاشی با وسایل مختلف
۲۶۱	مسابقه چهارگزینه‌ای
۲۶۶	دوتایی‌ها
۲۶۸	سرگرمی‌های ادبی

مناسبات‌ها

۲۷۵	کوثر نور
۲۸۱	میلاد کوثر

مسابقات

قرآنی

طرح مسابقات قرآنی

مربی گرامی! در آغاز هر جلسه از کلاس‌های تابستانی آیه‌های جزء سوم قرآن به ترتیب (از آیه ۹۱ سوره بقره تا پایان سوره و از آیه ۱ تا ۲۵۳ سوره آل عمران) تلاوت می‌شود تا در پایان دوره کلاس‌های تابستانی جزء سوم، قرائت شده باشد.

مسابقات قرآنی در پایان هر هفته برگزار می‌شود. در هر مسابقه بیست آیه محور مسابقه است که در هر جلسه یک پیام اساسی مد نظر می‌باشد و از سایر آیه‌ها گذرا سؤال طرح شده است که در بردارنده معارف قرآنی است.

مربی گرامی قبل از اجزای متن درسی، مسابقات قرآنی را به طور دقیق مطالعه نماید تا با نحوه صحیح اجرای مسابقه آشنا گردد.

مربی با توجه به فضای کلاس و تعداد دانش‌آموزان جهت مسابقه دو گروه دو یا سه نفره انتخاب کند و سؤال‌های اختصاصی و اشتراکی را از آنان پرسد و امتیاز لازم را بدهد و از سایر دانش‌آموزان بخواهد تا گروه‌ها را تشویق نمایند. در صورت امکان برای گروه برنده، جایزه‌ای را در نظر بگیرد.

لریس:

کتاب خوب زندگی

نمودنی:

قرآن

هدف گلای:

دانش آموزان در این درس با اهمیت آیه الکرسی و صدقه دادن آشنا می شوند.

اهداف چیزی:

دانش آموزان در این درس با موارد زیر آشنا می شوند:

۱. مشورت کردن در کارها؛

۲. اهمیت آیه الکرسی و معنی آن؛

۳. تأثیر صدقه در زندگی؛

۴. مصاديق صدقه.

هدف رفتاری (خردهی):

انتظار می رود دانش آموزان در پایان درس با توجه به مقدار ثواب قرائت آن به خواندن آیه الکرسی بیشتر اهمیت بدنهند و انجام کارهای خوب را سر لوحه زندگی خود قرار دهند.

روش های مناسب تدریس:

۱. توضیحی ۲. فعال: (داستان، شعر، بازی با کلمات، شعار،)

رسانه های آموزشی:

۱. قرآن، ۲. تخته و گچ، ۳. کارت



کتاب خوب زندگی

به به از قرآن ما
رهنمایی جان ما
این کتاب نازنین
دلکش است و دلنشیں

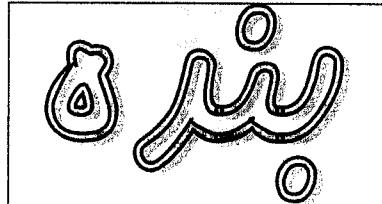
به نام خدا، بچه‌ها سلام . حالتان خوب است؟ چقدر! با گشودن دست خود نشان
بدهید! چند حرکت کششی را انجام دهید تا آن‌هایی که خواب آلود هستند،
سرحال شوند. حالا همه با هم بگویید که روی تخته چه بنویسم؟ بله،



کسانی که کارهای خود را با نام خدا شروع می‌کنند، خداوند هم به موفقیت
آن‌ها کمک می‌کند. دانش‌آموزی که همیشه دیر سر کلاس می‌آید و در بازگشت
به منزل هر یک از وسائلیش جایی افتاده است؛ کفتشش در یخچال و پیراهنش
پشت پشتی.

نظم	حالا بگویید این دانش‌آموز چه چیزی ندارد؟
درس	ما همه می‌رویم مدرسه تا چه چیزی بخوانیم که با سواد شویم؟
همیشه	چه مدت باید راستگو باشیم؟

بچه‌ها! حرف‌های اول این واژه‌ها را کنار هم بگذارید، چه کلمه‌ای به دست می‌آید؟^۱



او کسی است که در کارهایش چگونه است؟

بسم الله می‌گوید و نظم دارد و درس می‌خواند و هیچ وقت دروغ نمی‌گوید.
بنده خوب خدا، کتاب خدا را می‌خواند.

قرآن

یعنی چه کتابی؟^۲

بله، مانند کاری که شما در این هفته انجام دادید. حالا چون کار خوبی کردید،
ما هم برای شما یک جایزه در نظر گرفته‌ایم. فکر می‌کنید جایزه چیست؟

بله، **نم م س آ ب ق**^۳ در این مسابقه دو گروه تشکیل می‌دهیم.^۴

هر گروه یک نماینده انتخاب کند و ما اولین پاسخ هر نماینده را قبول می‌کنیم
و در صورت اشتباه از گروه دیگر می‌پرسیم.
سرگروه‌ها سعی کنند با دقت و سرعت جواب‌ها را با مشورت با هم بگویند.

۱. مریم کلمه بنده را داخل یک کارت بنویسد و به بچه‌ها نشان بدهد و جزء جزء قسمت‌ها را یک بار دیگر پرسد.

۲. مریم کلمه مسابقه را به ترتیب در تخته بنویسد.

۳. اگر بچه‌ها کم باشند همه آن‌ها در مسابقه شرکت کنند و اگر زیاد هستند دو گروه ۴ نفری را مریم انتخاب می‌کند.

اسم هر گروه را در تخته می نویسم: ۱- گروه صادقین ۲- گروه مؤمنین . یک قرآن به هر سرگروه می دهیم تا زودتر جواب را پیدا کند^۱ و لازم است بدانید گروه ساکت‌تر نیز در آخر امتیاز می گیرد.

آیاتی را که در این هفته خواندیم از آیه ۲۵۳ تا ۲۷۳ سوره بقره بود، آن آیه‌ها را پیاوید.

١. آیات خوانده شده، شامل آیة الكرسي می شود. حالا بگویید آیة الكرسي

بـا چـه کـلمـهـای شـرـوعـهـیـمـیـشـودـ؟ اللـهـ لـاـ اللـهـ لـاـ هوـ

۲. چه گسی هی تواند آیه‌الکرسی را از حفظ بخواند. هر کس که زو دلت
دستش را پلند گرد؟

بچه‌ها دوستان را تشویق قرآنی کنید: «اللهم صل وسلام و زد و بارک على رسول الله و آله الاطهار».

۳. چرا اسم این آیه را، آیة الكرسي گذاشتند؟ دقت کنید آیا کلمه کرسی را در آیه می توانید بپاد کنید؟ آفرین، وسع کرسیه السموات و الارض.
با توجه به این کلمه، اسم این آیه آیة الكرسي گذاشته اند.

۴. کدام کلام است که شعار همه پیامبران خدا است و لب‌ها در گفتن آن
به هم نمی‌خورد و نقطه نیز ندارد؟ لاله الا الله

به چه معنا است؟ هیچ خدایی جز خدای بی همتا نیست.

ابوذر از رسول خدا^{علیه السلام} سؤال کرد «برترین آیاتی که بر شما نازل گشته کدام آیه است». فرمود: «آلۃ الكرسی». پیامبر اسلام آنقدر به خواندن آن سفارش

۱. مریم، اسم دو گروه را بنویسد و امتیاز آن‌ها را یا علامت مشت + مشخص کند.

۲. مریم، آیة‌الکرسی را دو قسمت کند و از وسط آن از گروه دیگر بخواهد که ادامه دهند.

می‌کرد که علی الکریم هر شب قبل از خواب، آن را می‌خواند^۱ و همچنین امام پنجم، امام باقر الکریم می‌فرماید: «هر کس یک بار آیة الکرسی را بخواند، خداوند ۱۰۰۰ مشکل دنیایی و ۱۰۰۰ مشکل آخرتی او را دور می‌کند». بچه‌ها مشکل دنیایی، مثل چه چیزی؟ جنگ، گرسنگی، دعوا و مشکل آخرتی، مثل چی؟ جهنم، عذاب.

آیا من دانید چه زمانی بعتر است آیة الکرسی را بخوانیم؟ به حرف اول آن‌ها دقت کنید.^۲

هنگام خطر و تـ...؟ (ترس) و قبل از خـ...؟ (خواب) و وقتی که می‌خواهیم از یک شهر به شهر دیگر برویم، یعنی وقت سـ...؟ (سفر) و بعد از آن که با خدا صحبت کردیم، یعنی بعد از نـ...؟ (نماز)

پیامبر خدا صلوات الله علیه و آله و سلم می‌فرمایند: هر کس بعد از نماز آیة الکرسی را بخواند، خداوند نماش را قبول می‌کند و در پناه خداوند قرار می‌گیرد.

به من بگو چه عددی هستم؟ آیة الکرسی چند کلمه است؟

عدد بین ۴۰ تا ۵۰^۳

(سه تا)

قرآن چند نقطه دارد؟

۱. مکارم شیرازی، *تفسیر نمونه*، دارالكتاب الاسلامیه ، ذیل آیه ۲۵۵.

۲. مریم می‌تواند به جای عدد ۱۰۰۰، دو عدد ۵۲۷ و ۴۷۳ را زیر هم در تخته بنویسد تا بچه‌ها با جمع کردن آن به عدد ۱۰۰۰ برسند.

۳. مریم می‌تواند از قالب کارت استفاده نماید و حرف اول هر یک از کلمه‌ها را پشت کارت بیاورد.

۴. سید مصطفی حسینی دشتی: «*معارف و معاریف*»، ج ۱، ص ۱۷۸، (قسمت آیة الکرسی).

نام چند سوره قرآن، اسم حیوان است؟ عدد بین ۲ تا ۱۰ ؟

بله، ۶ تا؛ بقره، انعام، نحل، نمل، عنکبوت، انعام.

نام چند حیوان در قرآن آمده است؟ بین ۳۰ تا ۴۰ بله، ۳۵ تا.

ضد هرا به من بگو؟

با توجه به آیات خوانده شده، هر کس زودتر جواب ندهد از مسابقه خارج می شود.

بهشت (جهنم). جاهل (عالی). لیل (نهار). فقیر (ثروتمند). هدایت (گمراهی).

تاریکی (روشنایی). مؤمن (کافر). مردہ (زنده). ابراهیم (نمرود). سرما (گرما).

زیاد (کم). گناه (ثواب). ترسو (شجاع). ضعیف (قوی). ایستاده (نشسته).

بعد هرا به من بگو؟

کلمه مورد نظر را بخوانید:

الله ولی الذين آمنوا يخرجهم من الظلمات؟ (الى النور)^۱ و الذين كفروا
أوليا لهم؟ (الطاغوت) يخرجونهم من النور الى (الظلمات).

بچه ها آماده اید با هم شعار بدھیم. دقت کنید با حرکت پایین و بالا آمدن دست

من، صدای شما هم کم و زیاد شود.

گروه دوم

گروه اول

مؤمن جایش بهشته

توی قرآن نوشته^۲

کارش چقدر زشته

گنه کاربی ایمان

راستی بچه ها آیا می دانید که خداوند بر همه چیز قدرت دارد و هر کاری را
می تواند انجام دهد. در داستان حضرت غریر که شنیده اید،^۳ برای آن که ایشان زنده

۱. سرگروها کلمه مورد نظر را بگویند.

۲. بچه ها تکرار می کنند.

۳. کتاب سوم ابتدایی.

شدن موجودات را بهتر درک کند خداوند چه پیشامدی را بر سر راه ایشان قرار داد؟ کدام گروه می‌خواهد که داستان را شروع کند؟... بقیه داستان را گروه بعد آدامه بدهد.

حالا آماده باشید تا چند سؤال از این داستان را جواب بدھید.

۱. حضرت عزیر چند سال در خواب بود؟

۲. چه کسی به ایشان گفت که بلند شو؟

۳. بدن کدام حیوان، جلوی چشم ایشان درست شد؟

بچه‌ها با حرف اول این واژه‌ها چه کلمه‌هایی می‌توان ساخت؟

به این شکل توجه کنید.^۳ یک کار با صفا که آدم‌های صاف و پاکیزه مشغول آن

هستند را حدس بزنید



۱. داستان در کتاب چهارم ابتدایی هست. مریبی با تشخیص خود داستان را دو قسمت کند و قسمت دوم را از گروه بعد بخواهد آدامه دهد.

۲. مریبی کلمه‌ها را در تخته زیر هم بنویسد.

۳. مریبی یک خوش‌گندم بکشد که ۷ خوش‌ه دارد و بعد، اسم گندم را صدقه بگذارد.

البته برای کمک، به معنای آیه ۲۶۱ هم توجه داشته باشید. کشاورز بله، طبق همین آیه اگر کشاورزان یک دانه گندم بکارند از آن دانه، ۷ خوش می‌روید که هر خوش دارای صد دانه گندم است.

می‌شود چند گندم؟ ۷۰۰ $\text{۵}\frac{\text{۱}}{\text{۴}}$ این آیه مثل برای کسانی است که صدقه

می‌دهند و خداوند چندین برابر، پاداش به آنها عطا می‌کند.
بچه‌ها صدقه یعنی چه؟ آنچه را که انسان در راه خدا به فقیران بدهد. ما در این خوش گندم فایده‌های صدقه را می‌نویسیم، شما حدس بزنید که با حروف درهم ریخته شده چه کلمه‌ای می‌توان ساخت؟ (ی ش ف ا ز ا) **مال**^۱ که خداوند مال کسی را که صدقه دهد با برکت و زیاد می‌کند.

(ی ش ا د) خدا، زیرا ما موجب خوشحالی بندگان خدا شده‌ایم.

(ی ش خ ن و د) در دنیا و آخرت، در دنیا عزیز می‌شویم و در آخرت بهشت می‌رویم.

آیا این را شنیده‌اید که کارهای خوب صدقه است! بعد از من کلام رسول خدا علیه السلام را تکرار کنید:

-
۱. بچه‌ها پاسخ بدهنند.
 ۲. مریب کلمه‌های افزایش، شادی، خشنودی، رابه صورت حروف پراکنده داخل دانه‌های سمت راست گندم و کلمه‌های مال، خدا، در دنیا و آخرت را در داخل دانه‌های سمت چپ خوش گندم بنویسد و در اولین دانه عبارت «فائده صدقه» را بنویسد تا طرح کامل شود.

کل مَعْرُوف صَدَقَةٌ هر کار خوبی صدقه است. چند نمونه از کارهای خوب را بگویید؟

به کسی آب دادن، آشغال و سنگ را از سر راه مردم برداشتن، خوش اخلاقی، آری خداوند برای انجام این کارهای خوب، گناهان ما را می‌بخشد.
با توجه به آیه ۲۷۱ بگویید که بهتر است صدقه چگونه باشد؟

مخفی بدون منت هر دو مورد

امام چهارم، امام سجاد علیه السلام در دل شب از خانه بیرون می‌رفت و غذا برای فقیران در پشت خود حمل می‌کرد و صورت خود را می‌پوشاند تا شناخته نشود و به فقرا غذا می‌داد^۱. حضرت این را به خوبی می‌دانست که هر کس برای خدا کاری را انجام دهد، خداوند هم به او پاداش می‌دهد. خوب حالا امتیاز گروه ساکت‌تر را بدھیم و امتیازها را جمع کنیم تا گروه برنده مشخص شود^۲. شما هم دوستانتان را تشویق کنید با جمله: طیب طیب الله احسنت بارک الله.

حالا من هم در باره قرآن که کتاب خوب زندگی ماست یک شعر برای شما می‌خوانم

۱. محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ترجمه حمیدرضا شیخی، ج ۷، موسسه فرهنگی دارالحدیث، ص ۳۰۴۰.

۲. همان، ص ۳۰۴۹.

۳. بهتر است مریبی به گروه برنده جایزه بدهد.

کتاب خوب زندگی

دوباره باز می‌شود

دوباره قلب کوچکم

پُر از نیاز می‌شود

دوباره با کلام خود

به من اشاره می‌کند

در آسمان آبیش

مرا ستاره می‌کند

سپس مرا ز خانه‌ام

برای گشت می‌برد

مرا از این اتاق تنگ

به سوی دشت می‌برد

همیشه در هوای او

پرندۀ دیده می‌شود

صدای روشن خدا

از آن شنیده می‌شود.

شاهین رهنما^۱

کارلین:

نصرت الهی

مروضه صریع:

قرآن

هدف گلایی:

دانش آموزان در این درس با گوشهای از معارف قرآن آشنا می شوند. (با عنایت به آیه ۲۷۳ سوره بقره تا آخر سوره و ۱۵ آیه ابتدای سوره آل عمران).

اولویت هایی:

دانش آموزان در این درس با موارد زیر آشنا می شوند:

۱. نیکوکاری؛
۲. تکلیف الهی؛
۳. توبه؛
۴. هدایت خداوند و دعا.

هدف رفتاری (خرندهی):

انتظار می رود دانش آموزان در پایان درس بتوانند با توجه به مفاهیم آموزشی فوق، در نیکوکاری، فروتنی و دعا کوشاتر شوند.

روش های مناسب تدریس:

۱. توضیحی ۲. فعال: (پرسش و پاسخ، جدول، داستان و شعر)

رسانه های آموزشی:

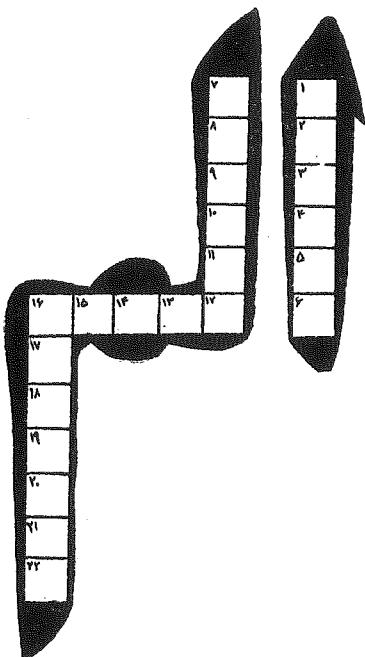
تابلو «تحته و گچ»، کارت بازی

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

نُصْرَتُ الْهَمِي

به نام خداوند بخشندۀ مهریان

بچه‌ها! انسان‌های مؤدب هر وقت به هم می‌رسند، چه می‌گویند؟ بله، سلام. سلام
به شما بچه‌های خوب و مؤدب و مهریان امروز می‌خواهیم دومین مسابقه قرآنی
را شروع کنیم. تا دو گروه آماده می‌شوند، چند سؤال از شما می‌پرسم:
الف - بزرگ‌ترین سوره قرآن با چه کلمه رمزی آغاز می‌شود؟ یک جدول داریم که
حروف داخل آن از پاسخ‌هایی که شما می‌دهید به دست خواهد آمد.



ب - کدام مکان بود که پیامبر ﷺ از آنجا به پیامبری مبعوث شد؟
 «غار» (۱۰، ۲ و ۱۲)

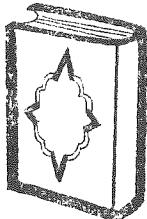
ج - نام پدر بزرگوار پیامبر گرامی اسلام چه بود؟
 «عبدالله»، حرف اول آن را در خانه شماره ۳ قرار می‌دهیم.

د - نام دادم پیامبر ﷺ چه بود؟
 «علی التکلیل»، حرف اول و دوم آن را در خانه‌های شماره ۵ و ۱۳ قرار می‌دهیم.
 بچه‌ها! یکی از کارهای بزرگی که حضرت علیؑ در تاریخی شب انجام می‌داد، کدام بود؟ آفرین، کمک به دیگران، حضرت علیؑ نیمه‌های شب به در خانه انسان‌های «فقیر» غذا می‌برد. حرف اول این کلمه (فقیر) را هم در خانه شماره ۴ قرار می‌دهیم.

حالا به سراغ مسابقه دو گروه می‌رویم. آماده هستید؟
 گروه اول قرآن را باز کنید و به ترجمة آیه‌های ۲۷۳ و ۲۷۴ سوره بقره نگاه کنید و بگویید موضوع این دو آیه چیست؟^۱
 بله، موضوع این آیه کمک به انسان‌های نیازمند است که به آن «نی.....»^۲ می‌گویند. طیب، طیب الله به بچه‌های دانا. حرف اول این کلمه را در خانه شماره ۶ قرار می‌دهیم.

بچه‌های عزیز! خداوند چون خودش بخشنده و مهربان است، افراد بخشنده و مهربان را نیز دوست دارد و به آن‌ها پاداش می‌دهد.

۱. مربی به هر گروهی یک دقیقه فرصت می‌دهد تا پاسخ سؤال را پیدا کنند. در صورتی که گروه مورد نظر موفق به جواب دادن نشد، از گروه مقابل می‌پرسد و در صورتی که گروه دوم پاسخ صحیح دادند، نیمی از امتیاز را به این گروه می‌دهد.
۲. نیکوکاری.



گروه دوم هم که آماده است به اولین سؤال جواب بدهد.

با توجه به آیه ۲۸۵ به سؤال‌های زیر پاسخ دهید.

پیامبر از طرف چه کسی آمده است؟ بله، خدای متعال و با خودش آورده است.

بچه‌ها! نام پستچی خداوند چیست؟ آفرین، بارک‌الله، «فرشته»، حرف اول و دوم این کلمه را در خانه شماره ۱۱ و ۱۸ قرار می‌دهیم.

بچه‌های خوب! اگر ما به فرشته‌های خدا ایمان نداشته باشیم، چه اتفاقی می‌افتد؟... بله، اگر ما به فرشته‌های خداوند که پیام خدا را به پیامبر می‌رسانند، ایمان نداشته باشیم، در اصل به پیامبر و دین او ایمان نیاورده‌ایم. در واقع این فرشته است که دین خدا را برای پیامبر آورده است. حالا نوبت به گروه اول رسید:

به من بگویید نام این حرف «ط» چیست؟ بله، طا به آدمهایی که در مقابل سختی‌ها مقاومت می‌کنند، می‌گویند: طاق...^۱ تسان زیاد است.

خداوند هم به اندازه طاقت و توانایی‌ها به ما چن دلایل به آیه ۲۸۶ نگاه کنید و پاسخ این سؤال را بگویید.

آفرین، درسته «تکلیف» اما بچه‌ها تکلیف یعنی چه؟ یعنی مشق شب، نه، منظور خداوند از تکلیف چیه بچه‌ها؟ به این شعر خوب گوش کنید تا متوجه شوید.

روزه بگیر، نماز بخوان
گوش بده به حرف مامان

گوش بده به حرف بابا
به حرفای بزرگتراء

بچه‌ها! اگر کسی توانایی انجام تکالیفی که خداوند از او خواسته است را نداشت، آیا خدا او را عذاب می‌کند؟ به طور نمونه اگر کسی نتواند روزه بگیرد، آیا

۱. مرتبی کمی صبر می‌کند تا داش آموزان پاسخ را بگویند.

خدا او را به جهنم می‌برد؟ بله، معلوم است که خدای مهریان هیچ وقت این کار را نمی‌کند. زیرا اگر کسی به واقع مریض باشد، نباید روزه بگیرد، یا کسی که نمی‌تواند ایستاده نماز بخواند، می‌تواند نشسته نماز بخواند. بچه‌ها! خدا آن قدر مهریان است که حتی به بچه‌هایی که هنوز به سن تکلیف نرسیده‌اند و عبادت می‌کنند، پاداش می‌دهد.

بچه‌ها حالا بگویید نام مؤذن پیامبر ﷺ چیست؟ آفرین، بلال ... حبسی. حرف اول کلمه «حبشی» را در خانه‌شماره ۱۹ قرار می‌دهیم. بچه‌ها بلال حبسی، حرف «ش» را «س» می‌کرد و نمی‌توانست آن را درست بخواند، اما پیامبر او را به عنوان مؤذن انتخاب کرد و خدا هم عبادت او را می‌پذیرفت. حالا به داستان بلال حبسی خوب گوش کنید:

لال حبسی، غلام «امیة بن خلف» بود. امیه از دشمنان سرسخت و سرشناس اسلام و رسول خدا ﷺ بود. امیه کسی بود که یکی از مشرکان را مجبور کرد به صورت پیامبر ﷺ آب دهان بیندازد. وقتی که بلال حبسی مسلمان شد، امیه هنوز اطلاع نداشت. امیه بتخانه‌ای شخصی داشت که خودش و فرزندان و بستگانش به بتخانه شخصی او می‌آمدند و بت‌ها را عبادت می‌کردند. بلال سرپرست این بتخانه بود، ولی بت‌ها را عبادت نمی‌کرد. امیه وقتی که فهمید بلال در برابر بت‌ها سجده نمی‌کند و مسلمان شده است او را به شدت شکنجه کرد. او را به بیابان داغ و سوزان مدینه می‌برد و بر همه می‌کرد و روی ریگ‌های داغ می‌خواباند و سنگ‌های داغ که گوشت را بریان می‌کرد، بر شکم و پهلو و سینه او می‌گذاشت و به او می‌گفت که از دین اسلام برگردد و به دو بت «لات» و «عزی» ایمان بیاورد، اما بلال در پاسخ می‌گفت: احد احد «خدای یکتا را می‌پرسم، خدای یکتا را

می پرسیم». او بلال را روی خارهای بیابان می کشانید، یا طناب بر گردن او می انداخت و آن را به دست بچه ها می داد تا او را روی پستی و بلندی بکشانند، یا او را درون پوست گاو می گذاشتند و شکنجه می کردند تا دست از خدا پرستی بردارد، اما بلال در پاسخ همه آنها می گفت: احد احد. تا این که یک روز پیامبر گرامی اسلام^{علیه السلام} که از آزار امیه و مشرکان خبر داشت به یکی از یارانش دستور داد که او را خریداری کند. او هم رفت و او را از صاحبی خرید و آزاد کرد.^۱ حالا گروه دوم، خوب گوش کنند، بعد از خواندن این شعر نوبت سؤال آنها است.

هرگز نشه فراموش (بچه ها ممکن است بگویند، لامپ اضافی خاموش) اما مربی بلا فاصله می گوید که، نه اشتباه کردید. این شعر بابا بر قی است، ولی شعر ما چیز دیگری است.

حرفا رو خوب بکن گوش	هرگز نشه فراموش
حرف مامان و بابا	حرفای خوب خدا
یاخوب ندادی تو گوش	اگه کردی فراموش
دیگه قلدری نکن	زود معذرت خواهی کن

بچه ها! اگر پدر و مادر از شما بخواهند کاری انجام دهید و شما آن را فراموش کنید یا درست انجام ندهید، چه می کنید؟ .. بله، بچه های مؤدب از پدر و مادر و بزرگترشان عذرخواهی می کنند. انسان های خوب و افراد با ایمان هم وقتی فراموش می کنند تا کار خوبی انجام دهند، یا عبادتی را که خداوند دستور داده است به طور کامل انجام ندهند از خداوند عذرخواهی می کنند. حال با توجه به

۱. محمد محمدی، اشتهرادی: «بلال حبیسی نخستین اذان گوی اسلام»، انتشارات پیام آزادی، چاپ اول ۱۳۷۳.

آیه ۲۸۶ بگویید: انسان‌های با ایمان به خدا چه می‌گویند و از او چه می‌خواهند؟

می‌گویند ما را **رحمت خشبب^۱** و در **خود قرار ده.**

گروه اول:

حالا به سراغ سوره آل عمران می‌رویم. نام این سوره به نام «خانواده عمران» است. عمران، پدر حضرت مریم بوده است. بچه‌ها ابتدای سوره آل عمران هم با همان کلمه‌ای شروع شده بود که سوره بقره شروع شده بود، یعنی «ال۰».

بچه‌ها! کتاب آسمانی ما مسلمانان چه نام دارد؟... بله، قرآن. آیا می‌توانید نام چند تا از کتاب‌هایی که بر پیامبران الهی نازل شده است را بگویید؟... آفرین. تورات، که بر حضرت نازل شد و انجیل که بر حضرت نازل شده است و زیور که بر حضرت نازل شده است. حرف اول و دوم کلمه «موسی» را در خانه‌های ۲۰ و ۱ قرار می‌دهیم. حرف اول کلمه «انجیل» را در خانه شماره ۷ و حرف دوم آن را در خانه شماره ۱۴ قرار می‌دهیم. حرف سوم کلمه «زیور» را هم در خانه شماره ۸ قرار می‌دهیم و حرف دوم کلمه «داوود» را هم در خانه شماره ۹ و حرف سوم را در خانه ۱۶ قرار می‌دهیم.

با توجه به آیه سوم و چهارم سوره آل عمران بگویید که: خداوند این کتاب‌ها را برای چه نازل کرده است؟ با جا به جا کردن حروف کلمه‌های داخل کارت

(کادر) پاسخ این سؤال را بگویید. **د ا ه ی ت** بنابراین کسانی که به آیات

خدا ف ر کا شوند، خداوند بر آنها ساخت می‌فرستد.

۱. بیخش.

۲. موسی، عیسی و داود.

۳. عذاب

حالا افراد گروه دوم به این شعر توجه کنند تا بفهمند سؤال ما در باره چه موضوعی

است؟

که از کینه در مانماند نشانی
به هر کس عطا کن دل مهربانی
به یک حال و روز خوش و تازه دارد
بدی بس، خدایا بد اندازه دارد

خدایا، خدایا تو ما را کمک کن
بکیر از همه فتنه و دشمنی را
خدایا، زمین تو دیگر نیازی
مدد کن که خوبی نگردد فراموش

خوب، بچه‌های خوب متوجه شدید که سؤال ما، در چه موضوعی است؟
می‌توانید به آیه ۸ سوره آل عمران نگاه کنید و پاسخ را بگویید. بله، موضوع سؤال

ما در باره **دهکده** است. بیشتر انسان‌ها از خدا چیزهای مادی می‌خواهند. به طور نمونه از خدا پول، خانه، ماشین، و یا قبولی در امتحانات را می‌خواهند. حالا اگر دانش‌آموزی که درس نمی‌خواند از خدا بخواهد که قبول شود، به نظر شما این کار درستی است، و یا اگر کشاورزی در زمینی بذر نکارد، می‌تواند از خدا بخواهد که به او محصول خوبی بدهد؟ معلوم است که نه، از قدیم گفته‌اند: «از تو حرکت از خدا برکت».

بعضی از انسان‌ها از خداوند تقاضای معنوی دارند، مانند کسانی که در همین آیه معرفی شده‌اند. آن‌ها از خدا چه خواسته‌اند؟ آفرین، هدایت. حالا ما هم با هم قسمتی از این آیه را تکرار می‌کنیم. «ربنا ، ربنا لاترخ قلوبنا — ربنا ، ربنا لاترخ قلوبنا»^۱

۱. مرتب این قسمت از آیه را به صورت آهنگیں می‌خوانند تا بچه‌ها تکرار کنند. آهنگ پیشنهادی ما بر وزن این سرود قدیمی است:

«ناصرأ ينصرني ليك يا ثار الله مي رويم به راه پاک رهبر روح الله»

حرف سوم کلمه «دعا» را در خانه شماره ۱۵ قرار می‌دهیم.

سؤال مشترک از آیه ۱۳ سوره بقره: خداوند دو گروه را به عنوان عترت دیگران معرفی کرده است. آن دو گروه کسانی هستند که در راه ۱۱۶، چه کسی

می‌تواند حدس بزند **خدا** و در راه **شیطان** ←

مبازه می‌کنند. این آیه در باره جنگ ۱۳ به بدر نازل شده است. جنگ بدر اولین جنگی است که بین مسلمانان و کفار در گرفته است. حالا حرف سوم کلمه «خدا» را در خانه شماره ۱۷ و حرف چهارم کلمه «شیطان» را در خانه ۲۲ و حرف آخر این کلمه را در خانه شماره ۲۱ قرار می‌دهیم.

داستان جنگ بدر

بچه‌ها! مشرکان مکه مسلمانان را خیلی اذیت می‌کردند. به همین دلیل مسلمانان تصمیم گرفتند که از مکه هجرت کنند و به یشرب نزد رسول خدا^{علیه السلام} بروند. به مسلمانانی که از مکه به یشرب هجرت کرده بودند، «مهاجر» می‌گفتند. آن‌ها با این که با مردم شهر یشرب دوست شده بودند، اما زندگی کردن در آنجا برایشان سخت بود. چون آن‌ها بازارگان و تاجر بودند، ولی مردم یشرب کشاورز بودند. از طرفی خانواده و فامیل‌های آن‌ها در مکه بودند و دوری از آن‌ها برایشان سخت بود، اما تصمیم گرفتند که جلوی کاروانی از قریش را که به کار تجارت مشغول بودند، بگیرند تا قریشی‌ها احساس خطر کنند و امتیازهایی به مسلمانان بدهنند. به همین دلیل رسول خدا^{علیه السلام} لشکری آماده کرد تا جلوی کاروان ابوسفیان را بگیرند. جاسوس‌های ابوسفیان این خبر را به او رساندند و او هم یکی از افرادش را به مکه فرستاد تا به مردم مکه خبر دهد. بزرگان مکه از مردم خواستند تا برای حفظ مال و ثروتشان آماده شوند. مردم مکه آماده جنگ شدند و به طرف سپاه رسول خدا^{علیه السلام} حرکت کردند، اما ابوسفیان توانست کاروان خود را به سلامت عبور دهد و به همین دلیل به مردم مکه پیغام داد که دیگر لازم نیست به جنگ بیایند، اما

بزرگان مکه که کینه حضرت محمد ﷺ و مسلمانان را به دل گرفته بودند، تصمیم گرفتند که با آنها بجنگند. هر دو لشکر در محلی به نام بدر (که نام چاه آبی است) به هم رسیدند. لشکر دشمن سه برابر لشکر رسول خدا ﷺ بود. به همین دلیل بعضی‌ها ترسیدند که نکند در این جنگ شکست بخورند، اما خداوند به پیامبرش وحی کرد که: «ای پیغمبر مؤمنان را به جنگ تشویق کن، اگر شما بیست نفر صبور باشید بر دویست نفر از دشمنان پیروز می‌شوید و اگر صد نفر باشید بر هزار نفر از کفار غلبه می‌کنید، زیرا آنها مردمی جاهل هستند»^۱ وقتی که مسلمانان این آیه را شنیدند، روحیه گرفتند و شجاعانه با کفار جنگیدند. خدای یکتا هم ملاٹک را برای یاری ایشان فرستاد و به آنان بشرط فتح و پیروزی داد و به ایمان آنها افزود. مسلمانان تعداد زیادی از قریش را کشتند و یا به اسارت در آوردند و جنگ را به سود خود به پایان بردند. در این جنگ، بالل صاحب خود «امیة بن خلف» را در لشکر مشرکان دید و او را به هلاکت رساند.

بچه‌ها! حالا نوبت به جدول رسید. حروف جدول را کنار هم قرار دهید تا پیام آن را به دست آورید.

احسنت به شما که خیلی سریع پیام را به دست آوردید. بلی، پیام جدول قسمتی از آیه ۲۸۶ سوره بقره است، «واعف عنا واغفرلنا و ارحمنا»، یعنی خدایما ما را ببخش و بیامز و برم رحمت آور.

بچه‌ها! شما می‌توانید این آیه را به صورت دعا در قنوت نماز چنین بخوانید: «ربنا واعف عنا واغفرلنا و ارحمنا انت مولينا فانصرنا على القوم الکافرین^۲.»

۱. اتفاق، آیه ۶۵.

۲. مریم محترم می‌تواند این آیه را چند بار به صورت آهنگی تکرار کند تا دانش‌آموزان یاد بگیرند.

لریشن:

بر ساحل نور

هم‌صریع:

قرآن

هدف گلایی:

دانش آموزان در این درس با بعضی از مفاهیم قرآنی در آیه های ۱۲ تا ۳۲ سوره آل عمران آشنا می شونند.

هدف جزئی:

دانش آموزان در این درس با موارد زیر آشنا می شونند:

۱. نشانه های قیامت و صفات اهل عذاب؛
۲. اطاعت از خداوند شرط دوستی با او.

هدف رفتاری (خروبی):

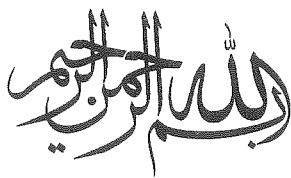
انتظار می رود دانش آموزان در پایان درس بتوانند مفاهیم قرآنی را بیان کنند و در اطاعت از دستورات خداوند جدی تر عمل کنند و در پنهان هم خدا را حاضر و ناظر بر اعمال خود بدانند.

روش های مناسب تدریس:

۱. توضیحی ۲. فعال: (پرسش و پاسخ، شعر و شعار، جدول، کارت، نمایش خطوط فانتزی، طرح تصویری)

رسانه های آموزشی:

۱. تابلو «تخته و گچ» ۲. کارت ۳. قرآن



پرساصل نور

به نام خدایی که بر بندگان بخشايد و بس بود مهربان

با سلام به شما بچه های خوب، انشاء الله با سرخالی و آمادگی متظر یک مسابقه عالی هستید. من چهار سؤال می کنم تا معلوم شود چه کسانی در مسابقه شرکت خواهند کرد:

سلام

۱. یکی از واجبات نماز که نشانه ادب نیز است چه نام دارد؟

آیه

۲. اجزای کوچک هر سوره چه نام دارد؟

عنکبوت

۳. کدام سوره است که به نام یکی از حشرات نیز می باشد؟

۵ بار

۴. در سوره ناس چند بار واژه ناس تکرار شده است؟

کسانی که درست جواب داده اند به دو گروه دو نفری تقسیم بشوند و در جایگاه بایستند. خوب بچه ها آماده هستید تا مرحله اول مسابقه را برگزار کنیم.
(هر سؤال هم ۱۰ امتیاز دارد).

گروه اول: دو مورد از نشانه های قیامت را بگویید:
۱- خاموش شدن خورشید و ستارگان ، ۲- شکافته شدن آسمان.

گروه دوم: روز قیامت مربوط به کدام یک از اصول دین ما می باشد؟
از بچه ها چه کسی می تواند اصول دین را به ترتیب بشمارد؟

ما مسلمانیم
 پیرو قرآنیم
 مانند گلیم
 توی گلستان
 پنج تا پرنده
 توی باغ داریم
 بیا آنها را
 با هم بشماریم
 این پرنده‌ها
 اصول دینند
 همه خوش آواز
 همه رنگی‌ند
 اولی توحید
 دومی عدل
 سوم نبوت
 چهارم امامت
 پنجم معاد
 روز خوب ما
 روز امتحان
 در پیش خدا.

بله بچه‌ها، پنجمین اصول دین ما، معاد است، یعنی همه ما بعد از این که
 مردیم، روزی زنده می‌شویم تا کارهایی که انجام داده‌ایم بررسی شود. هر که
 کارهای خوبش بیشتر باشد به بهشت می‌رود و هر کس کارهای بدش بیشتر
 باشد، جهنم جایگاه او است.

خوب از گروه اول می خواهم که صفات قیامت (روز قیامت روزی است که جزای عمل هر کسی بدون کم و کاست به او داده خواهد شد) را پیدا کنند که در کدام آیه آمده است؟
۲۵ آفرین در آیه آمده است؟

بچه‌ها! نامه اعمال بعضی‌ها از پشت سر به دست چپ آن‌ها داده می‌شود. وای می‌خواهید بدانید جای آن‌ها کجاست؟ در آتش جهنم. وای.

گروه دوم به شما خواهد گفت که: با توجه به آیه ۱۹، خدا چه دینی را معرفی

کرده است؟ بله، اسلام

پس اگر کسی دین نداشته باشد، جای او جهنم است.

حالا سراغ گروه اول می‌رویم تا به ما بگویند گروه دومی که جای آن‌ها جهنم است چه کسانی‌اند؟

این را در آیه ۲۱ پیدا کنید. سریع سریع، چه کسانی؟ آفرین، کسانی که: «نشانه‌های خدا را قبول نکنند، یعنی بگویند این جهان را خدا نیافریده و... پیامبران و انسان‌های نیکوکار را بی گناه می‌کشند».

انسانهای نیکوکار، مثل چه کسانی؟ امامان و امامزاده‌ها و مثل آدم‌های خوب فلسطین و عراق که اسراییل و آمریکای ظالم و خونخوار آن‌ها را بی گناه می‌کشند. خدا به این‌ها چه وعده‌ای داده است؟ گروه اول جواب دهد. بله، مجازات دردناک.

حالا همگی با هم این شعار را تکرار می‌کنیم:

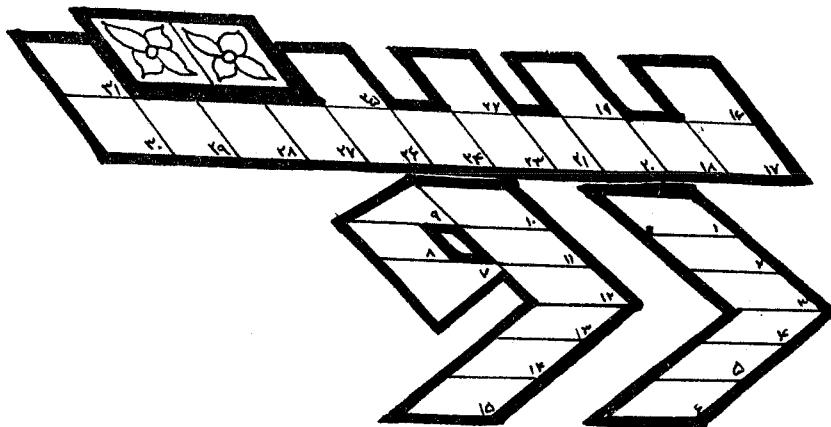
اسلام پیروز است آمریکا نابود است

یا

فلسطین پیروز است اسراییل نابود است

گروه دوم: سومین گروه جهنمی را در آیه ۲۸ پیدا کنید.

آفرین! مسلمانانی که با کافران دوست می‌شوند، رابطه خدا با آن‌ها قطع می‌شود و هر کس با خدا رابطه‌ای نداشته باشد، جایش در جهنم است. کافران چه ویژگی‌هایی دارند؟... بله، خیانتکار، دروغگو، گنهکار، بد زبان و... پس ما هم باید با انسانهایی که مانند کافران هستند، یعنی خیانتکار و دروغگویند و از کارهای زشت و حرفهای بد دوری نمی‌کنند، دوستی کنیم. آنان دشمن خدایند و ما چون خدا را دوست داریم باید با دوستان خدا، دوست باشیم، نه با دشمنان خدا درست است؟ چه گفتید؟ ما خدا را دوست داریم. از کجا معلوم است؟ باید دوستان شرکت کننده در مسابقه، این جدول را کامل کنند تا معلوم شود چه کسانی دوستان واقعی خدا هستند؟ آماده هستید؟



هر کدام از گروه‌ها حرفی را انتخاب کنند. هر گروه که خانه‌های بیشتری را پر کرد، امتیاز بیشتری کسب خواهد کرد. (هر خانه ۲ امتیاز) بعد با کمک هر دو گروه و با رمز ۴ پیام را به دست می‌آوریم. (۸ امتیاز)

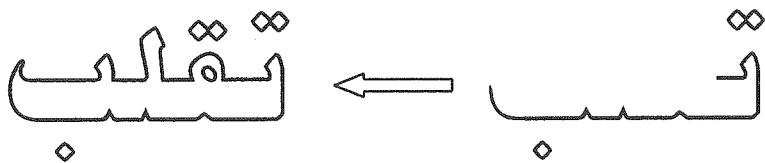
«هر کس خدا را دوست دارد، از او اطاعت می‌کند»

حالا برای اینکه پیام را خوب بفهمیم، یک نمایش اجرا می‌کنیم^۱.

آیا می‌توان گفت این پسر به واقع پدرش را دوست دارد؟ نه، چون اگر او را دوست می‌داشت، باید کارهایش را انجام می‌داد و به حرفهایش گوش می‌کرد.
خوب بجهه‌های عزیز! خدا را بیشتر دوست دارید یا پدر و یا مادر؟ یا خواهر و یا برادر؟ یا پیامبر؟ پس همان‌طور هم اگر کسی به واقع خدا را دوست داشته باشد، باید به حرفهای او گوش دهد و کارهایی را که از او خواسته است، انجام دهد. مبادا آن‌ها را ترک کند. اگر گفته‌مانند چه کارهایی؟ بله، احسنت نهان،

روز، سلام، احترام، درس، خوش‌رفتاری و...

حتی وقتی که خدا او را نمی‌بیند. راستی بجهه‌ها چه وقتی هست که خدا ما را نمی‌بیند؟ آفرین، هیچ وقت، اما بعضی‌ها فکر می‌کنند اگر کسی آن‌ها را نبیند، خدا هم آن‌ها را نمی‌بیند و می‌توانند کار زشت انجام دهند. مانند چه چیزی:



وای، وای تقلیب، این را من برای شما ننوشتم، چون می‌دانم که خیلی از آن بدtan می‌آید، اما اگر کسی را دیدید که از این کار بدش نمی‌آمد و انجام می‌داد از قول من به او بگویید:

۱. نمایش پدر و پسر که پسر خیلی پدر را دوست دارد، اما هر چه پدر به او می‌گوید، گوش نمی‌دهد.

هر کاری که ما بکنیم
نوشته تو کارنامون

خدا همش رو می بینه

اعمال خوب و بدمون

خوب، مرحله آخر مسابقه گروه اول: این که خدا کارهایی را که ما در پنهانی انجام می دهیم، می بیند در کدام آیه آمده است؟^۱ در آیه ۲۹.

آفرین، ترجمه اش چنین است: «بگو ای پیامبر! هر کاری را که مخفی کنید، یا آشکار کنید؛ خدا آن را می داند».

گروه دوم: در آیه ۱۶ دعای افراد شایسته چیست؟

الف) خدایا به ما پول بده

ب) خدایا گناهان ما را بیامرز

ج) خدایا ما را از جهنم نجات بده

د) ب و ج

پس با امید این که خداوند همه ما را داخل بهشت کند و از آتش جهنم نجات دهد، مسابقه را به پایان می رسانیم. با جمع امتیازها و اعلام برنده و با تشویق گروه برنده برنامه را تمام می کنیم.
طیب طیب اللہ احسنت بارک اللہ

۱. چند کارت به عنوان گزینه داده می شود

کریس :
کتاب خوشبختی
نمایشگاه :
قرآن
هدف گلایی :

دانشآموزان در این درس با بعضی از مفاهیم قرآن در آیه‌های ۳۲ تا ۵۲ سوره آل عمران آشنا می‌شوند.

اهداف چریکی :

- دانشآموزان در این درس با موارد زیر آشنا می‌شوند:
۱. داستان حضرت مریم (س)؛
 ۲. داستان به دنیا آمدن حضرت عیسی (ع)؛
 ۳. معجزه‌های حضرت عیسی؛
 ۴. عبادت، راه نزدیکی به خدا.

هدف رفتاری (خروبچی) :

انتظار می‌رود دانشآموزان در پایان درس بتوانند داستان حضرت مریم و ذکریا و برخی از معجزه‌های حضرت عیسی را بیان کنند و در راه عبادت به ویژه نماز بیشتر کوشش کنند.

روش‌های مناسب تدریس:

۱. توضیحی ۲. فعال: (مسابقه، پرسش و پاسخ، شعر و سرود، داستان، کارت، جدول)

رسانه‌های آموزشی:
۱. تابلو، ۲. کارت ۳. قرآن



كتاب خوشبختي

به نام خدای جهان آفرین حکیم سخن در زبان آفرین

با سلام به شما دوستان عزیز و بجهه‌های تمیز، سرحال و شاداب هستید؟ آماده یک مسابقه قرآنی هستید؟ پس می‌رویم سراغ سؤال‌ها:

۱. اولین چیزی که در قیامت از آن سؤال می‌شود چیست؟ نماز

۲. چه کسی در غار حرا برای پیامبر غذا می‌برد؟ حضرت علی

۳. یاور پیامبر و پدر حضرت علی؟ ابوطالب

۴. کدام سوره از قرآن به نام پیامبران است؟ آنیاء

حال که شرکت کننده‌ها معلوم شدند از شما سؤال می‌کنم: خداوند پیامبران را برای چه فرستاده است؟ بله. آن‌ها را انتخاب کرده است تا رهبر و الگوی مردم باشند.

در آیه ۳۲۳ نام کدام پیامبر آمده است؟

خداوند آدم و نوح و خاندان عمران و خاندان ابراهیم را برای پیامبری برگزیده است. حالا سؤال اول از گروه اول: منتظر از خاندان عمران کدام یکی از پیامبران است؟

جواب: حضرت عیسی^{صلی الله علیه و آله و سلم}

ابراهیم

داوود

عیسی

موسی

- کارت‌ها را به آنها داده تا گزینه صحیح را از بین آنها انتخاب کنند و در سؤال دوم توضیح می‌دهیم که ممکن است چند کارت صحیح باشد.

سلیمان

موسی

اسماعیل

محمد ﷺ

جواب: حضرت محمد ﷺ و اسماعیل ﷺ

مرحله دوم: سؤال مشترک از هر دو گروه: (هر کدام ۵ امتیاز)

۱. پیامبری که در گهواره سخن گفت که بود؟ حضرت عیسی ﷺ

۲. لقب حضرت عیسی چه بود؟ مسیح - روح الله^۱

۳. کدام پیامبران الان زنده‌اند و زمان ظهور با امام زمان خواهند بود؟

حضرت عیسی و خضر - علیهم السلام -

۴. نام مادر حضرت عیسی ﷺ چیست؟ مریم (س)

۵. نام پدر حضرت عیسی ﷺ چیست؟ ...

۶. پیامبری که در سن پیری خداوند به او فرزند عطا کرد، چه نام داشت؟

حضرت زکریا

من امروز با توجه به آیات قرآن، داستان حضرت مریم و حضرت عیسی و
زکریا - علیهم السلام - را برای شما می‌گویم. بعد از آن، از داستان‌ها، سؤال
می‌پرسم.

داستان حضرت مریم برای گروه اول:

پدر حضرت مریم، «عمران» و مادر او «حنّه» نام داشت. وقتی که حنّه
می‌خواست حضرت مریم را به دنیا بیاورد با خود نذری کرد که اگر این فرزند
سالم به دنیا بیاید او را خادم مسجدالاقصی کند. خداوند هم نذر او را قبول کرد.
و او بعد از به دنیا آمدن حضرت مریم او را در مسجدالاقصی گذاشت. بزرگان و

۱. به این خاطر به او مسیح می‌گفتند که دست بر چشم بیماران می‌کشید و آنها را بینا می‌کرد.

خادمان آن‌جا با خود گفتند که این دختر کوچک است و باید کسی از او نگهداری کند، اما همه دوست داشتند که این امر را به عهده بگیرند. حضرت زکریا می‌گفت که من شوهر خاله او هستم و از شما سزاوارتم، اما آن‌ها زیر بار نمی‌رفتند. بالاخره تصمیم به قرعه‌کشی گرفتند، اما قرعه به نام حضرت زکریا در آمد و او سرپرستی مریم را به عهده گرفت. زکریا گوشہ مسجد اتاقی ساخت و همیشه برای مریم آب و غذا می‌برد. هر وقت که زکریا نزد او می‌رفت، می‌دید که نزد مریم میوه‌های تازه و خوشمزه‌ای هست پس از چند روز از او پرسید که این میوه‌ها را چه کسی آورده است، در حالی که در بسته بوده است؟ حضرت مریم فرمود: «این‌ها را فرشته‌ای از طرف خدا آورده است. خدا لطف و مهربانی زیادی دارد».

اما سؤال‌ها از گروه اول:

۱. نام مادر حضرت مریم چه بود؟
۲. حنه قبل از تولد فرزندش چه نذری کرده بود؟
۳. قرعه‌کشی به نام چه کسی در آمد؟
۴. معجزه‌ای که حضرت زکریا از حضرت مریم دید، چه بود؟

یک سؤال از بچه‌ها: آیا از حضرت مریم، زن شایسته‌تری هم وجود دارد؟
بله، حضرت فاطمه(س)

بهترین زنان بهشتی ۴ نفرند: حضرت مریم، حضرت فاطمه، حضرت خدیجه و آسیه، زن فرعون.

یک روز در زمان قحطی پیامبر ﷺ غذای بسیاری جلوی حضرت فاطمه دید. از او پرسید: «این همه غذا از کجا است؟ فرمود: این از طرف خدا است». پیامبر ﷺ فرمود: «شکر خدا که دخترم مانند حضرت مریم است».

داستان حضرت زکریا ﷺ برای گروه دوم:

وقتی حضرت زکریا که هیچ فرزندی نداشت، خوبی و مقام حضرت مریم را نزد خدا دید آرزو کرد که کاش او هم فرزندی داشته باشد و به مقام او برسد. به محراب عبادت رفت و دعا کرد که خدا فرزند خوبی به او عنایت کند. خدا هم پس از چندی دعایش را مستجاب کرد و وعده داد که به او و همسرش، ایشاع فرزندی به نام یحیی بدهد. حضرت زکریا که خیلی پیر شده بود، باور نمی‌کرد که صاحب فرزند بشود. به خداوند گفت: خدایا نشانه این که من صاحب فرزند می‌شوم، چیست؟ خدا به او گفت که نشانه‌اش این است که سه روز زیانت از کار می‌افتد و باید با دیگران به صورت رمز صحبت کنی، مگر وقت عبادت که زیانت باز می‌شود. وقتی زکریا این نشانه‌ها را دید، مطمئن شد که فرزند او مدتی بعد به دنیا می‌آید. بچه‌ها بعد از این که حضرت یحیی به دنیا آمد، شباهت‌های زیادی به حضرت عیسی داشت. یکی از آن نشانه‌ها این بود که هر دو در کودکی به پیامبری برگزیده شدند.

اما سوال‌ها از گروه دوم:

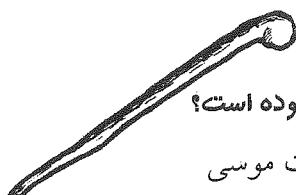
۱. حضرت زکریا در کجا دعا کرد که خدا به او فرزندی بدهد؟
۲. نام مادر حضرت یحیی چه بود؟
۳. نشانه‌ای که خدا به حضرت زکریا داده بود چه بود؟
۴. شباهت حضرت یحیی با حضرت عیسی چه بود؟

يک سؤال از بچه‌ها: حضرت يحيى و حضرت عيسى چه نسبتی با هم داشتند؟

پسر خاله بودند

بچه‌ها پیامبران چگونه با خدا حرف می‌زدند و خدا چگونه با آنان صحبت می‌کرد؟ بله، آفرین با کمک فرشته وحی که یا آن‌ها را می‌دیدند و یا صدایشان را می‌شنیدند. خوب آیا فرشته‌ها با ما هم می‌توانند صحبت کنند؟ بله، امام صادق العلیله فرمود: هیچ قلبی نیست، مگر اینکه دو گوش دارد. کنار یکی فرشته راهنمای نشسته است و کنار دیگری شیطان.

فرشته همیشه ما را به کارهای خوب راهنمایی می‌کند و شیطان ما را به طرف کارهای زشت می‌کشاند.

بچه‌ها این شکلی که می‌کشم معجزه کدام یک از پیامبران بوده است؟

حضرت موسی

حالا از گروه اول می‌پرسم با توجه به آیه ۴۹ معجزه‌های حضرت عیسی العلیله را بگویند:

زنده کردن مردگان – شفای بیماران – درست کردن پرنده از گل – خبردادن مسردم از آنچه می‌خورند و در خانه داشتند.

معجزه پیامبر ما مسلمانان چه چیزی بود؟ قرآن . من یک سرود درباره قرآن می‌خوانم، شما آن را تکرار کنید:

ای هادی خلق جهان، ای قرآن	ای افتخار مؤمنان، ای قرآن
حرف خدای مهریان، ای قرآن	دربای نوری بیکران، ای قرآن
ما را تو هستی روح و جان، ای قرآن	كتاب خوشبختی مان، ای قرآن

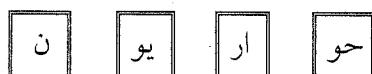
گروه دوم پاسخ دهد که: در آیه ۴۵ چه صفتی برای حضرت عیسی آورد شده است؟ «وجیها فی الدنیا و الآخره»، یعنی در این دنیا و آن دنیا آبرومند و عزیز بود. بچه‌ها شما هم دوست دارید: این دنیا پیش همه عزیز باشد و آن دنیا هم پیش خدا و امامان، عزیز و دوست داشتنی؟ دوست دارید که پیامبر مهربان ما از شما خشنود باشد و به شما همیشه محبت داشته باشد؟ چکار باید کنیم؟

حالا گروه اول پاسخ دهد: با توجه به آیه ۵۱ آن کدام راه است؟ بله، عبادت^۱ راهی که پیش پای ما است و باید در آن قدم بگذاریم تا به خدا برسیم، راه عبادت است. عبادت، یعنی همیشه و همه جا خدا را بپرستیم و به حرف او گوش دهیم. در مدرسه، بازی، گردش مهمانی و همه جا.

دوست دارم خوب باشم	صف و ساده مثل آب
مثل خورشیدی که دارد	نور گرم آفتاب
دوست دارم چشم‌هایم	چشم‌ه زیبا شود
دوست دارم رود باشم	تادلم دریا شود
دوست دارم پاک باشم	بهتر از گل‌های ناز
صورتم شبتم بگیرد	صبح‌ها وقت نماز
دوست دارم دوست باشم	با خدای مهربان
دست‌هایم را بگیرم	روبه سوی آسمان

گروه دوم: با توجه به آیه ۵۲ بگوید کسانی که حضرت عیسی ﷺ را یاری کردند، چه

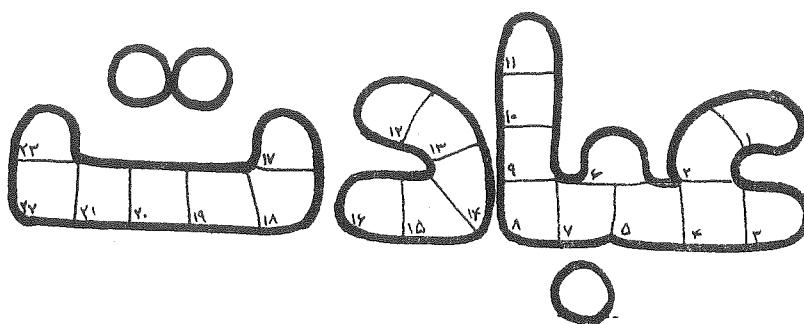
نام داشتند؟



۱. با خطوط فانتزی نوشته می‌شود.

بله، ما هم همان طور که آن‌ها پیامبر شان را یاری کردند، ما هم پیامبرمان را یاری می‌کنیم.

خوب، مرحله آخر مسابقه پر کردن جدول با حروفی است که هر دو گروه انتخاب می‌کنند.^۱



حالا خانه‌های جدول را ۴ تا ۴ تا بشمارید تا پیام به دست آید.
پیام: نماز زمینه نزول فرشتگان است.

چنانچه حضرت زکریا و مریم وقتی نماز می‌خواندند، فرشتگان بر آن‌ها نازل می‌شدند و به آنان مژده و پاداش می‌دادند.
با جمع امتیازات مسابقه را تمام می‌کنیم.
تشویق گروه برنده یادتان نرود.
طیب طیب الله چشم نخوری ایشالله

۱. هر گروه، حرفی را انتخاب می‌کند، چنانچه آن حرف وجود داشت به تعداد هر خانه ۲ امتیاز برای آن‌ها محاسبه می‌شود، حروف جدول عبارتند از: (ا – در خانه‌های ۳، ۹، ۱۲)، (ت – در خانه‌های ۱۹ و ۲۰)، (ر – در خانه ۱۱)، (ز – در خانه‌های ۱۳، ۱۷ و ۱۸)، (س – در خانه ۱۶)، (ش – در خانه ۱۵)، (ف – در خانه ۷)، (گ – در خانه ۲۳)، (م – در خانه‌های ۵ و ۲۱)، (ن – در خانه‌های ۱، ۶، ۸ و ۱۴)، (و – در خانه ۲۲)، (ه – در خانه ۱۰)، (ی – در خانه ۲)، (ل – در خانه ۳).

کریس:

راه سعادت

نمودنی:

قرآن

هدف گلی:

دانشآموزان در این درس با استفاده از آیه‌های ۵۱ - ۷۱ سوره آل عمران از جزء سوم قرآن با مفاهیمی از قرآن آشنا می‌شوند.

اهداف چریکی:

دانشآموزان در این درس با موارد زیر آشنا می‌شوند:

۱. برخی از ویژگی‌های انبیای الهی ﷺ؛

۲. ویژگی‌های حضرت عیسیٰ ﷺ؛

۳. برخی از ویژگی‌های ستمکاران.

هدف رفتاری (خروبی):

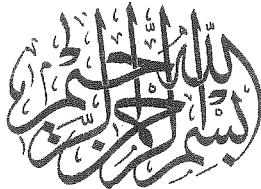
انتظار می‌رود دانشآموزان در پایان درس بتوانند ثابت کنند که خدا فرزندی ندارد و حضرت عیسیٰ ﷺ هم عبد و بنده خدا است.

روش‌های مناسب تدریس:

۱. توضیحی ۲. فعال: (پرسش و پاسخ ، مسابقه و....)

روش‌های آموزشی:

۱. تابلو «تخمه و گچ» ۲. کارت‌های بازی



راه سعادت

برای دردمندان تو بهترین دوایی

برای گم گشتگان یگانه راهنمایی^۱

دوستان سلام! امیدوارم که سلامت و سرحال باشید.

پیامبر ﷺ راهنمای ما کیست؟

قرآن نام کتاب او چیست؟

حالا به یک قصه از قرآن گوش کنید.

دو خواهر بودند. آن‌ها در قوم بنی اسراییل زندگی می‌کردند. یکی همسر زکریا بود و دیگری همسر عمران. عمران سال‌ها از داشتن فرزند محروم بود. همسر عمران با دعا از درگاه خدا، فرزندی درخواست کرد. به عمران وحی شد که خداوند به او پسری خواهد داد، او بیماران را علاج می‌کند، مردگان را زنده می‌سازد و پیامبر بنی اسراییل می‌شود. به این جهت نذر کرد که فرزندش را خدمتگزار بیت المقدس نماید، ولی وقتی فرزند عمران به دنیا آمد، دختری بود که او را «مریم»^۲ نهادند. سال‌ها بعد حضرت مریم صاحب فرزند شد که به عمران وعده داده شده بود. او در گهواره سخن می‌گفت. دعوت به پرستش خدا می‌کرد.

۱. اسدالله شعبانی: «ثان و پروانه»، تهران، ۱۳۷۷، سوره، ص ۱۶۳.

۲. مریم به معنی «زن عبادت کار».

می گفت: «من بندہ خدا هستم، خدا پروردگار من و شما است. من فرستاده خدا هستم، خدا را پرستش کنید».

حالا قرآن را باز کنید و آیه ۵۲ سوره آل عمران را نگاه کنید. چه کسی می‌تواند نام این پیامبر الٰی را بگوید؟

بله! حضرت عیسیٰ ﷺ

در آیه ۵۵ کدام ویژگی از حضرت عیسیٰ ﷺ ذکر شده است؟ آیا کسی می‌تواند آن را با توجه به ترجمه آیه بگوید؟

آفرین! خدا حضرت عیسیٰ ﷺ را به سوی خود (آسمان) برد.

چه زمانی حضرت عیسیٰ ﷺ به زمین بر می‌گردد؟

بله، حضرت عیسیٰ ﷺ در هنگام ظهور حضرت مهدی (عج) از آسمان فرود می‌آید و پشت سر حضرت مهدی (عج) نماز می‌گذارد!

اکنون، نام چند پیامبر الهی را در تابلو می‌نویسیم و از شما می‌خواهیم که ویژگی هر یک را با مراجعه به آیه ۵۹ قرآن، با کشیدن خط به یکدیگر مرتبط سازید.

حضرت محمد ﷺ

پیامبری که پدر و
فرزندی نداشت

حضرت آدم ﷺ

پیامبری که نه
پدرداشت و نه مادر

حضرت عیسیٰ ﷺ

پیامبری که پدرش
را قبل از تولد از
دست داد

حالا با هم به یک داستان کوتاه در باره این سه پیامبر الهی ﷺ گوش کنید:
«در زمان پیامبر اسلام، حضرت محمد ﷺ، گروهی از مسیحی‌ها به مدینه آمدند.

نماینده آن‌ها از پیامبر پرسید: «شما ما را به چه دعوت می‌کنی؟»
پیامبر ﷺ فرمود: «به سوی خداوند یگانه و این که از طرف خدا، رسالت
هدایت مردم را به عهده دارم و مسیح بندهای از بندگان اوست؛ مثل دیگران غذا
می‌خورد و...»

وقتی این سخنان را شنیدند نپذیرفتند.

پیامبر ﷺ از آن‌ها خواست تا برای روشن شدن مطلب، از خدا بخواهیم و دعا
کنیم تا دروغگو را رسوا سازد و او را مجازات کند. هرچند اگر عیسی بدون پدر
به دنیا آمد، اما این دلیل نمی‌شود که فرزند خدا باشد، زیرا آفرینش آدم ﷺ به
شكل عجیب‌تری بوده است. او بدون پدر و مادر به دنیا آمد!

وقتی سخنان پیامبر ﷺ به پایان رسید. مسیحی‌ها مهلت خواستند تا فکر کنند.
حضرت پیامبر اسلام ﷺ برای مراسم دعا کسانی را آورد که خدا آن‌ها را دوست
داشت؟

آیا نام آن ۵ نفر را می‌دانید؟ بله، پیامبر ﷺ با حضرت علی ﷺ و فاطمه(س) و
امام حسن ﷺ و امام حسین ﷺ.

مسیحی‌ها وقتی این صحنه را دیدند، وحشت کردند و به حقانیت کلام رسول
خدا ﷺ ایمان آورdenد و از انجام مراسم دعا خاص برای رسوا شدن دروغگو
خودداری کردند.

۱. مربی به طرح روی تابلو اشاره کند.

حالا من قسمتی از ترجمه آیه را می خوانم و از شما می خواهم آیه مورد نظر را از میان آیه های ۶۰ تا ۶۴ پیدا کنید و شماره آیه را بگویید: «بگو ای اهل کتاب بیایید به سوی سخنی که میان ما و شما مشترک است که به جز خدا را نپرستیم و چیزی را برای او شریک قرار ندهیم....»
بله، آفرین شماره‌ی آیه مورد نظر ۶۴ است.

اکنون بگویید که رسول خدا در آیه دعوت به کدام اصل از اصول دین اسلام من فرماید؟

بله! دعوت به سوی **توحید**

معنای توحید چیست؟

یگانه پرستی و به یگانگی خدا ایمان آوردن، اگر ما به خدا ایمان آوریم و او را دوست بداریم خداوند هم ما را دوست دارد ولی عده‌ای را خدا دوست ندارد.
حالا بگویید خدا چه کسانی را دوست ندارد؟

برای جواب به پایان آیه ۵۷ مراجعه کنید و جواب را بگویید: بله! ستمگاران ترجمه آیه ۵۷ را دوست شما می خوانند. خوب گوش کنید و به سؤال هایی که می پرسم، جواب دهید.

ترجمه: «آنها که ایمان آورند و عمل صالح انجام دادند، خداوند پاداش آنها را به طور کامل خواهد داد و خداوند ستمگاران را دوست نمی دارد».
حالا! نام چند ستمگر را که من شناسید، بگویید؛ بله!

لُهُودُ لُرُونَ مَحَاوِيهِ لِيَزِيرِ أَبُوسَغِيَّانَ بُوْشْ

شرط رسیدن به پاداش کامل الهی کدام یک از این دو کارتی که نشان می‌دهم است^۱؟

عمل صالح

ایمان

آیا ایمان تنها کافی است؟ نه

آیا عمل صالح به تنها کافی است؟ نه

بله، کسانی که ایمان به خداوند بیاورند و عمل صالح انجام دهند از پاداش خداوند به طور کامل بهره‌مند می‌شوند.

در پایان به بقیه شعری که در ابتدا در باره کلام آسمانی خوانده شد، با هم گوش می‌دهیم . خوب توجه کنید.

کلام آسمانی

تو بهترین کلامی

تو بهترین کتابی

در آسمان دلها

تو مثل آفتابی

تمام سوره‌هایت

نوید رستگاریست

و باغ آیه‌هایت

پرازگل و قناری است

اسدالله شعبانی

۱. مریبی با کارت برنامه را ادامه می‌دهد.

کریس:

مقاومت

همه‌صریع:

قرآن

هدف گلی:

دانشآموزان در این درس با استفاده از آیه‌های ۷۱ - ۹۱ سوره آل عمران از جزء سوم قرآن با مفاهیمی از قرآن آشنا می‌شوند.

اهداف جزئی:

دانشآموزان در این درس با موارد زیر آشنا می‌شوند:

۱. وفاداری و آثار آن؛

۲. امانت‌داری و خیانت در امانت؛

۳. راه آزاد سازی فلسطین؛

۴. اسمای برخی از انبیای الهی.

هدف وقتاری (خروبی):

انتظار می‌رود دانشآموزان در پایان درس بتوانند با توجه به آثار صفات پسندیده و فداداری و امانت‌داری در اسلام نسبت به حفظ آنها کوشش نمایند.

روش‌های مناسب تدریس:

۱. توضیحی ۲. فعال: (پرسش و پاسخ ، کارت و....)

وسائلهای آموزشی:

تابلو «تخته و گچ»

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

مقاؤمت

دلم می‌شود مهربان	خدایی که با یاد او
زمین، توی دل، آسمان	خدایی که در هر کجاست
مرا هر کجا، هر زمان	خدایی که یاری کند

با سلام، امیدوارم که حال همگی خوب باشد و آماده و سرحال باشید تا آخرین
مسابقه قرآنی را شروع کنیم.

حالاً قرآن‌ها را باز کنید و به آیه‌های ۷۱ تا ۷۶ سوره آل عمران توجه کنید و
بگویید این شعری که می‌خوانم، ترجمه کدام یک از آیه‌ها می‌باشد. خوب توجه
کنید.

همانا خداوند خواهان اوست، الله دوست.

آیا کسی می‌تواند با توجه به معنای آیه، شماره آیه را بگوید؟
حالا برای این که بهتر توجه شوید به یک نمایش کوتاه توجه کنید.
آفرین، آیه مورد نظر، آیه ۷۶ است که ترجمه آیه را دوست شما برایتان قرائت
می‌کند.

۱. مریب از قبل یک پاتومیم با موضوع: «وفای به عهد» و خوشحالی شخصی که سر وقت به وعده‌گاه آمده است و بدقولی و ناراحتی شخصی که به عهد خود وفا نکرده است مانند نگاه کردن به ساعت، و این که صبح وعده بوده است و شخص متظر، حالت انتظار دارد در این بین از ۸ صبح تا اذان (که اذان ظهر به طریقی باید) منتظر اوست ولی او نیامده است و او ناراحت است.

با یک صلوات قرآنی دوست خودتان را همراهی کنید: «اللهم صل و سلم و
زد و بارک علی رسول الله و آله الاطهار».

بلی، «من او فی بعهدہ و انتی فان اللہ یحب المتقین»(۷۶)؛ ترجمه: آری هر کس
که بر عهد خویش وفا کند و پرهیزکار باشد، خدا پرهیزکاران را دوست دارد».
بله! علاوه بر خدا که شخص وفادار را دوست دارد، دیگر چه کسانی انسان با
وفا را دوست دارد؟

چه کسی می‌تواند با توجه به این کارت، جواب صحیح را بگوید؟

پیامبر

ی ا پ ر ب م

بله! رسول خدا حضرت محمد ﷺ. همان طور که خدا و رسول خدا ﷺ
شخص وفادار را دوست دارند، یکی از نشانه‌های **ای ام ن** **ایمان** نیز
وفاداری است.^۳

در واقع مسلمان، وفادار است و به دستورهای خداوند عمل می‌کند.
یکی دیگر از کارهایی که یک مسلمان باید از آن دوری کند و مثل یهودی‌ها نباشد در
آیه ۷۵ آمده است. چه کسی می‌تواند نام آن را بگوید؟ بله!

خیانت

آیا دوست دارید داستان یک یهودی خیانت کار را بدانید؟

مردی از قریش پیش یک نفر یهودی رفت. امانتی به او سپرد تا برای او حفظ
کند. به نظر شما در هنگام دریافت امانت خود آن مرد یهودی چه بخوردی
داشت؟ بله، آن شخص یهودی، بنا بر عقیده خود که اگر کسی یهودی نباشد،
مشرك است و مال او حلال است، امانت او را پس نداد.

۱. مرتبی کارت‌هایی را آماده کند و پشت و روی آن‌ها کلمه‌های به هم ریخته و کامل شده را بنویسد.

۲. مجلسی، محمدمباقر: بحار الانوار، دارالاحیاء التراث، بیروت، ۱۴۱۲ هـ، چ ۱، ج ۷۵، ص ۹۴.

قال رسول الله ﷺ: اقریکم غذاً منی فی المواقف... و اوفاکم بالعهد...

۳. قال على عليه السلام: من دلائل الایمان،الوفاء بالعهد. الامدی التمیمی، عبدالواحد، غرر الحكم و درر الكلم،جامعه طهران، چ ۳، ۱۳۶۰، هـ، ش ۱۰۲۶.

الآن هم گروهی از مسلمانان می خواهند حق خود را از صهیونیست‌های اسرائیلی بگیرند. یهودی‌های خائن و صهیونیستی که سالها است خانه و کاشانه آن‌ها را به زور تصرف کرده‌اند و به کشتار مسلمانان مشغول هستند و خانه‌هایشان را بر سر آنان خراب می‌کنند.

نام این کشور به زور تصرف شده را بگویید؟
برای بازگیری کشورشان باید چه کار کنند؟
به کارت‌ها توجه کنید:
با حفظ وحدت و مبارزه در راه خدا، حالا به یک شعر در این زمینه توجه کنید.

اتل متل تو دستاش
دوباره چوب و سنگه
می‌خواه بره تو کوچه
با دشمنش بجنگه

دشمن کیه؟ اسرائیلی
تو گوش او می‌زنه سیلی
- اسرائیلی دیگر کیه؟
گرگه یا خوک آیه

- نه گرگه و نه خوکه
آدم کله پوکه

نمی‌دونه فلسطینی
حتی اگه بمیره

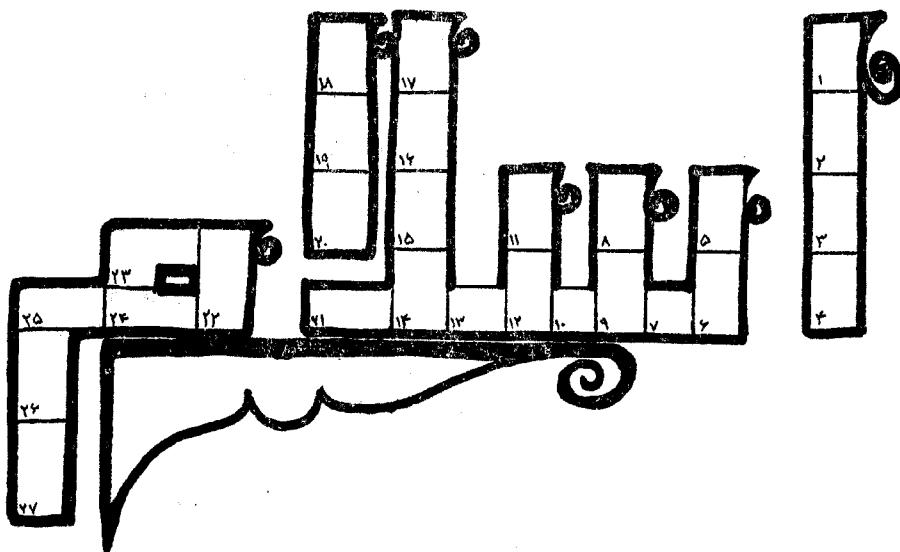
با سنگ و چوب و شیشه
فلسطینو می‌گیره

علی محمد شهیدی فر»

نام کدام یک از دین‌های الهی در آیه ۸۵ آمده است؟
ابتدا به این جدول توجه کنید و به سؤال‌هایی که می‌پرسم، پاسخ دهید تا در

جدول قرار دهم.

۱. دوست و رفیق؟
 ۲. وحش نیست؟
 ۳. شهر مذهبی که حضرت معصومه(س) در آنجا دفن است؟ قم(۱۱ و ۲۳)
 ۴. گل خوشبو به رنگ سفید یا زرد یا کبود، معروف به گل حضرت فاطمه زهراء(س)؟
یاس(۱۳ و ۲۰)
 ۵. برادر پدر؟
 ۶. میوه‌ای پاییزی و زمستانی به رنگ سرخ و سفید؟
 ۷. کوشش و تلاش کردن؟
 ۸. پولی که به صورت قرض از بانک من گیرند؟
 ۹. به معنای نقص من آید؟
- یار(۳، ۹ و ۱۱)
اهلی(۲، ۱۷، ۲۶ و ۲۱)
عمو(۱۲، ۱۰ و ۱۵)
سیب(۴، ۲۲ و ۵)
سعی(۶، ۷ و ۱۶)
وام(۲۷، ۱۴ و ۲۵)
عیب(۱۸، ۲۴ و ۱۹)



در این جدول با رمز ۳، پیام آن را به دست می‌آوریم. فرقی که با مسابقه‌های قبل دارد این است که هر پیامی که به دست می‌آید، شما باید آن را تعریف کنید و برای آن یک جمله کوتاه بگویید.

با هم می‌شماریم: یک، دو، سه

بله! پیام اول، نام اولین بت شکن تاریخ است. حضرت ابراهیم الصلی اللہ علیہ و آله و سلم.

دومین پیام، نام فرزند بت شکن تاریخ، حضرت اسماعیل الصلی اللہ علیہ و آله و سلم.

سومین پیام جدول، حضرت یعقوب، فرزند اسحاق و پدر حضرت یوسف الصلی اللہ علیہ و آله و سلم.

پیام بعدی جدول، حضرت موسی الصلی اللہ علیہ و آله و سلم.

به پیروان آن حضرت چه می‌گویند؟ یهودی

یک جمله در باره این پیامبر و معرفی آن حضرت بگویید؟

پیام پایانی جدول «حضرت عیسی الصلی اللہ علیہ و آله و سلم» است. به پیروان آن حضرت چه می‌گویند؟ مسیحی

چه کسی می‌تواند در معرفت حضرت عیسی الصلی اللہ علیہ و آله و سلم یک جمله کوتاه بگوید؟ آفرین!

به پیروان حضرت محمد ﷺ چه می‌گویند؟ مسلمان.

اگر کسی مسلمان نباشد در قرآن چگونه معرفی شده است؟

برای جواب ترجمة آیه ۸۵ را می‌خوانم و با هم خود آیه را تکرار می‌کنیم:

ترجمه: کسی که غیر از اسلام دینی را انتخاب کند از او پذیرفته نیست...

« و من بیتغ غیر الاسلام دینا فلن یقبل منه...»

سیرہ

اہل بیت

کریم:

گل محمدی

ویژه کسریع:

سیره اهل بیت - علیهم السلام -

هدف گلی:

دانش آموزان در این درس با اخلاق نیک و رفتار زیبای رسول الله ﷺ آشنا می شونند.

اهداف جزئی:

دانش آموزان در این درس با موارد زیر آشنا می شونند:

۱. گوشه‌ای از زندگی پر فیض پیامبر ﷺ؛
۲. سیره عملی رسول خدا ﷺ در برخورد با مردم.

هدف رفتاری (خروبی):

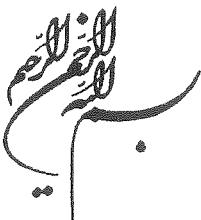
انتظار می رود دانش آموزان در پایان درس بتوانند با پرورش روحی و فکری دینی در خدمت جامعه و خانواده قرار گیرند

روش های مناسب تدریس:

۱. توضیحی ۲. فعال: (قصه، شعر، معما، بازی با کلمات، جدول)

رسانه های آموزشی:

۱. تابلو «تخته و گچ» ۲. کارت



گل محمدی

بچه‌های عزیز، سلام، سلام! انشاء الله که حال شما خوب خوب است.
با نام خدا یک شعر قشنگ را با هم می‌خوانیم.

کتابم هست قرآن	منم بچه مسلمان
به وقت صبحگاهی	رسولم داده فرمان
کنم شکر الهی	

بچه‌ها! مسلمانی ما از «اسلام» است. آن دینی که همه دستورهای خدا در قرآن
توسط پیامبر ﷺ برای ما آمده است و بهترین و کامل‌ترین برنامه زندگی ما است. و
قرآن کتاب عزیز خدادست که هر که می‌خواهد خدا با او صحبت کند، قرآن
بخواند. قرآن تابلوی راهنمای زندگی همه انسان‌ها است.

آیا می‌دانید سوره ۷۴ قرآن به نام «محمد» ﷺ پیامبر اسلام است.
خوب بچه‌ها، حضرت محمد ﷺ به چه لقب‌هایی معروف بود؟ بله رسول، نبی، حبیب
الله، خاتم الانبیاء و ... راستی الکوی ما در زندگی چه کسانی هستند؟ بله، پدر و مادر،
معلم، دوست و ... اما بهترین الکوی راه و روش زندگی، پیامبر و امامان هستند که
خداوند در قرآن به همه سفارش کرده است: «لقد کان لكم فی رسول الله اسوه
حسنہ»^۱ همانا به راستی رسول خدا برای شما در زندگی سرمشق نیکویی است.

۱. سوره احزاب، آیه ۲۱

حالا چند دسته گل باع محمدی از کارهای خوب پیامبر ﷺ را به شما هدیه می‌دهیم؟ ده گل زیبا تا در زندگی از آن‌ها کمک بگیریم.

گل اول: با هر وضع مسوак می‌زد؛

گل دوم: در مسافرت لیوان به همراه می‌برد؛

گل سوم: موی سرش را بسیار تمیز و مرتب شانه می‌زد؛

گل چهارم: روز جمعه ناخن‌ش را کوتاه می‌کرد؛

گل پنجم: وقت خمیازه، جلوی دهانش را می‌گرفت؛

گل ششم: همیشه خوش رو و خوش بو و مهریان بود؛

گل هفتم: اول غذا بسم الله می‌گفت و در پایان شکر خدا به جای می‌آورد؛

گل هشتم: در کار خانه به خانواده کمک می‌کرد؛

گل نهم: هر وقت میوه تازه می‌آوردند، اول به کودکان هدیه می‌داد؛

گل دهم: با کودکان بسیار مهریان و رفیق بود و دست نوازش بر سرشان

می‌کشید و به کودکان بسیار سلام می‌کرد.

یک خاطره قشنگ؛ می‌گویند که: روزی پیامبر اسلام ﷺ از کوچه‌ای می‌گذشت،

پسر بچه کوچکی جلو آمد و سلام کرد. پیامبر ﷺ فرمود: «مرا دوست داری».

گفت: «بله به خدا».

فرمود: «مثل چشمانت».

گفت: «بیشتر».

فرمود: «مثل پدر و مادرت».

۲. برگرفته از کتاب تصویری از بهار، حسین سیدی، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.

گفت: «بله بیش تر».

فرمود: «از جانت بیش تر».

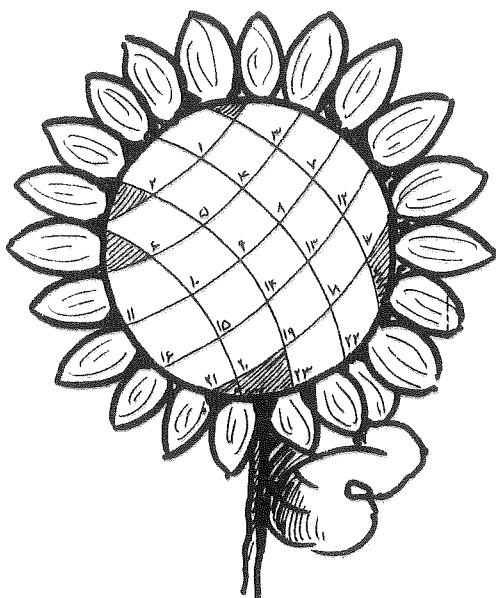
گفت: «بلکه بیشتر».

فرمود: «از پروردگار هم بیش تر».

گفت: «ای رسول خدا! من تو را به خاطر خدا دوست دارم».

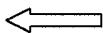
پس آن حضرت به یارانش فرمود: شما هم این گونه باشید که خدا را دوست بدارید برای این که به شما نعمت داده است و مرا دوست بدارید برای دوستی خدا. پس آن بچه را نوازش کرد و به ادب او آفرین گفت!

عزیزان من پیامبر اسلام ﷺ به دوستی‌ها خیلی اهمیت می‌دادند، اما باید راه آن را پیدا کنیم. حال با پاسخ دادن به سؤال‌ها، حرف‌های جدول را پیدا می‌کنیم:



۱. حسن بن ابی الحسن دیلمی: «رشاد القلوب»، نشر شریف رضی، ج ۱، ص ۱۶۱. (باب ۴۹)

با شمارش خانه‌های جدول گل محمدی پیامی از سخنان پیامبر ﷺ را کامل کنید.
سپس خانه‌ها را سه تا می‌شماریم و حرف خانه سوم را یادداشت می‌کنیم تا
به پیام برسیم.



درس (۱، ۱۶ و ۲۶)

۱. در مدرسه می‌خوانیم؟

دندان (۳، ۲۰، ۱۲، ۵ و ۲۱)

۲. سه نوبت به او مساواک می‌زنیم؟

کیم (۱۷، ۲ و ۱۱)

۳. بستنی چوبی آن در تابستان می‌چسید؟

دود (۸، ۴ و ۱۸)

۴. سیاه است و در آسمان پرواز می‌کند؟

داس (۲۳، ۱۵ و ۷)

۵. وسیله‌ای برای چیدن گندم است؟

تیز (۹، ۱۳ و ۲۲)

۶. تن و برآن؟

آیت (۱۹، ۱۴ و ۱۰)

۷. نشانه و علامت؟

رسول الله ﷺ: «تصافحوا فان المصافحة تزيد في المودة»؛ به یکدیگر دست
دهید که دست دادن دوستی را زیاد می‌کند!

راستی بچه‌ها می‌دانید از آن کارهای خیلی خوب این است که حق دیگران را
بشناسیم و نوبت را رعایت کنیم تا دیگران از ما دلگیر نشوند. حالا قصه « Nobit به
نوبت»:

تق ، تق ، تق! فاطمه(س) به طرف در رفت. بوی عطر پدر را شناخت. در را باز
کرد. بوی بهاری کوچه آمد تو. چهره خندان پیامبر ﷺ نمایان شد. سلام کرد و
داخل شد. نصف حیاط که آفتابی بود، جارو شده بود. پیامبر ﷺ با دخترش
صحبت می‌کرد که صدای گریه‌ای بلند شد. آب می‌خواهم، آب.

۱. نعمان بن تمیمی: «دعائیم الاسلام»، دارالمعارف سحر، ج ۲، ص ۳۲۶.

صدای حسن بود، فاطمه(س) می خواست برود، اما پدر از او خواست کارش را تمام کند. پیامبر ﷺ از کنار پنجره گذشت. دامادش علی خوابیده بود و استراحت می کرد. نوه کوچکش هم با لبخندی بر لب به آرامی نفس می کشید، اما حسن بیدار شده بود. چشمانش را می مالید و خواب آلود، آب می خواست. پدر بزرگ با مهربانی صدایش زد و به سوی تاقچه رفت. پیاله ای برداشت و آن را از مشک، آب کرد. با نوه اش حرف می زد که حسین با صدای پدر بزرگ بیدار شد. وقتی دید پدر بزرگ می خواهد به حسن آب دهد، گفت: من تشنه‌تر هستم. پدر بزرگ لبخندی زد، اما پیاله را به حسن داد و با دست اشاره کرد که نوبت او هم می رسد، صبر کند.

فاطمه(س) آمد کنار پنجره پدر را دید که پیاله را به فرزند بزرگش داد. حسین علیه السلام هنوز اصرار می کرد و آب می خواست. مادر خندید و گفت: «پدر، حسن را بیشتر دوست داری؟»

پیامبر ﷺ سر چرخاند. همان طور که به حسن کمک می کرد آب بخورد، تبسی کرد و گفت: «هر دو نزد من مساوی‌اند. هیچ کدام بر دیگری برتری ندارد.» حضرت ادامه داد که: «حسین باید صبر کند تا نوبتش برسد.»

فاطمه(س) دید که پدر این جا هم عدالت را رعایت می کند. و پدر بزرگ با پیاله آب به سوی حسین رفت.^۱

خوب بچه‌ها، از این قصه چه نتیجه‌ای می گیریم؟ بله:

۱. قانون و ادب را در همه حا رعایت کنیم.
۲. برای رسیدن به بعضی آرزوها باید صبر کرد.

۱. بشاره المصطفی، ص ۱۸۸.

خوب بچه‌های عزیز چقدر نام محمد ﷺ زیبا است، به یاد آن گل محمدی شعر
زیبای «آواز روحانی» را زمزمه می‌کنیم:

بخوان نام خدا را ای محمد ﷺ

که تا این مردها هم جان بگیرند
بخوان تا شب پرستان سیه دل
از این آواز روحانی بمیرند

بخوان تا قلب‌های سخت و سنگی

از این آیات رحمت نرم گردد
زمستان سیاه و سخت مکه
حرارت از تو گیرد، گرم گردد

بخوان آیات خود را ای محمد

که این دلهای وحشی رام گردد
بخوان تا دختران شهر مکه
از این پس قلبشان آرام گردد

بخوان نام خدایست را محمد

خدایی که به انسان سروری داد

بخوان نام خدایی را که یکسر

تو را بر خلق عالم برتری داد

«محمد رضا میرزا بی‌ی»

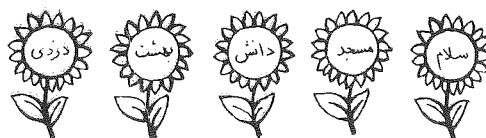
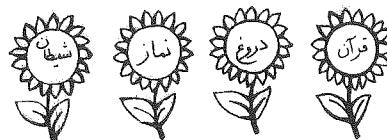
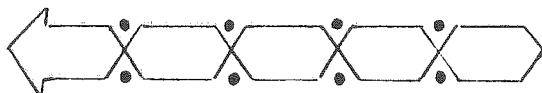
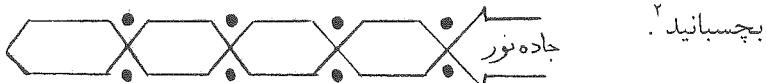
من کیستم؟

بچه‌های عزیز، یاران پیامبر اسلام ﷺ را من شناسید؟ بله، بعضی از یاران حضرت
محمد ﷺ باوفا و خدمتگزار بودند. حال شما از این شعر پیدا کنید آن یارباصفا کیست؟

از حبس یک جوان گمنام	بچه‌ها! در اوایل اسلام
راهی شهر مکه شد ناگاه	یک جوان فرشته‌خوی سیاه
چون که صوتی بلند و شیوا داشت	چون صدایی قوی و گیرا داشت
ذکر الله بر زبان گفتن	گشت مأمور بر اذان گفتن
مهربان و شجاع و خوشخوا اوست ^۱	اولین مؤمن اذان گو اوست
	او کیست؟ بلال حبشي

یادگاری او برای مسلمانان چیست؟ اذان گویی

خوب بچه‌های عزیز، یک مسلمان واقعی باید در زندگی راه حق را درست پیدا کند تا به چاه گناه نیفتد. حال شما گل‌های خوب را پیدا کنید و در جاده نور



۱. حاجی حسینی، محمد، برگرفته از کتاب کیست آن؟ نشر کتابهای شکوفه، وابسته با انتشارات امیرکبیر، چ ۱، ۶۸، تهران.

۲. مربي گرامي تصاوير گل را قبل تهيه نموده تا بچهها بر روی جاده يچسبانند.

کاریز:

مثل فرشته‌ها

همه‌ی قصیع:

سیره اهل بیت - علیهم السلام

هدف گلایی:

دانش آموزان در این درس با صفات اخلاقی و روحیات فاطمه زهرا (س) آشنا می‌شوند.

اهداف چریکی:

دانش آموزان در این درس با موارد زیر آشنا می‌شوند:

۱. احترام به پدر و مادر و کمک به آن‌ها؛
۲. دوست داشتن مردم؛
۳. شناسنامه حضرت زهرا(س)؛
۴. برخی از سخنان گهربار آن حضرت.

هدف رفتاری (خروبی):

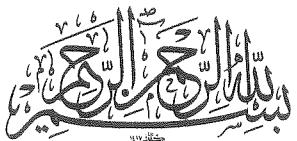
انتظار می‌رود دانش آموزان در پایان درس بتوانند از شیوه‌های رفتاری و گفتاری بانوی بزرگ اسلام درس بگیرند.

روش‌های مناسب تدریس:

۱. توضیحی ۲. فعال: (قصه، بازی با کارت، جدول، بازی)

رسانه‌های آموزشی:

۱. تخته سیاه ۲. کارت



مثل فرشته‌ها

بچه‌ها سلام ، حال شما خوب است؟ با یک شعر چطور هستید؟ با دقت گوش
بدهید.

سلام، سلام

ای دختری که پیش تو بابا کند سلام
تو کوثر استی و به تو طوبی کند سلام
فرمود مصطفی که جزایش بود بهشت
هر کس که تا سه روز به زهرا کند سلام^۱

بچه‌ها چه کسی می‌داند کوثر چیست و یا کیست؟ سوره کوثر را شنیده‌اید؟
با هم سوره کوثر را بخوانیم: بسم الله ... انا اعطیناک
«کوثر» صفت شخصیت والا مقامی است که او دختر رسول اکرم ﷺ است و از
بهترین انسان‌های روی زمین است.

بچه‌ها! دشمنان، پیامبر ما را زیاد می‌سخشن^۲. می‌کردند. می‌گفتند که پیامبر اسلام
فرزند ندارد. او ابتر است ، ابتر یعنی بی‌فرزند است، ولی خدا فرمود که ما به

۱. شعر در کتاب فاطمه زهرا(س)، یاس عصمت، عبدالرحیم موگهی، دفتر تبلیغات اسلامی واحد خواهان،

ص ۱۳۷، چهل دویتی.

پیامبر گوثر، یعنی فاطمه (س) دادیم که از او خیر زیادی خواهی دید، ولی دشمنان تو خوار و ذلیل هستند.

خوب بچه‌ها شنیده‌اید که یکی از لقب‌های فاطمه زهراء(س) «ام ابیها» است، یعنی مادر بابا، چون او برای پدرش مثل مادر مهربان و دلسوز بود و به او امید و نشاط می‌داد. حالا یک قصه:

غروب نزدیک بود. پدر هنوز نیامده بود. فاطمه نگران بود. پدر همیشه زودتر می‌آمد. فاطمه آهی کشید. از سایه نخل برخاست. به طرف در رفت. می‌ترسید، پدر دشمنان زیادی داشت. چند لحظه کنار در ماند. کاش می‌توانست بفهمد کجاست. اگر پسر عمویش علی بود، می‌رفت خبری می‌آورد.

چند قدم داخل کوچه رفت. ساكت و خلوت بود. زود برگشت. اگر پدر می‌آمد و او را نمی‌دید نگران می‌شد. رفت جارو را برداشت تا حیاط را جارو کند. باید خودش را سرگرم می‌کرد. به طرف اتاق رفت. ظرف‌ها و کاسه‌های سفالی را آورد تا بشوید.

پدر را خیلی دوست داشت. هر وقت پدر او را در آغوش می‌گرفت و می‌بوسید، خستگی اش را فراموش می‌کرد. مادر مرده بود. او بیشتر کارها را انجام می‌داد، اما پدر هم کمکش می‌کرد. سبد ظرف را برداشت تا به اتاق ببرد. صدای پای پدر را شناخت. به طرف پدر دوید. حال پدر خوب نبود. آهسته قدم بر می‌داشت. پدر به دیوار تکیه داد. فاطمه با دیدن او جا خورد. پاهای پدر زخمی و خونین بود. لباس‌های سفیدش، خاک آلود و کثیف شده بود. موهایش پُر از خاشاک بود. باز بیت پستان پدر را اذیت کرده بودند. فوری به اتاق رفت. پارچه تمیزی آورد. دست پدر را گرفت. به طرف نخل رفتند. دست پدر زخمی، اما گرم

بود. پدر زانو زد. دست‌های دخترش را نوازش کرد و بوسید. فاطمه قطره اشکی ریخت. پیامبر اشک او را پاک کرد و با محبت دستی به گونه او کشید و خواست که ناراحت نباشد. گریه فاطمه بلند شد. پدر، دختر کوچکش را در آغوش گرفت و گفت که چیزی نشده است. فاطمه از پدر خواست، کنار درخت بنشینند. بعد رفت ظرف آبی آورد. ریخت تا پدر دست و صورتش را بشوید.

فاطمه خار و خاشاکی را که لابه لای موهای پدر بود، برداشت و با پارچه خیس، خاک‌ها را گرفت و آب ریخت تا پدر موهاش را بشوید. مثل **مادر** مهربانی کمک می‌کرد. پیامبر نگاهی به چهره خسته دخترش کرد. به یاد مادرش آمنه افتاد. پیش آمد و جلو او زانو زد. بازوهاش را گرفت، پیشانی اش را بوسید. نگاه فاطمه به مهربانی مادرش **خدیجه** بود. او را به سینه چسبانید. پیامبر چشمانش را بست و با مهربانی گفت: «**مادر بابا**» چقدر دخترش مهربان بود. درست مثل فرشته‌هایی که می‌دید!

خوب بچه‌ها، حال یک مسابقه دو نفری داریم. دو نفر زرنگ و زیل پای تخته بیایند تا کارت‌ها را در جای خالی بگذارند. تا شناسنامه فاطمه زهرا (س) کامل گردد.

بله بچه‌ها، امام صادق العلی به کسی که نام دخترش را فاطمه گذاشته بود، فرمود: «به! چه نام خوبی گذاشته‌ای! مواظب باش به او دشنام ندهی و او را کنک نزنی». نزنی

بچه‌ها! کارت‌های روی تخته را در جای خالی بچسبانید، هر که با دقیق سرعت بیشتر این کار را انجام دهد، او برنده جایزه ما است:

۱. تاریخ طبری، ج ۲، ص ۳۴۴. آسد الغابه، ج ۵، ص ۵۲۰.

زینب	مدینہ	حسن	خدیجہ
۱۸ سال	فاطمه	حسین	ام کلثوم
کربلا	محمد ﷺ	اسماء	علیؑ

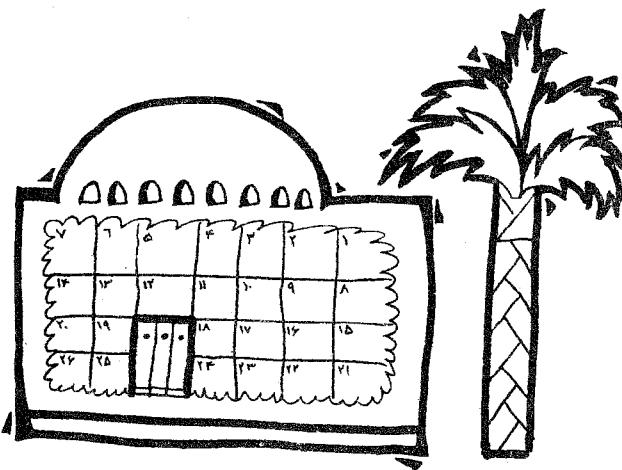
نام فرزندان: نام:

مدت عمر: نام پدر:

محل شہادت: نام مادر:

کنیز: نام همسر:

آفرین، بچہ‌های با هوش انشاء الله همیشه در زندگی برنده باشید. من یک جدول را کامل می‌کنم.



تا من این جمله‌ها را می‌نویسم، شما هم خانه‌های جدول را ۳ تا ۳ تا بشمارید

تا با هم جمله‌ها را کامل کنیم.

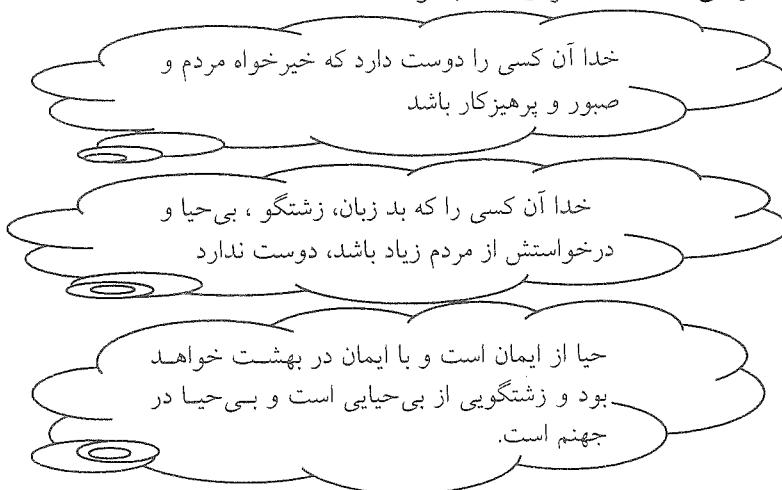
پیام جدول: همسایه - مؤمن - خدا - ناراحت - حرف - ساكت - می‌باشد.

کسی که اش از او آزار و اذیت بینند.....نخواهد بود.
 کسی که ایمان بهو آخرت دارد، نباید همسایه خود راکند.
 کسی که ایمان به خدا و روز قیامت داشته باشد، باید.....خوب بزند، یا این
 کهباشد.

خوب چه کسانی کلمه‌ها را به دست آورند؟ احسنت، واژه‌های «همسایه» و «مؤمن»
 را در جای خالی جمله اول قرار می‌دهیم.

چه واژه‌هایی مربوط به جمله دوم است؟ بارک الله، کلمه‌های «خدا» و «ناراحت» را
 هم در جمله دوم قرار می‌دهیم.

وبالاخره واژه‌های «حرف» و «ساكت» را هم در جمله سوم می‌نویسیم تا کامل شود.
 همچنین حضرت زهراء(س) پندهای^۱ دیگری هم دارند یکی از دوستان شما
 بایدتا برخی از آنها را برای شما بخوانند.



خوب بچه‌ها، می‌دانید که همه فرزندان مسلمان، فرزندان فاطمه زهراء(س)
 هستند و فاطمه(س) مادر همه بچه‌های مؤمن و نیکوکار است.

۱. سفينة البحار، ج ۱، ص ۲۳۱. ماده حدث

کریس:

معلم خوبی‌ها

همه‌چنین:

سیره اهل بیت - علیهم السلام -

هدف گلای:

دانش‌آموزان در این درس با سیره زندگی امام علی^ع و الگوگیری از آن آشنا می‌شوند.

اهداف جزئی:

دانش‌آموزان در این درس با موارد زیر آشنا می‌شوند:

۱. برخورد اسلامی بین دو مسلمان؛
۲. رشتی نمامی و سخن چینی؛
۳. اهمیت احترام به پدر و مادر و ارزش میهمان؛
۴. ایجاد انگیزه و تلاش بیشتر برای درس خواندن.

هدف رفتاری (حرودی):

انتظار می‌رود دانش‌آموزان در پایان درس بتوانند گوشۀ‌هایی از زندگی و اخلاقی امام علی^ع را بیان کنند. همچنین سیره عملی امام علی^ع را الگوی زندگی خود قرار دهند.

روش‌های مناسب تدریس:

۱. توضیحی ۲. فعال: (پرسش و پاسخ، شعر، داستان، معما، جدول، تصویر و نمودار)

رسانه‌های آموزشی:

۱. تخته ۲. کارت

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

معلم خوبی‌ها

خدایی که با یاد او
دل می‌شود مهربان
خدایی که در هر کجاست
زمین، توری دل، آسمان

بچه‌های خوب! سلام، ان شاء الله که همیشه شاد و سرحال و سلامت باشد و
آماده آماده برای شنیدن برنامه باشد.

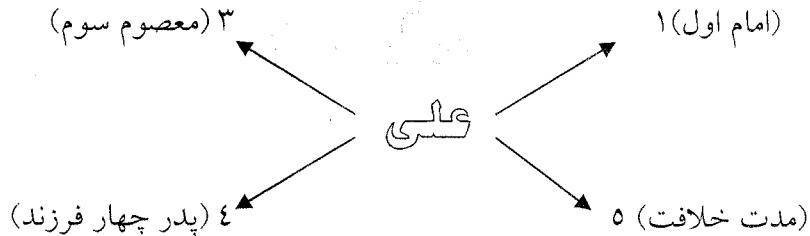
برنامه را با یک بازی ریاضی شروع می‌کنیم:
شما یک عدد یک رقمی را انتخاب کنید. آن را در ۳ ضرب کنید. حالا با آن
عدد اول، یک عدد ۳ رقمی بسازید. و آن را در حاصل ضرب اول تقسیم کنید.
حالا بگویید جوابش چند می‌شود؟

شاید بگویید چطوری؟ حالا امتحان می‌کنیم. من عدد ۱ و ۳ و ۴ و ۵ را انتخاب
می‌کنم و این بازی را روی آنها انجام می‌دهم.

$$3 \times 3 = 9$$

$$333 \div 9 = 37$$

حالا یک سؤال: چه کسی می‌تواند بگوید این اعداد با این اسمی که من نویسم چه
ربطی دارد؟



آفرین! من جواب‌های شما را جلوی اعداد می‌نویسم.
حالا که فهمیدید برنامه ما در باره چه کشی است از یکی از شما می‌خواهم که
شعر امامت را بخواند.

ای یار با شهامت - بگو تو از امامت - اول امام علی - آمده بعد از نبی
با تشکر از دوست شما که این شعر زیبا را خواند، حالا همه با هم این شعار را
می‌خوانیم:

امام اول علی - اسم قشنگش علی - دوست بچه‌ها علی - معلم ما علی -
چه مهربونه علی - چه خوش زبونه علی -

خوب! امام علی الله این یار مهریان و دوست خوش زبان ما و شما بچه‌های
خوب، را چه کسی انتخاب کرده است؟ پیامبر از طرف چه کسی؟ خدا برای
هدایت چه کسانی؟ مسلمانان برای چه چیزی؟
پیامبر اکرم ما را چگونه هدایت من کنند؟

آفرین، یعنی این که از کارهای زشت و ناپسند ما را باز دارد و کارهای خوب
را به ما یاد دهد و ما را کمک کند تا همیشه خوب باشیم و کار خوب انجام
دهیم و حرف خوب بزنیم و بشنویم و جای خوب برویم و دوست خوب
بگیریم و به انسان خوب احترام بگذاریم و تلاش خوب بکنیم.

خوب! حالا دوست دارید که از امام اول، علی الله علیہ السلام کمک بگیریم و هدایت بشویم؟ دوست دارید کارهای خوب را از او یاد بگیریم؟ پس برویم ببینیم که این دوست خوب شما بچه ها برای هر کدام از این کارت ها چه چیزی را به ما معرفی می کند. اول می رویم سراغ کار خوب و یک داستان:

دخترک خرما را جلوی اربابش گذاشت. ارباب نگاهی به خرما و دخترک کرد. عصبانی به نظر می رسید. با صدایی بلند روی سر دختر داد زد: «این چه خرمایی است که خریدی؟ زود باش آن را از هر که خریدی، پس بده و پولش را بیاور». دخترک دست هایش لرزید. خرما را برداشت و به راه افتاد. در راه فکر می کرد که مرد خرمافروش دلش به حالش می سوزد و خرما را پس می گیرد، اما قیافه بداخلاق او را که به خاطر می آورد، می گفت که نه! او از ارباب من هم بداخلاق تر است. به بازار که رسید، حرف هایش را آماده کرد و داخل مغازه خرما فروش شد. قلبش خیلی تندر می زد. با صدایی لرزان سلام کرد. خرما فروش متوجه او شد و بدون آن که جوابش را بددهد، پرسید: «چه می خواهی دختر؟» دخترک گفت: «ب... ب... ببخش!... ببخشید آقا اربابم این را نپسندید. می گوید پولش را پس بده!». مرد گفت نپسندید یعنی چه؟ چیز فروخته شده را پس نمی گیریم.

دخترک دید هر طور شده باید خرما را پس بددهد. دویاره گفت: «آقا خواهش می کنم. اربابم کنکم می زند». مرد صدایش را بلندتر کرد و گفت: «به من چه می خواستی نخری؟». هر چه خواهش کرد، فایده ای نداشت. از مغازه بیرون آمد. گوشه ای نشست و سرش را روی زانوهایش گذاشت و زارزار گریه کرد. ناگهان احساس کرد که کسی بالای سرش ایستاده و دست مهریاش را به سرش می کشد. سرش را که بلند کرد مردی زیبا و نورانی را دید. خیلی خوشحال شد. او را

می‌شناخت. مرد به او گفت: «چه شده دخترم، چرا گریه می‌کنی؟» دختر با دست به خرمافروش اشاره کرد و گفت: «این آقا خرمایش را پس نمی‌گیرد آخر اریاب نپسندیده و اگر آن را برگردانم، کنکم می‌زند». مرد، سبد خرما را از او گرفت و به طرف خرمافروش به راه افتاد. به او که رسید با نرمی و خوش اخلاقی گفت: «این را بردار آقا و پولش را به این دختر بده». خرمافروش خیلی ناراحت شد و سر او فریاد کشید؛ یعنی چه آقا! شما چه کاره‌اید که در کار مردم دخالت می‌کنید؟ مردم از سروصدای او دور آن‌ها جمع شدند. آن‌ها آن مرد را می‌شناختند، ولی خرمافروش نمی‌شناخت. یکی از آن‌ها به او گفت: «مگر این آقا را نمی‌شناسی. او امیر المؤمنین علی‌الله است». خرمافروش با شنیدن نام علی رنگش پرید و به دست و پای آقا افتاد و از او معدربت خواهی کرد. حضرت فرمود: «اگر اخلاقت را عوض کنی، تو را می‌بخشم». و پول را به دختر داد و رفت. اما دختر همچنان ایستاده بود و به او نگاه می‌کرد. مهربانی علی چون کبوتری سفید در دل او خانه کرده بود.

پس کار خوبی که امام در این داستان به ما و آن مرد خرمافروش یاد داد چه بود؟

مهربان بودن

با چه کسانی؟ همه. هم بزرگترها، مثل پدر و مادر و معلم و هم کوچکترها و هم دوستان و رفقایمان. شما یک مورد از برخورد مهربان یک دوست را مثال بزنید؟ بله، اگر از شما چیزی خواست که نداشتید یا خودتان آن را لازم داشتید، با بداخلاقی و دعوا و عصیانیت برخورد نکنید، بلکه با خوش اخلاقی و مهربانی با او صحبت کنید.

حرف خوب

دومین کارت چه چیزی است؟

حرف خوبی که امام علی ع فرموده است:

..... نقل نقل

نه، خیلی به شکمان دست نزیند، این‌ها نُقل نیست، بلکه اگر این طرف و آن طرف آن‌ها را پُر کنیم، آن حرف خوب را می‌فهمیم.
«من نقل الیک نقل عنک.»

یعنی چه بچه‌ها؟ هر کس کلام دیگری را به تو بگوید، روزی هم کلام تو را پیش دیگری بازگو خواهد کرد.

هر که عیب دگران پیش تو آورد و شمرد بی گمان عیب تو پیش دگران خواهد برد
بچه‌ها به این  چه می‌گویند؟ بله، آتن تلویزیون، زیرا مثل آتن خبرها را از این ور و آن ور می‌برد. پس حرف خوبی که امام علی ع به ما یاد داد چه بود؟ خبرچینی کردن! نه، بلکه حرفی بزنیم که سخن چینی^۱ نباشد. و حرف‌های دوستمان را پیش دیگران نگوییم.

می‌رویم سراغ کارت سوم یعنی **انسان خوب** ببینیم امام چه انسان خوبی به ما معرفی می‌کند؟ آماده هستید؟

اول از شما سؤال می‌کنم ببینم نظر شما در باره یک انسان خوب چیست؟ به چه کسی انسان خوب می‌گویند؟ آفرین و صد آفرین جواب‌ها همه درست بود. معلوم می‌شود که همه شما خوب هستید. حالا گوش کنید به این داستان:

یک روز یکی از یاران امام همراه با پرسش، مهمان حضرت علی ع شدند. امام آن‌ها را بالای اتاق جا داد و خودش رو به روی آن‌ها نشست. مشغول حرف زدن شدند تا این که وقت غذا رسید و سفره را انداختند. غلام امام، قنبر قبل از شروع غذا طشت و ظرف آب آورد تا مهمان‌ها دست خود را بشویند. آن‌ها را که زمین گذاشت و رفت حوله بیاورد، حضرت برخاست و آن‌ها را نزد مهمان‌ها

۱. سخن چینی پشت کارت حرف خوب نوشته و ارایه شود.

آورد و از آن‌ها خواست دستان خود را جلو بیاورند تا امام دستان آن‌ها را بشوید.
مرد به شدت دست خودش را کشید و گفت: «محال است که اجازه دهم شما
دستم را بشوی. هرگز؟»

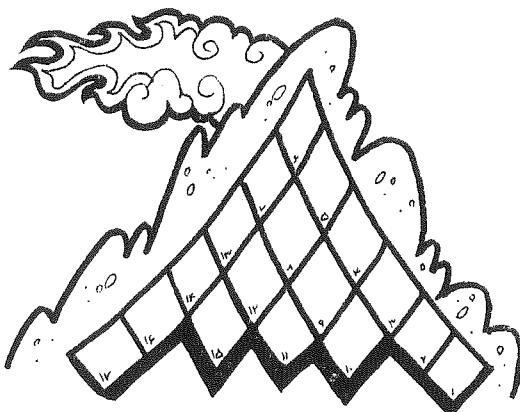
علی‌الله با لبخند ملایمی به آرامی فرمود: «من دوست دارم که به برادر و
دوست خود خوبی کرده باشم و از خداوند ثواب بگیرم. تو که نمی‌خواهی من از
ثواب خدا محروم بشوم؟» میهمان که ته دلش راضی نبود با قسم امام دستانش را
جلو آورد و امام دست او را شست. پس از شستن آن به پسر خود، محمد حنفه
فرمود: فرزندم! حالا تو دست‌های پسر را بشوی، همان‌طور که من دست‌های پدر
را شستم، چون خداوند دوست دارد که بین پدر و پسر فرق گذاشته شود و پدر
بیش‌تر احترام شود.

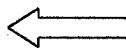
امام‌علی‌الله در این داستان به دو انسان خوب احترام کرد، یکی پدر و یکی میهمان

می‌رسد به گوش من
یک صدای آشنا
زنگ آشنا، در
می‌زند مرا صدا
داد می‌زند پدر
باز کن تو چفت در
فکر کنم که آمده
میهمان خوش خبر
گوش می‌کنم به او
می‌دوم دوان دوان
احترام می‌کنم
هم به او و میهمان

کارت چهارم: **تلاش** یعنی در راه کارهای خوب تلاش کنیم و زحمت بکشیم، مثل چه چیزی؟ درس خواندن، نه این که مردم آزاری کنیم. من یک ماجرا برایتان تعریف می‌کنم.

روزی امام علی^ع با سبدی بر دوش از راهی می‌گذشت. چند نفر کنار راه نشسته بودند. تا امام از جلوی آنها خواست رد بشود به آن حضرت سلام کردند و گفتند: «یا علی در سبد چه داری؟» فرمود: «هسته خرما». پرسیدند: «می‌خواهی چه کار کنی؟» فرمود: «می‌خواهم بروم آنها را بکارم تا خرما سبز شود». آنها با تمسخر گفتند که اینها خرما نمی‌دهند، بلکه سال‌ها طول می‌کشد تا این‌ها درخت شوند. حضرت فرمود: «صبر کنید خواهید دید». بعد از چند سال که حضرت آن‌ها را دید فرمود: «همراه من بیایید تا بینید آن هسته‌های خرما که چند سال پیش کاشتم چه بزرگ شده است». آن‌ها وقتی به نخلستان رسیدند با دیدن درخت‌های بزرگ خرما تعجب کردند. حضرت به آنها فرمود: برای این که جمله امام را بدانیم باید جدول را کامل کنیم.





- | | |
|-----------------------------|------------------------------|
| ستاره (۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳ و ۱۴) | ۱. شب‌ها در آسمان می‌درخشند؟ |
| سحری (۸، ۱۱، ۱۷ و ۱۶) | ۲. در ماه رمضان می‌خوریم؟ |
| تاریخ (۲، ۶، ۱۳، ۱۴ و ۱۵) | ۳. مطالعه زندگی گذشتگان؟ |
| اخت (۵ و ۴) | ۴. خواهر عربی؟ |

حالا خانه‌های جدول را ۳ تا ۳ تا بشمارید تا پیام به دست آید:

بله به فرموده امام علی علی اللہ تعالیٰ السلام: «آخر هر سختی راحتی است».

مثل بالا رفتن از این کوه که سخت است، اما وقتی به قله رسیدیم پیروز و برنده شده‌ایم. شما بچه‌های درس‌خوان هم اگر سختی درس خواندن را تحمل کنید در آخر سال و موقع امتحان پیروز و راحت خواهید شد. حالا کسانی که امروز این درسنها را از حضرت علی علی اللہ تعالیٰ السلام یاد گرفتند^۱ به این شعر گوش کنند.

گفتم علی! از جای خود برخاستم از او مدد در راه حق می‌خواستم	گفتم علی! تا آفتاب از نو دمید با یاد او غم از دل من بر کشید
گفتم علی! چون روز نو آغاز شد از یاد او هی زد دلم بر اسب خود	گفتم علی! با اسب دل بر تاختم من راه را با یادش آخر یافتم

۱. آموزه‌های درس را با کارت تکرار می‌کنیم: کار خوب پشت کارت: مهربانی کردن، حرف خوب پشت کارت: سخن چینی نکردن، انسان خوب پشت کارت: پدر و مهمان (در کارت چسبیده به هم) و تلاش خوب.

لر ایس:

خورشید خوبی‌ها

هنرِ کسری:

سیره اهل بیت - علیهم السلام -

هدف گلی:

دانش آموزان در این درس با فضایل اخلاقی و سیره امام حسن الطباطبائی آشنا می‌شوند.

اهداف جزئی:

دانش آموزان در این درس با موارد زیر آشنا می‌شوند:

۱. شیوه برخورد با دیگران؛
۲. شیوه رفتار با حیوانات؛
۳. گوشاهی از سخنان گهربار امام حسن الطباطبائی.

هدف رفتاری (خروبی):

انتظار می‌رود دانش آموزان در پایان درس بتوانند از الگوی عملی امام حسن الطباطبائی درس بگیرند و به دستورهای امام در زندگی عمل نمایند.

روش‌های مناسب تدریس:

۱. توضیحی ۲. فعال: (قصه، خاطره، بازی با حروف و کلمات، جدول)

رسانه‌های آموزشی:

۱. تابلو «تخته و گچ» ۲. کارت ۳. بازی



فُوْرُشْيِيرْ فُوْبِيْ هَا

بچه‌ها! سلام سلام، سرحال هستید؟ خدا را شکر می‌کنیم. هر کاری را با یاد خدا چنین شروع می‌کنیم: «بسم الله الرحمن الرحيم» خداوند چه کارهایی را دوست دارد؟ کارهای خوب

مثل چه چیزی؟ راستگویی، کمک به نیازمندان، دوستی با مردم، اخلاق خوب. بله، بچه‌ها با مردم بودن از نشانه‌های بزرگواری یک انسان است. از آن انسان‌های با شخصیت که اخلاق کریمانه داشت، امام حسن الثقلین است. یک روز امام حسن الثقلین از جایی عبور می‌کرد. چند نفر فقیر را دید که غذایی ساده می‌خوردند. آن‌ها وقتی امام را دیدند، خوشحال شدند و از حضرت الثقلین خواستند پیش آن‌ها بنشینند و غذا میل کند. امام حسن الثقلین از اسب پیاده شد و بر سر سفره آنان نشست. سپس همه آن‌ها را به خانه خود دعوت کرد و با رفتار خوش فرمود. برای آن که به کلام امام برسیم کارت‌های حدیث را مرتب کنیم.

ندارد	دوست	؟	خداوند
-------	------	---	--------

حالا بچه‌ها به جای کارت نشانه سؤال چه بگذاریم تا حدیث امام کامل شود؟

متکبران	گدایان	انسان‌ها
---------	--------	----------

۱. عزیزانه عطاردی، مسند الامام البجتی، ص ۵۳

چون آدم‌های مغورو و بادکنکی به دیگران خیر و برکت نمی‌رسانند. کسانی را که خداوند آن‌ها را دوست ندارد. آیا می‌دانید کم کم دچار چه چیزی می‌شوند؟ دچار فتو؟ فتو نه، بلکه دچار فریاد؟ این هم نه، بلکه دچار؟ بلی فراموشی می‌شوند. فراموشی یا فرا گربه‌ای؟ بله، دچار فراموشی، اما چه چیز را فراموش می‌کنند؟

آن‌ها از یاد خدا و کار برای خدا غافل می‌شوند. در حالی که دل انسان با یاد خدا آرامش پیدا می‌کند. حالا یک پیام زیبا از امام حسن عسکری را در جدول پیدا می‌کنیم که نشان می‌دهد یک کار زیبا چگونه به انسان آرامش می‌دهد.



حرف اول را می‌نویسیم. بعد سه تا سه تا شمرده، حروف را کنار هم می‌نویسم تا سخن امام حسن عسکری به دست می‌آید: «بخشنده‌گان در آرامش هستند».^۱

چرا؟ چون می‌دانند که خدا این کار را دوست دارد و به شخصی که این کار را می‌کند، ده‌ها برابر پاداش می‌دهد. و خود امام حسن عسکری چندین بار تمام دارایی‌اش را به دیگران بخشید و به همین جهت به ایشان «کریم اهل بیت» گفته‌اند.

۱. فاما السخی فقی راحه، محمد بن علی بن شهرآشوب: مناقب آل آبی طالب، ج ۴، ص ۲۲.

روزی امام بر اسبی سوار بود و از جایی عبور می‌کرد. شخصی جلو آمد و گفت: «چه اسب خوبی داری». امام فهمید که او نیاز به اسب دارد و خجالت می‌کشد که درخواستی بکند. در نتیجه امام از اسب پیاده شد و آن را به او بخشید.^۱

به به چه کار خوبی. بچه‌های عزیز انشاء الله شما هم دست بخشندۀ دارید. البته یادتان باشد که این کار را با اجازه بزرگ تر هایتان انجام دهید.

در میان حیوانات، اسب به حیوان نجیب معروف است، اما:

کدام حیوان است که به ما شیر می‌دهد و سوره‌ای در قرآن به نام او است؟ گاو، (بقره)

کدام حیوان است که به ما حسل می‌دهد و سوره‌ای به نام او است؟ زنبور، (نحل)

کدام حیوان است که یاد هندوستان می‌کند و سوره‌ای در قرآن به نام او است؟ فیل

کدام حیوان است که با انسان‌های شایسته همنشین شد؟ سگ اصحاب کهف

بچه‌ها از مهربانی امام حسن العلیا با حیوانات شنیده‌اید؟ حالا یک قصه از

کارهای خوب امام حسن العلیا را با هم می‌شنویم:

سگی با دم سفید

سگ کوچک و پشمآلوبی بود. دمش را تکان می‌داد و می‌چرخید. امام

حسن العلیا سفره را پهن کرد. از خدمتکارش خواست بباید بنشیند تا غذا بخورد.

سگ که بوی غذا را حس کرده بود، آهسته زوزه کشید و زبانش را درآورد. امام

تکه نانی جدا کرد و جلو سگ انداخت. سگ آن را بو کشید. خرخری کرد و نان

را خورد و جلوتر آمد. کمی از موهای پاهایش ریخته بود.

۱. همان، ص. ۲۳.

امام لقمه دیگری پیش سگ انداخت. سگ آن را در هوا گرفت. کمی سفت بود. چند بار آن را لای دندان‌های تیزش چرخاند و آن را خورد. لب‌هایش را لیسید و آسته عووکرد.

سگ نمی‌گذاشت امام غذایش را بخورد. خدمتکار ناراحت شده بود. تا امام لقمه‌ای بر می‌داشت، سگ دم‌ش را تکان می‌داد و زیانش را در می‌آورد، امام هم جلویش نان می‌انداخت.

خدمتکار امام (نجیح) دست دراز کرد. قلوه سنگی از کنار جوی برداشت و به طرف سگ انداخت و گفت: «چخه! سگ خره‌ای کشید. آن طرف جوی آب پرید. دور نخل چرخید و از سمت چپ برگشت و به سفره زل زد. امام تکه دیگری جلو سگ انداخت و با ناراحتی به نجیح نگاه کرد. خدمتکار برخاست و گفت: «اجازه دهید سگ را دور کنم». بعد به طرف درختی رفت تا شاخه‌ای بشکند که امام او را صدا زد، خدمتکار شاخه را رها کرد و برگشت امام گفت: «بگذار باشد».

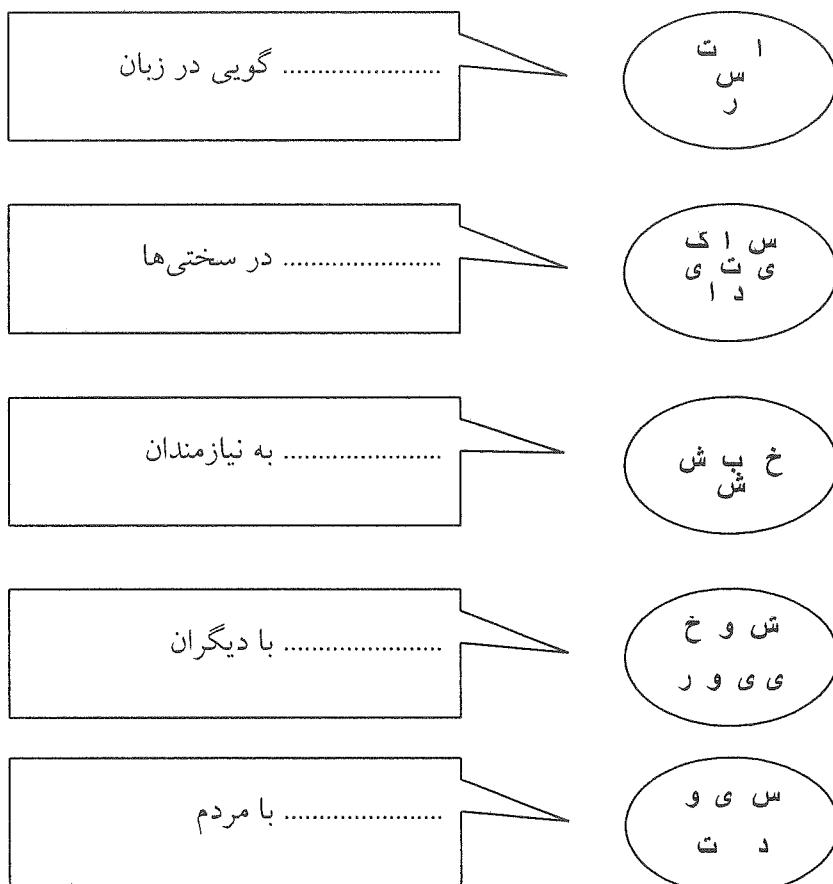
نجیح با خشم نگاهی به سگ کرد. لبس را به دندان گرفت. ناراحت شده بود. گفت: «این سگ نمی‌گذارد شما غذا بخورید. امام دست او را گرفت. سر سفره نشاند و گفت: «من از خدا خجالت می‌کشم که خودم غذا بخورم و به این حیوان چیزی ندهم». بعد به نان بزرگی روغن مالید و جلو سگ انداخت.

نجیح از مهربانی امام تعجب کرد و آهی کشید و گفت: «فقط بندگان خوب خدا چنین رفتاری دارند». به سگ خیره شد که دم پشممالوی سفیدش را تکان

می‌داد. سگ هنوز نان را می‌جوید. از چشمانش فهمید که منتظر لقمه دیگری است!

اما بچه‌ها! کارهای خوب بسیار است. حال در کلاس امام حسن اللطف چه خوبیهایی ارزش حساب می‌شود؟ با هم پیدا می‌کنیم و در جای خالی می‌گذاریم.

امام حسن فرموده:



۱. محمد باقر، مجلسی، بخار الانوار، ج ۴۳، ص ۳۵۲، ح ۲۹.

کریس:

همدم لاله‌ها

من صریع:

سیره اهل بیت - علیهم السلام -

هدف گلی:

دانش آموزان در این درس با گوشه‌ای از اخلاق زندگی امام حسین (علیه السلام) و سیره اخلاقی آن حضرت آشنا می‌شوند.

اهداف جزئی:

دانش آموزان در این درس با موارد زیر آشنا می‌شوند:

۱. احترام گذاشتن به معلم؛
۲. خوبی کردن به دیگران؛
۳. پذیرش عذر دیگران؛
۴. برخی از آداب دوستی.

هدف رفتاری (خروبی):

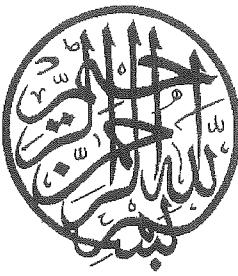
انتظار می‌رود دانش آموزان در پایان درس بتوانند با دوستان خود و نیز معلم و دیگران برخورد بهتری نمایند و وظیفه خود را نسبت به دیگران به نحو احسن انجام دهند.

روش‌های مناسب تدریس:

۱. توضیحی ۲. فعال: (جدول، داستان، شعر، پرسش و پاسخ، مسابقه و...)

رسانه‌های آموزشی:

۱. تخته ۲. کارت



همبرم الاله ها

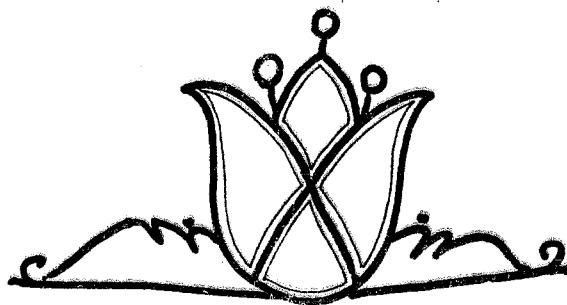
به نام خداوند بخشنده مهربان
که پروانه را آفرید به نام خداوند خوب
خط و خال زیبا کشید به روی دو تا بال او

سلام و صد سلام به شما بچه‌های خوب، به شما گل‌های محبوب، انشاء الله که
حال شما خوب است و سرحال و شاداب، آماده اجرای برنامه هستید. آماده
هستید؟ آماده نیستید؟ برای این که بچه‌هایی که بی‌حال و خوابآلود هستند از
خواب بیدار بشوند، صلووات خیلی خیلی محکم بفرستید. برنامه را با یک قصه
شروع می‌کنیم:

یکی بود، دو تا نبود. در یک دشت سرسبز و زیبا، خیلی دورتر از اینجا
کبوترانی با هم زندگی می‌کردند. روزی یکی از آن‌ها تصمیم گرفت از آنجا به
دشت دیگری سفر کند. دوستان او خیلی ناراحت شده و سعی کردند او را پیش
خود نگه دارند، اما بی‌فایده بود. کبوتر گفت: «من باید بروم، شما هم ناراحت
نباشید. وقتی برگشتم، از آنجا سوغاتی‌های خوبی می‌آورم». بچه‌ها آیا می‌دانید
که کبوتر کجا می‌خواست برود؟ بله، کبوتر قصه ما می‌خواست بره کربلا - تا بیاره

از آن جا - سوغاتی برای ما. وقتی کبوتر برگشته بود، خیلی هدیه از طرف امام حسین^{العلیله} آورده بود. بچه‌ها دوست دارید سوغاتی بگیرید؟ دوست دارید بدانید سوغاتی کبوتر و هدیه امام حسین^{العلیله} چه چیزی بوده است؟^۱

خوب، برای این کار، باید حروف این گل زیبا را که برای بچه‌های خوب گشیدم، با سؤالهایی که می‌پرسم، پُر کیم:



- ۱. دو همین اصل از اصول دین؟
- ۲. روز نصب حضرت علی به خلافت؟
- ۳. نام قبیله پیامبر؟
- ۴. روز عیید به هم من گوییم؟

حروف آخر در گلبرگ‌ها گذاشته می‌شود.

خوب، بچه‌های خوب! فکر کنید که از ترکیب حروف داخل گل چه کلمه‌ای به دست می‌آید؟

آفرین! تشکر. تشکر از چه کسی بچه‌ها؟ از چه کسانی باید تشکر کرد؟....

۱. مرتبی می‌تواند چهار کارت تهیه کند به عنوان هدیه‌های امام حسین(ع) و در موقع مناسب برنامه نشان دهد:

دوستی کردن	خوبی کردن	معدرت خواهی	تشکر از معلم
------------	-----------	-------------	--------------

آفرین، هدیه امام حسین العلیا چیست؟ تشكر می‌کنم من - تشكر فراوان - از معلم خوبم - معلم مهربان.

روزی امام حسین العلیا همراه یاران خود از کنار مسجدی می‌گذشتند. صدای معلم مهربانی را شنیدند که با صبر و حوصله با بچه‌ها قرآن می‌خواند و بچه‌ها آیه را تکرار می‌کردند. امام وارد مسجد شد و گوشاهای ایستاد و مشغول تماشای آنها شد و لبخند می‌زد. چیزی نگذشت که بچه‌ها سوره حمد را یاد گرفتند. امام به آنها آفرین گفت و برایشان دعا کرد. بعد به معلم مهربان آنها چند هدیه داد و برایش دعا کرد. یکی از یاران امام با تعجب پرسید: «چرا این همه هدیه به معلم بچه‌ها دادید؟» امام فرمود: «من می‌خواستم با این هدیه‌ها از معلم خوب بچه‌ها تشکر کنم، چرا که ارزش چزهایی که معلم به آنها پاد می‌دهد خیلی زیاد است». برای این که دو مین هدیه امام حسین العلیا را هم بدانیم دو سؤال می‌پرسم، هر کس جواب داد، می‌تواند در مسابقه شرکت کند.

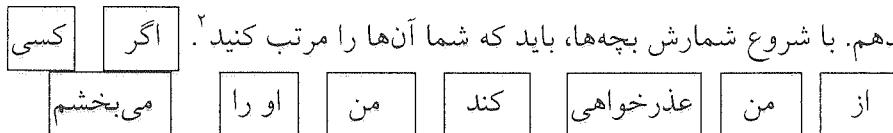
مخصوص پنجم

سؤال اول: امام حسین العلیا مخصوص چندم بود؟

سوره فجر

سؤال دوم: کدام سوره به سوره امام حسین العلیا معروف است؟

آفرین، دو نفری که جواب دادند بیایند اینجا تا من به آنها یک کارت بدهم. با شروع شمارش بچه‌ها، باید که شما آنها را مرتب کنید.^۲



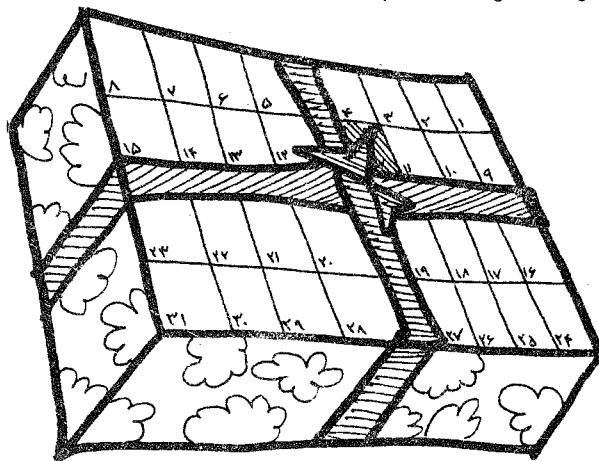
۱. مرتب کارت اول که در یک طرف **تشکر** و طرف دوم **معلم** است را نشان دهد.

۲. بعد از مرتب کردن یا نکردن خودمان جلوی بچه‌ها یکی می‌گیریم، تا بخوانند و بعد از آن کارت دوم هدیه‌ها، یعنی معذرت خواهی را نشان می‌دهیم.

بله، امام سجاد^{علیه السلام} فرمود که پدرم امام حسین^{علیه السلام} به من گفت که: اگر کسی در گوش راست من فحش و ناسزا بگوید و بلاfacله در گوش چپ عذرخواهی کند، من او را می‌بخشم. ما هم وقتی دوستمان اشتباہی کرد و بعد از ما معذرتخواهی نمود باید او را ببخشیم و نباید از او چیزی به دل بگیریم.

حالا نوبت هدیه سوم است به شرطی که جدول ما را پر کنید:

بله، این جعبه سوغات برای شما بچه‌ها است:



۱. به صفت کسی که همه چیز را برای خود بخواهد به او چه می‌گویند؟

خودخواهی (۸، ۳، ۱۱، ۱۰، ۱، ۱۵ و ۲۰)

۲. به کسی که راسته می‌گوید چه می‌گویند؟ راستگو (۹، ۳۱، ۲، ۱۷ و ۴۵)

۳. پیامبر در کدام شهر به دنیا آمد؟ مکه (۱۹، ۱۳ و ۱۵)

۴. درون نیست؟ بیرون (۲۵، ۲۱، ۳۰، ۱۲ و ۲۸)

۵. برای تشویق و خوش آمدن چه واژه‌ای را به کار می‌برند؟

به به (۲۷، ۱۸، ۱۶ و ۲۹)

۶. ب دوران قبل از نوجوانی چه می‌گویند؟
کودکی (۲۴، ۳، ۱۴، ۲۶ و ۲۲)
۷. به بالا رفتن گرمای بدن، چه می‌گویند؟
تب (۷ و ۲۳)
- حالا که جدول کامل شد، حرف اول را نوشته و ۴ تا ۴ تا بشمارید، تا پیام به دست آید.

پیام: اگر کسی به تو خوبی کرد، تو هم به او خوبی کن.

روزی امام حسین^{العلیله} یکی از اطرافیانش را به باغ فرستاد تا میوه بیاورد. او که خیلی امام را دوست داشت از آنجاییک گل زیبا برای امام چید و به او هدیه کرد. امام که این خوبی را از او دید او را آزاد کرد و فرمود: «اگر کسی به شما خوبی کرد تو به بهتر از آن به او خوبی کن». بله، پس هدیه سوم اسمش هست!^۱.....

خوب و حالا هدیه چهارم، یکی از کارهای خوب این است که امامان خود را دوست داشته باشیم. زیرا آنها بهترین دوست ما هستند. پیامبر اسلام^{علیه السلام} نیز به دوستی امام حسین^{العلیله} سفارش می‌کرد و تأکید می‌نمود که همه او را دوست بدارند و از دستوراتش پیروی کنند. خوب حالا داستانش را بشنوید.

بازی دوست داشتنی

باد خنکی می‌وزید و ابرهای سفید را جایه جا می‌کرد. دیشب باران باریده بود. کوچه هنوز خیس بود. آفتتاب ملایمی می‌تابید. از کناره‌های دیوار بخار بلند می‌شد. بهار بود. بچه‌ها می‌دوی minden و بازی می‌کردند. صدای خنده‌شان در کوچه می‌پیچید. پیامبر^{علیه السلام} ایستاد. همراهانش هم ایستادند. نگاه پیامبر^{علیه السلام} به نوء کوچکش

۱. مریبی کارت سوم هدیه‌ها یعنی خوبی کردن را نشان دهد.

بود. حسین به دنبال بچه‌ها می‌دوید. بچه‌ها فریاد می‌زدند و فرار می‌کردند. یاران پیامبر ﷺ می‌خندیدند. حسین از این سو به آن سو می‌دوید. مثل آهو چست می‌زد. حسین به دنبال پسری که بزرگ‌تر از خودش بود و پیراهن سبز بلندی داشت، دوید. تا او را نگرفت، نایستاد. نوبت پسرک بود. پیامبر ﷺ جلو رفت. نوهاش را صدا زد.

بچه‌ها ایستادند. پیامبر جلوتر آمد. حسین که فهمید پدر بزرگ قصد دارد او را بگیرد، خندید و شروع به دویدن کرد. پیامبر ﷺ می‌دوید. بچه‌ها دوستشان را تشویق می‌کردند. حسین به هر طرفی می‌رفت. از لابه‌لای مردها می‌گذشت. بچه‌ها را دور می‌زد. گاه می‌ایستاد و از پدر بزرگ می‌خواست اگر می‌تواند او را بگیرد.

پیامبر ﷺ نفسی تازه کرد، عباش را به سلمان داد. بچه‌ها فریاد می‌زدند و خوشحال بودند. حسین با سرعت می‌دوید. از این طرف کوچه به آن طرف می‌رفت. نفس نفس می‌زد. خسته شده بود؛ اما دوست داشت با پدر بزرگ بیش تر بازی کند. پیامبر ﷺ هم خسته شده بود. همه متظیر بودند، بینند چه کسی برنده می‌شود. پیامبر ﷺ پیر بود و حسین هفت، هشت سال بیشتر نداشت.

حسین کمی دورتر ایستاد. نفس عمیقی کشید. مردها گوشی‌ای ایستاده بودند. بچه‌ها روی دیوار خرابه‌ای نشسته بودند. پیامبر ﷺ قدیمی پیش رفت. حسین به طرف دیگر کوچه نگاه کرد. باید از کنج دیوار فرار می‌کرد. پیامبر ﷺ فکر او را خواند. فوری جلو رفت. دست‌هایش را دراز کرد؛ اما فقط توانست گوش پیراهن نوهاش را بگیرد. حسین با خوشحالی خندید. دلش نمی‌خواست بازی را بیازد، اما

خسته شده بود. قصد داشت فوری برود و توی کوچه کناری بپیج و به خانه‌شان برود که پیامبر ﷺ جلو کوچه را گرفت.

حسین با سرعت می‌دوید. نتوانست بایستد. پیامبر دست‌هایش را باز کرد. محکم او را گرفت. بلندش کرد. در آسمان او را چرخاند. حسین احساس کرد آسمان هم می‌چرخد. پیامبر ﷺ او را روی شانه‌اش گذاشت. مقداری رفت. برگشت و پایینش گذاشت.

همه دور آن‌ها حلقه زده بودند. مردها از چابکی حسین تعریف می‌کردند. حسین لبخند می‌زد. پیامبر ﷺ دست زیر چانه او گذاشت. چشمان نوه‌اش از شادی برق می‌زد. لبهای نازک او را بوسید. موهای شانه کرده‌اش را نوازش کرد و گفت: «حسین از من است و من از او هستم. هر کس او را دوست داشته باشد، خدا دوستش دارد». بعد برخاست. از نوه‌اش خواست با دوستانش بازی کند. بازی دوباره شروع شد. حالا همه می‌خواستند حسین را بگیرند. فریاد می‌زدند و می‌خندیدند و دنبال نوه پیامبر می‌دویدند.

^۱ پیامبر ﷺ در باره امام حسین اللهم چه فرمود؟ «حسین منی و انا من حسین».
برنامه را با یک شعر به پایان می‌رسانیم.

با گل و شاپرک محبت داشت	دل تو با بهار الفت داشت
دست‌هایت همیشه عادت داشت	با دعا با قنوت سبز نماز
با تو گلدان دل طراوت داشت	با تو سنجاقک از خدا می‌گفت
دل و دست تو استقامت داشت	از هجوم خزان نلرزیدی

۱. کشف الغمہ، ج ۲، ص ۱۱. و مناقب آل ابیطالب، ج ۴، ص ۷۱.

۲. مرتبی جمله را بر روی تخته نوشته و از دانش‌آموzan بخواهد که تکرار کنند.

کارلیس:

یادگار کربلا

نمودن صمیع:

سیره اهل بیت - علیهم السلام -

هدف گلایی:

دانش آموزان در این درس با گوشهای از زندگی امام سجاد (ع) و سیره رفشاری حضرت آشنا می شوند.

اهداف چرخی:

دانش آموزان در این درس با موارد زیر آشنا می شوند:

۱. ویژگی های رفتاری امام چهارم؛

۲. سیره زندگی ایشان.

هدف رفتاری (خروبی):

انتظار می رود دانش آموزان در پایان درس بتوانند همکاری و تعاون در کارهای گروهی را بپذیرند و شجاعت لازم را در بیان حق در هر زمانی به دست آورند. همچنین از رفتارهای زشت نظیر سخن چینی و غیبت دوری کنند.

روش های مناسب تدریس:

۱. توضیحی ۲. فعال: (پرسش و پاسخ، جدول، شعر، داستان)

رسانه های آموزشی:

۱. تابلو «تحته و گچ» ۲. کارت

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

پادگار گردلا

بچه‌های خوب و عزیز سلام، راستی بچه‌ها می‌دانید که جواب سلام واجب است. همه بلند سلام کنید.

حالا به شعری که می‌خوانم، خوب توجه کنید. من این شعر را روی تخته برای شما می‌نویسم تا شما هم بتوانید آن را بخوانید و بعد به سؤال‌های من جواب

دهید:

سجاده‌اش چون برگ گل زیبا است

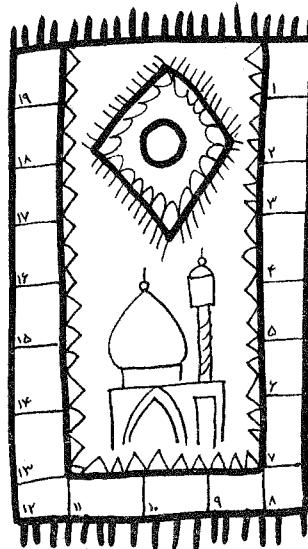
چادر نماز مادرم آبی است

در نقش مهرش گنبدی زیبا است

در جانمازش مهر و تسبیح است

خوب، بچه‌های عزیز حالا به سؤال‌هایی که می‌پرسم، خوب توجه کنید و جواب بدھید.

۱. چه چیزی در این شعر مثل برگ گل زیبا است؟ آفرین و مرحبا بر شما دانش آموزان زرنگ و دانا؛ «سجاده»، حالا من برای شما یک سجاده زیبا می‌کشم.



۲. در جانمای این سجاده چه چیزهایی وجود دارد؟ آفرین بر شما دانش آموزان کوشای «مهر و تسبیح»، حالا ما حرف اول کلمه «مهر» را در خانه شماره (۶) قرار می‌دهیم و حروف اول، دوم، سوم و پنجم کلمه تسبیح را در خانه‌های شماره ۱۴، ۱۸، ۷ و ۱ قرار می‌دهیم.
۳. در این شعر رنگ چه چیزی آبی است؟ آفرین، درست است: «چادر نماز»، حالا حروف دوم و سوم کلمه «چادر» را در خانه‌های شماره ۱۲ و ۱۱ قرار می‌دهیم و حروف کلمه «نماز» را به ترتیب در خانه‌های شماره ۱۵، ۳، ۱۶ و ۸ قرار می‌دهیم.
۴. بچه‌ها در نقش مهر چه چیزی پیدا است؟ آفرین: «گند»، حرف اول آن را در خانه شماره (۱۰) قرار می‌دهیم.

۵. تند و سریع بگویید که کدام حیوان است که در برابر تشنگی، طاقتمند زیاد است؟ آفرین: «شتر» که حروف آن را به ترتیب در خانه‌های شماره ۱۳، ۱۹ و ۹ قرار می‌دهیم.

۶. پچه‌ها نام چند امام، «علی» است؟ احسنت، چهار امام؛ امام اول، چهارم، هشتم و دهم.

حالا حروف اول و دوم کلمه «علی» را در خانه شماره ۴ و ۵ قرار می‌دهیم.
بچه‌ها! همان طور که می‌دانید به امام چهارم سجاد سجاد هم می‌گویند. چرا؟ آفرین
به این دوست خوب و زرنگ که جواب درستی داد. چون امام سجاد الصلی اللہ علیہ و آله و سلم، زیاد سجده می‌کرد به ایشان لقب سجاد داده‌اند. امام باقر الصلی اللہ علیہ و آله و سلم می‌فرماید: «پدرم هرگز نعمتی از نعمت‌های الهی را یاد نکرد، مگر این که برای آن سجده نمود و شکر نعمت الهی را به جا آورد».

بچه‌ها آیا می‌توانید چند تا از نعمت‌های الهی را نام ببرید؟ بله، پدر، مادر، معلم و...
جزء نعمت‌های خدا هستند که ما باید به جهت وجود آن‌ها از خداوند سپاسگزاری کیم.

خدا داده به ماها هزار هزار تا نعمت

بکن شکر خدا را بخوان تو هم نمازی

بچه‌ها! امام چهارم لقب دیگری هم دارد. می‌دانید چیست؟

آفرین، «زین العابدین».

حالا چه کسی می‌داند زین العابدین یعنی چه؟ بله، یعنی زینت عبادت کنندگان.
چون ایشان بسیار عبادت می‌کردند، به ایشان این لقب را داده‌اند.

بچه‌ها امام سجاد در سن ۲۲ سالگی به امامت رسید. همان طور که می‌دانید امام ع در حادثه کربلا حضور داشت، اما به دلیل بیماری نتوانست در جنگ شرکت کند. امام سجاد ع توانست پیام حادثه کربلا را به گوش مردم بی‌خبر برساند. بچه‌ها! امام ع چه کاری کرد؟ آفرین، در کاخ یزید سخنرانی کرد و یزید را رسوا نمود. به طوری که می‌خواستند امام ع را بکشند. بچه‌ها! این کار امام نشان از «ش...»^۱ امام داشت. آفرین، ما باید از امام سجاد یاد بگیریم که همیشه «ح...»^۲ را بگوییم و هیچ وقت از گفتن آن نترسیم. حالا حرف دوم کلمه «حق» را در خانه شماره ۲ قرار می‌دهیم.

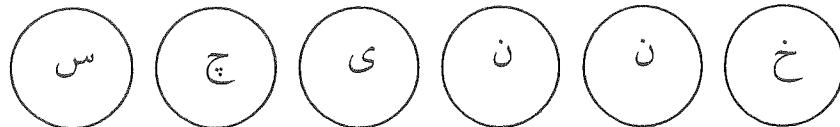
آیا شما تا به حال به صورت گروهی به جایی رفت‌اید؟ به سفر گروهی چه می‌گویند؟ آفرین لرک^۳ لابد بعضی از بچه‌ها را دیده‌اید که خیلی کار و تلاش می‌کنند و رحمت می‌کشند، اما بعضی از بچه‌ها از زیر کار در می‌رونند و به خیال خودشان زرنگی می‌کنند. بچه‌ها به نظر شما این کار زرنگی است؟ حرف چهارم کلمه «اردو» را در خانه شماره ۱۷ قرار می‌دهیم.

بیینیم امام سجاد ع چه کار می‌کرد است؟ حالا از این دوستان که جواب سؤال ما را دادند، می‌خواهیم که بباید و این حکایت را برای شما بخواند: امام زین العابدین ع دوست داشت که در سفرها و به خصوص سفر حج، ناشناس بماند و در کارها مانند دیگران کمک کند. در یکی از سفرها مردی، حضرت را شناخت و به مردم گفت: «آیا می‌دانید این مرد کیست؟» گفتند که:

۱. شجاعت.
۲. حق.

«نمی‌دانیم». گفت: «او فرزند رسول خدا، علی بن الحسین است». مردم با احترام برخاستند و دست حضرت را بوسیدند و عرض کردند: «ای فرزند رسول خدا، ما که شما را نمی‌شناختیم، اگر جسارتی می‌کردیم مایه گناهکاری و ضرر ما می‌شد. به چه دلیل شما خود را به ما معرفی نکردید؟» حضرت فرمود: «یک بار با گروهی سفر کردم. آن‌ها مرا شناختند. به قدری به من احترام گذاشتند که من راضی نبودم. چون می‌خواهم من هم در سفر مانند همسفران دیگر در کارها کمک کنم».

من از این دوست خوب شما تشکر می‌کنم که این حکایت را به زیبایی خواندند. بچه‌ها چه کسی حاضر است در مسابقه ما شرکت کند؟ من دو گروه دو نفره انتخاب می‌کنم، گروهی که زودتر بتواند با کنار هم قرار دادن حروف این دایره‌ها، کلمه مورد نظر ما را بسازد، برنده است.



آفرین به این گروه که توانستند زودتر این کلمه را پیدا کنند. حالا چه کسی می‌داند «سخن چین» کیست؟ سخن چین کسی است که حرف کسی را برای دیگران می‌برد.

به این حکایت از امام چهارم توجه کنید:

مردی حضور امام چهارم شرفیاب شد و عرض کرد: فلان شخص دیروز در باره شما صحبت می‌کرد و بدگویی شما را می‌کرد. یکی از یاران امام از او پرسید که: آیا در میان جمیع از مردم این حرف‌ها را گفت؟ آن شخص گفت: «نه، فقط من همراه او بودم و او این حرف‌ها را برای من می‌زد». امام به او فرمود که: «سزای تهمت و غیبت با خدا است و در روز قیامت خداوند در میان همه مردم

حکم خواهد کرد. بهتر بود آن شخص نزد من می‌آمد و حرف‌هایش را به خود من می‌زد تا روشن شود راست می‌گوید یا نه، ولی تو هم کار خوبی نکردم که این خبر را آوردم چون او به تو اعتماد کرده بود و حرف‌هایش را زده بود و از طرف دیگر حق ما را هم رعایت نکردی، چون کاری کردی که ما از او دل آزرده شویم.

راستی بچه‌ها از این حکایت چه درسن می‌گیریم و وظیفه ما در برابر سخن‌چین چیست؟ از امام زین‌العابدین العلیہ السلام دو کتاب باقی مانده است که من یکی از آن‌ها را در شعر زیر معرفی می‌کنم. به دقت گوش کنید تا نام کتاب را پیدا کنید.

«یادگار عشق و ایمان»

وقتی که پیش چشم‌هایت

چیدند چون گل، باغبان را

ای یادگار عشق و ایمان

در کربلا ماندی تو تنها

در گوش سوسن‌ها سروودی

صد شعر سبز عاشقانه

از عطر گل‌های دعايت

باغ صحیفه زد جوانه

باغ دل من سبز و زیباست

با عطر گل‌های دعايت

ای کاش می‌شد تا بریزم

گل‌های باغم را به پایت

«یحیی علوی فرد»

بچه‌ها نام این کتاب چه بود؟ آفرین، صحیفه سجادیه که کتاب **حق** است. امام سجاد (ع) کتاب دیگری هم به نام **ساله حقوق** دارند که در آن در مورد حق خیلی چیزها توضیح داده است، مانند: حق خدا، نماز، روزه، چشم، گوش، زبان، دست و پا، پدر و مادر و... .

حالا به سراغ حل جدول می‌رویم. حروف این جدول را به ترتیب از شماره ۱ تا ۱۹ کنار هم بگذارید تا یکی از سخنان با ارزش امام (ع) به دست آید.

بچه‌ها پیام جدول این است: «**حق معلم بزرگ داشتن اوست**»
بچه‌ها به نظر شما چطور می‌توان حق معلم را رعایت کرد؟

بله، آفرین خوب درس بخوانیم، به صحبت‌های معلم خوب توجه کنیم و مهم‌تر از همه این که به او احترام بگذاریم و از زحمت‌های او تشکر کنیم که خدا هم این کار را دوست دارد.

حالا من در پایان کلاس قسمتی از دعای امام (ره) را در صحیفه سجادیه می‌خوانم و شما «آمين» بگویید.

«صل على محمد وآلله، واسغل السنّة بشكرك عن كل شكر، وجوارحنا بطاعتك عن كل طاعة؛ خدایا بر محمد وآل او درود فرست وزیان‌های ما را به سپاس خود از هر سپاسی و اندام‌های ما را به طاعت خود از هر طاعتی مشغول بدار». آمين

کاریزیس:

تلاش

نمودنی

سیره اهل بیت - علیهم السلام -

هدف گلی:

دانش آموزان در این درس با گوشهای از زندگی امام باقر (ع) و سیره اخلاقی حضرت آشنا می شوند.

اهداف چریکی:

دانش آموزان در این درس با موارد زیر آشنا می شوند:

۱. فعالیت و تلاش امام باقر (ع)؛

۲. ورزش از دیدگاه پیامبر اسلام (ص)؛

۳. علت موفقیت در کارها؛

۴. الگو بودن امامان.

هدف رفتاری (خروبی):

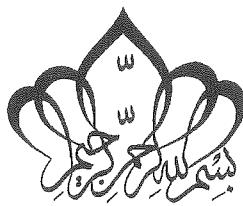
انتظار می رود دانش آموزان در پایان درس بتوانند با تلاش و فعالیت به موفقیت برسند.

روزنهای مناسب تدریزی:

۱. توضیحی ۲. فتال: (حدیث، شعر، تصویر، پرسش و پاسخ، جدول، رازگل‌ها و...)

رسانه‌های آموزشی:

تخته و گج



تلاش

با بسم الله الرحمن الرحيم می کند آغاز کارش را حکیم

بچه‌ها سلام، هرچه من گفتم شما بگویید: سلام سلام آی حاج آقا

سلام سلام آی بچه‌ها (جواب بچه‌ها) سلام سلام آی درس خوان‌ها (جواب بچه‌ها)

سلام سلام قرآن خوان‌ها (جواب بچه‌ها) سلام سلام دعا خوان‌ها (جواب بچه‌ها)

همه با هم دست‌ها بالا، بالاتر از آسمان‌ها

با هم بگوییم خدا خدا مارانکن ز خود جدا

کسی که اول سلام می‌کند، خدا به او چقدر ثواب می‌دهد؟ ۶۹ تا

و کسی که جواب سلام را بدهد، خدا به او چقدر ثواب می‌دهد؟ ۱

این حدیث از کدام امام است؟ امام حسین الله علیه السلام

به من بگویید که در این شعر نام چند نفر را می‌گوییم؟

مصطفی با سه محمد، مرتضی با سه علی، موسی و جعفر و زهرا، یک حسین و

دو حسن

بله، نام ۱۴ نفر را گفتم، یعنی چه کسانی؟ ۱۴ معصوم

نام چند امام، علی است؟ ۴ تا

نام چند امام، محمد است؟ ۳ تا

از جمع این اعداد چه عددی به دست می‌آید؟ عدد ۷

منظور از عدد ۷ در این سؤال چه شخص است؟

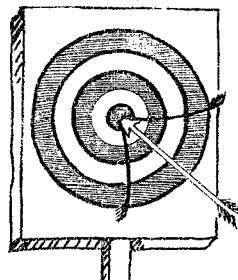
نام پدر و مادرش، علی^ع و فاطمه^(س) است،

ولی آنها امام اول و دختر رسول خدا نیستند و فرزندشان معصوم هفتم است. یعنی امام محمد باقر^ع که امام چندم ما شیعیان است؟ امام پنجم^ع و منظور از علی و فاطمه یعنی چه کسانی؟ حضرت امام سجاد^ع و فاطمه دختر امام حسن مجتبی^ع است.

بچه‌ها کلمه باقر یعنی چه؟ یعنی شکافنده دانش‌های گوناگون و ایشان مانند امامان دیگر در علم و دانش نظر نداشت و دانشمندان بزرگ از علم و دانش ایشان استفاده می‌کردند و مشکلاتشان را از او می‌پرسیدند و علم و دانش او به قدری زیاد بود که او چه لقبی دادند؟ باقر العلوم

این دو عدد کنار هم چه عددی را نشان می‌دهد؟ ۵۷ که سن امام باقر^ع است.

سرتاسر زندگی امام در این ۵۷ سال برای ما الگو و درس زندگی است، حتی در آن زمانی که در مسابقه تیراندازی شرکت کرد. راستی داستان نشانه‌گیری امام را شنیده‌اید؟ به چند سؤال از داستان جواب دهید.



۱. مرتبی ۳ و ۴ را زیر هم بنویسد تا بعد جمع کند.

۲. مرتبی داخل یک گلستان عدد ۷ را می‌نویسد.

۳. مرتبی عدد ۵ را کنار عدد ۷ بنویسد تا عدد ۵۷ بدست بیاید.

۴. مرتبی یک سیل که تیر به وسط آن خوردۀ را بکشد.

۱. امام چند تیر را به تیر اوی زد؟ با هم بلند از یک شروع به شمردن کنید. ۸

۲. این اتفاق در زمان کدام خلیفه قالم رخ داد؟ هشام

۳. کدام یک از فرزندان امام همراحتش بود؟ امام صادق علیه السلام نامش چیست؟

جعفر

۴. چگونه امام تیراندازی را یاد گرفته بود؟ در جوانی تمرين بسیاری کرده بود.

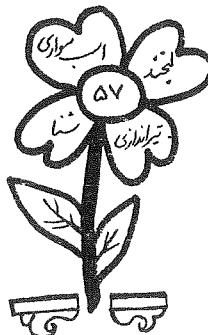
راستی شما تیراندازی بلد هستید؟ اگر بخواهید شلیک کنید، با کدام انگشت شلیک می‌کنید؟ انگشت اشاره، اما این را می‌دانید که اگر به یک شخص ژاپنی اسلحه بدھیم نمی‌تواند با این انگشت شلیک کند، چرا؟ چون این انگشت^۱ من است و او با انگشت خودش تیراندازی می‌کند.

در این تابستان خوب است که شما دانش آموزان عزیز یکی از سه فعالیتی که پیامبر ﷺ فرمود: در جوانی یاد بگیرید، آموزش ببینید.

۱. تیراندازی، ۲. اسب سواری، ۳. شنا

که من این سه تا را داخل این گل می‌نویسم.

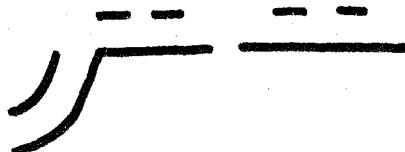
راستی آن چیست که بحتر است همیشه بر لب شما باشد؟ بله، لبخند.



۱. مریبی با هر عدد بچه‌ها یک خط آخر تیر بگذارد به نشانه تیر بعدی.

۲. مریبی به انگشت اشاره خود اشاره کند.

بچه‌ها این گل رمزی دارد که برای پی بردن به آن به این خطهایی که می‌کشم،
توجه کنید.



برای آن که بفهمید چه چیزی نوشته‌ام به این داستان توجه کنید:
نادانی و نصیحت

تابستان بود. هوا گرم و گرفته بود. گرمای خرمایپزان بود. پسر «منکدر» خسته بود. از صحراء می‌آمد. رفته بود زمینش را شخم بزند؛ اما طاقت نیاورده بود. با گوشه دستار، عرق پیشانی اش را پاک کرد. بیلش را روی شانه دیگرش گذاشت. با خود گفت: «در این هوای داغ کسی کار نمی‌کند». از لابه لای چند نخل گذشت. وارد جاده شد. تند قدم بر می‌داشت تا هر چه زودتر خود را به مدینه برساند.

در فکر بود که مردی را دید. چند مزرعه آن طرف تر مشغول کار بود. ایستاد و دستش را سایه‌بان کرد. مرد، مزرعهٔ محمد بن علی را شخم می‌زد. با خود گفت که: حتماً از خدمتکاران حضرت است. بروم بگویم برویم به شهر. از جوی آب گذشت.

مرد کمرش خم بود و بیل می‌زد. پسر منکدر جلوتر رفت. می‌خواست صدایش زند. مرد کمر راست کرد. شبیه بزرگ خاندان علی بود. تعجب کرد. خودش بود. با تأسف گفت که: حیف! حیف! که مرد بزرگی از خاندان پیامبر چنین به دنیا چسبیده باشد. سر به آسمان بلند کرد. مژه‌هایش سوخت. واقعاً آفتاب گرم و سوزان بود. پشیمان شد. چند قدم برگشت. بزرگ خاندان هاشمی همه را

نصیحت می کرد که دنیال مال دنیا نباشد. چه می دید؟ ایستاد. زیر لب گفت: «باید او را پند دهم». راهش را کج کرد. از جاده باریک پیش رفت. به مزرعه امام که رسید، سلام کرد. خسته نباشد گفت. امام ایستاد و جوابش را داد. عرق صورتش را پاک کرد. پیراهنش خیس عرق شده بود. خسته بود.

پسر منکدر گفت: «خدا تو را بیامرزد مرد!» سرفه ای کرد و ادامه داد: «تو بزرگی از بزرگان قریش هستی؛ از خاندان پیامبر هستی. نمی دانم چه بگوییم». به بیلش تکیه داد و گفت: «من که خجالت می کشم. اگر در این حالت که در پی مال دنیا هستی بمیری، چه جوابی پیش خدا داری؟».

امام ﷺ تبسمی کرد. نگاهی به مزرعه اش کرد. خم شد. سنگی را برداشت و روی قلوه سنگ هایی که جمع کرده بود، انداخت. مزرعه یکدست شخم زده شده بود. امام تیغه بیلش را در زمین فرو برد. به طرف پسر منکدر آمد و گفت: «به خدا سوگند، اگر در این حال بمیرم، در حال پیروی از دستورهای خدا خواهم بود؛ چون با این کار خود را از تو و مردم بی نیاز می کنم».

پسر منکدر اخم کرد. به فکر فرو رفت. زیر چشمی به مزرعه نگاه کرد. خیلی خوب زیر و رو شده بود. صدای امام او را به خود آورد.

- می ترسم در حالتی بمیرم که مشغول گناه باشم.

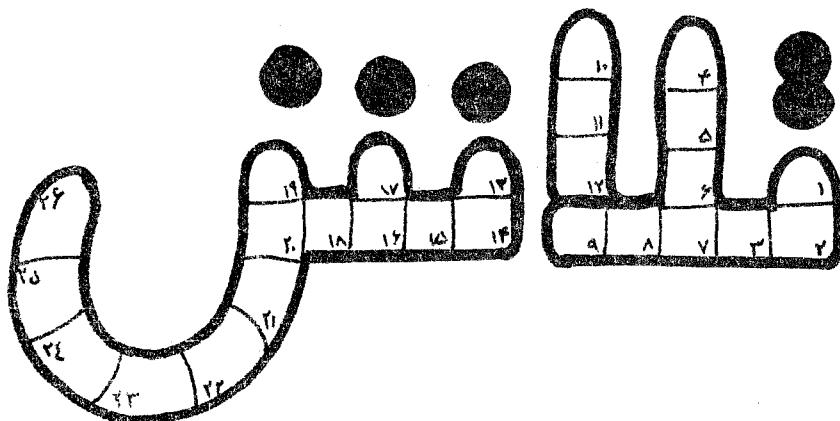
پسر منکدر نتوانست چیزی بگوید. از حرفی که زده بود، خجالت می کشید. با پشیمانی گفت: «خدا تو را رحمت کند. آمده بودم تو را نصیحت کنم که پندم دادی و بیدارم کردم».

وقتی امام رفت تا مشغول کار شود، پسر منکدر برگشت. میل نداشت به شهر برود. در فکر سخنان امام بود. کار که عیب نبود. به سوی نخلستان رفت. اگر چه

هوا گرم بود، اما باید علف‌های هرز را وجبین می‌کرد و نخل‌هایش را آبیاری می‌کرد تا محصول خوبی بدهند. تندهن قدم برمی‌داشت. تا غروب خیلی کار داشت.^۱ حالا که داستان را خوب گوش کردید با توجه به داستان، برای آن که منظور از این خطها مشخص شود، حرف‌های اول کمله‌های داخل گل را کنار هم بگذارید تا کلمه مورد نظر مشخص شود^۲ بله – کلمه

تلاش

حالا داخل این کلمه را جدول‌بندی می‌کنم. شما هم با جواب دادن به سؤال‌ها جدول را پر کنید تا به کلام نورانی امام باقر^{علیه السلام} برسیم.



-
۱. کشف الغمه فی معرفة الائمه، ج ۲، ص ۱۲۵ و کافی، ج ۵، ص ۷۳.
 ۲. بچه‌ها کلمه تلاش را پیدا می‌کنند و مریم یک تلاش بزرگ بنویسد و جدول ۲۶ حرفی درست کند و شماره‌گذاری کند.

۱. وسیله رسیدن به بام چه نام دارد؟ نردهان (۲۱، ۲۲، ۱۶، ۸، ۱۲ و ۴)
۲. وسیله درو محصول چه نام دارد؟ داس (۲۴، ۱۷ و ۱۵)
۳. برای صحبت کردن از چه وسیله‌ای استفاده می‌کنیم؟ زبان (۲۰، ۲۶، ۷ و ۱۱)
۴. اولین واجب در نماز به معنای قصد کردن است؟ نیت (۲، ۱۳ و ۱)
۵. کدام امام الان در خیبت است و از چشم‌های ما پنهان، ولی تمام اعمال ما را من بیند؟ مهدی (۶، ۱۹، ۲۲ و ۱۴)
۶. رو دخانه‌ای بزرگ و طولانی در مصر چه نام دارد؟ نیل (۳، ۲۳ و ۱۰)
۷. هم معنای «او» من باشد؟ وی (۵ و ۹)
۸. حرف آخر الفبای فارسی چیست؟ ی (۲۵)
- بعجه‌ها خانه‌های جدول را سه تا سه تا بشمارید تا پیام بررسید.
- پیام: تنبلی به دین و دنیا زیان می‌رساند.
- بعجه‌ها با هم بعد از من حدیث را بخوانید:

فرمود امام باقر، فرمود امام باقر الکسل یضر، بالدین والدین^۱

بعجه‌ها این حدیث چقدر زیبا است به این شعر گوش کنید.

گفته‌های دلنشیں

چه گفته‌های دلنشیں

میان حرف‌های توست

هنوز هم میان دل

صدای آشنای توست

۱. مری با خواندن بگوید و حدیث را دو قسمت کند و بجهه‌ها بعدش بخوانند. ابن شعبه حرانی، تحف العقول، بصیرتی، فم، ص، ۲۲۰.

چه کارهای پر ثمر
 چه حرفهای پر اثر
 تمام کوشش تو بود
 ز مهریان به ما خبر
 تو آفتاب پنجمی
 در این زمین و آسمان
 تو شعله‌های دانشی
 میان قلب مؤمنان

امام باقر ع مقداری از پولی را که از راه کشاورزی به دست می‌آورد در راه خدا به نیازمندان کمک می‌کرد و در زندگی خود هیچ فقیری را نامید برنمی‌گرداند. و می‌دانست که برای انسان کارهای نیک باقی می‌ماند و حاصل زحمت‌های خود را خواهد دید. چنانچه خداوند می‌فرماید: «لیس للانسان ال ماسعی»، یعنی انسان به هر اندازه تلاش و فعالیت کند، پاداش می‌گیرد.

بچه‌ها این شعار را با همدیگر بگوییم. دو گروه شوید:

کم کاری و تنبلی دو ریشهٔ فساد است

تلash و سازندگی تنها ره نجات است

آمده باشید که می‌خواهیم دعا کنیم. شما فقط بگویید الله

الله الله الله توفیق عطا کن الله صراط مستقیم نصیب ما کن الله

الله الله الله دانش عطا کن الله در راه حق کوشش نصیب ما کن الله

الله الله الله قوت عطا کن الله هم پشتی و اخوت نصیب ما کن الله

الله الله الله (۲)

کریس:

یاری رسان

موم (مُرمِع):

سیره اهل بیت - علیهم السلام -

هدف گلایی:

دانش آموزان در این درس با گوشاهای از زندگی امام صادق العلیہ السلام و سیره عملی او آشنا می شوند.

اهداف چریکی:

دانش آموزان در این درس با موارد زیر آشنا می شوند:

۱. راستگویی امام العلیہ السلام :

۲. علم و ایمان امام العلیہ السلام :

۳. چگونگی الگو قراردادن رفتار امام العلیہ السلام در زندگی.

هدف رفتاری (خروبی):

انتظار می رود دانش آموزان در پایان درس بتوانند گوشاهای از خصوصیات امام ششم العلیہ السلام را بیان کنند و آن ویژگی ها را در زندگی خود الگوی عملی قرار دهند.

روش های مناسب تدریس:

۱. توضیحی ۲. فعال: (داستان، همخوانی، جدول، کارت)

رسانه های آموزشی:

تحته و کارت

بسم الله الرحمن الرحيم

پاره روای

به نام خداوند جان و خرد کزین برتر اندیشه برنگذرد

دوستان عزیز! سلام. حالتان خوب است؟ امیدوارم شاد و خندان و سرحال باشید.

درس امروز را با چند سؤال شروع می‌کنم.

۱. در مقابل سختی‌ها و مشکلات توصیه به چه شده است؟

امام کسی که رهبری مسلمانان را بر عهد دارد چه می‌گویند؟

۲. تعداد امامان معصوم را ذکر کنید؟

۳. کدام شب بحق از هزار ماه است؟

حال اگر از هر کلمه‌ای حرف اول را کنار هم قرار دهید، لقب یکی از امامان معصوم به دست می‌آید.^۱

درود بر شما آن کلمه پیر (فوق) است.

آیا می‌دانید این لقب کدام امام است؟

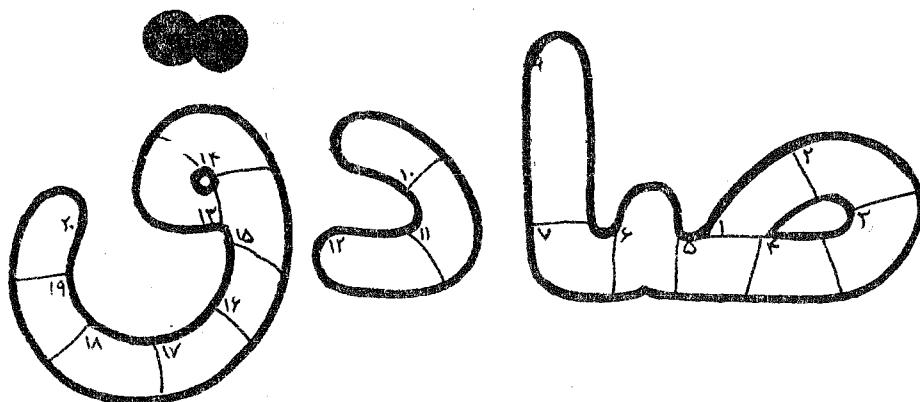
بله، راستگو راستی معنای صادق چیست؟

۱. مریم با خطوط فانتزی روی تخته، حروف را از ابتدای کلمات جدا کرده، سپس کلمه بدست آمده را روی

تخته بنویسد.

حالا که این اندازه دانش آموزان زبر و زرنگی هستید و جواب‌ها را خوب می‌دهید، بگویید ببینم که چرا این لقب را به امام ششم داده‌اند؟ بله، برای این که آن امام بزرگوار در گفته‌ها و سخنان خود راستگو بودند و همچنین در مورد اتفاقاتی که برای برخی از افراد پیش‌بینی می‌کردند آن وقایع همان‌گونه که امام گفته بود، اتفاق می‌افتد، بنابراین همه مردم، حتی دشمنان امام، او را صادق لقب داده بودند.

اینک برای این که متوجه شویم راستگویی چقدر اهمیت دارد با هم این جدول را حل می‌کنیم و با رمز ۳، پیام آن را که سخن گهرباری از امام صادق علیه السلام^۱ هست، به دست می‌آوریم.



۱. تعلموا الصدق قبل الحديث، کافی، ج ۲، ص ۱۰۴.

- | | |
|------------------------|---------------------------------|
| قرآن (۱، ۵ و ۸) | ۱. کتاب آسمانی مسلمانان؟ |
| ام (۶) | ۲. مادر به عربی؟ |
| سیب (۱۵، ۱۶ و ۲۰) | ۳. میوه‌ای بخششی؟ |
| دوست (۱۸، ۹، ۱۱ و ۱۴) | ۴. یار و رفیق؟ |
| یخ (۳ و ۱۹) | ۵. در قطب شمال زیاد است؟ |
| بازار (۴، ۱۲، ۱۰ و ۱۳) | ۶. پارچه فروش را گویند؟ |
| لی لی (۷ و ۱۷) | ۷. یک نوع بازی دختر بچه‌ها است؟ |

پیام: امام صادق (ع) فرموده است: «قبل از سخن، راستی بیاموزید».

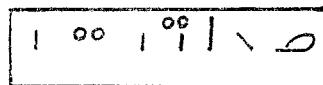
بله بچه‌ها، امام با این پیام می‌خواهد بگوید قبل از هر چیز در همه جا باید

انسان، راستگویی را مد نظر قرار دهد، پس ما باید^۱ :

در پیش دوستان	راستگو باشیم، راستگو باشیم
هنگام بازی	راستگو باشیم، راستگو باشیم
پیش معلم	راستگو باشیم، راستگو باشیم
پیش بابا، پیش مامان	راستگو باشیم، راستگو باشیم
وقت درس خواندن	راستگو باشیم، راستگو باشیم
در همه جا، در همه وقت	راستگو باشیم، راستگو باشیم
و حالا ببینیم این حروف کلمه صادق بیانگر چه چیزی هستند.	

۱. مری بخش اول را بگوید و قسمت دوم را از دانش‌آموزان بخواهد، جواب بدھند.

پس دوستان حرف ص مظہر^۱



چی؟ صداقت
بله، مظہر صداقت و راستگویی امام
الف مظہر ۱۰۱۱ ۱۰۵ چی ایمان

همان ایمانی که باعث می شود در همه جا و همه کارها خدا را مد نظر قرار دهیم.



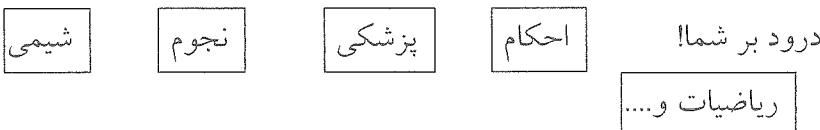
چی؟
دانش

بله، آن مظہر علم و دانش امام هست، همان علمی که موجب سعادت و رستگاری بشر شده است، ولن ہر علمی سبب خوشبختی می شود؟

درست گفتید! خیر. چون که خیلی از علوم هستند که دانشمندانی در آن زمینه به درجه های بالایی رسیدند، اما نه تنها موجب خوشبختی نشد؛ بلکه موجب قتل هزاران انسان بی گناه شد، مانند سازنده بمب اتم و بمب های شیمیایی؛ پس لازمه علم مفید، ایمان داشتن به خداوند است.

خوب بچه ها، امام صادق علیہ السلام در علوم مختلفی صاحب نظر بود؛ آیا می توانید به چند نمونه از آن علوم اشاره کنید؟

۲. مربی محترم کلمه های داخل کادر را به صورت خطوط فانتزی در کارت بیاورد و به دانش آموزان هنگام صحبت نشان دهد.



همان طور که اشاره کردید، امام در رشته‌های مختلف دارای علم و آگاهی بودند و دانشمندان زیادی نیز تربیت کردند.

آیا می‌توانید یکی از شاگردان امام الله علیه السلام را که در کتاب‌هایتان خوانده‌اید، نام

ببرید؟ بله! جابر ابن حیان

راستی به چه لقبی معروف است؟ پدر علم شیمی

بگویید ببینم، دانشمندی که علم خود را از این عالم بزرگ می‌دانست. چه نام دارد؟
دروド بر شما! ذكریای رازی کاشف الکل. امروزه کتاب ایشان در دانشگاه‌های دنیا مورد استفاده قرار می‌گیرد.

پس مشخص است، خیلی از علوم امروزه مديون زحمت‌های امامان معصوم الله علیه السلام می‌باشد.

اما رسیدیم به حرف ق، به نظر شما «ق» مظہر چیست؟ قرآن **چی؟ بله، مظہر**

بله، امام صادق الله علیه السلام مظہر و عامل به قرآن هستند، همان کتابی که خداوند بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نازل کردند تا با عمل به آن، سعادتمند شویم. امام صادق الله علیه السلام و دیگر امامان با عمل به قرآن، توانستند به سعادت برسند و این همه منفعت را در علوم مختلف برای مردم به ارمغان آورند، نیز باید بدانیم امام صادق الله علیه السلام نه تنها شخصی صادق، دانشمند، با ایمان و عامل به قرآن بود، بلکه در خیلی از کارهای جامعه به مردم کمک می‌رساند.

آیا می‌توانید به نمونه‌ای از کمک امام الله علیه السلام که در کتاب شما آمده اشاره گنید؟

بله، امام الصلیل در نیمه‌های شب کیسه‌های نان و خرما به دوش می‌گرفتند و به مستمندان و نیازمندان کمک می‌رساندند؛ همچنین هر جا که فردی نیاز به کمک داشت، امام صادق الصلیل به یاری او می‌شتافت، چنان که نقل شده^۱ :

شخصی به نام زکریا در یکی از روزهای گرم تابستان به سفر رفت، ولی هنگام بازگشت، راه شهر را گم کرد و نگران و سرگردان در صحراخشک و بی‌آب و علف مدینه، این طرف و آن طرف می‌رفت، و این در حالی بود که روز، آرام آرام به نیمة خود نزدیک می‌شد و زکریا آبی برای خوردن و سایه‌ای برای پناه گرفتن نداشت. تا این که از شدت تشنگی بر روی خاکهای گرم بیابان زانو زد. شن‌های داغ را برداشت و بر سرش ریخت. به آسمان نگاه کرد. آفتاب داغ و سوزان بود. فریاد زد: «کجا بی مسیح؟».

برخاست. تشنه بود. ماندن فایده‌ای نداشت. از تپه سرازیر شد. دیگر امیدی نداشت، اما باید تلاش خود را می‌کرد. از وقتی گم شده بود، ساعتها می‌گذشت. سرگردان بود. خورشید مثل تنور شعله می‌کشید؛ حتی کف پاهایش می‌سوخت. توان نداشت. ایستاد و نگاهی به دور دست کرد. بی هدف راه افتاد. به زمین می‌خورد و باز بلند می‌شد. تپه‌ای را دور زد. چشمانش خوب نمی‌دید. احساس کرد سایه‌ای را می‌بیند. چشمانش را مالید. خیالاتی نشده بود، شبیه درخت بود. قدم از قدم برداشت.

نخل خشکی وسط صحرا بود. چند پرنده روی آن نشسته بودند، چاهی کنار نخل بود. به طرف چاه رفت. دیوار سنگی آن خراب شده بود. سوسмар سیاهی زیر سنگ‌ها خزید. زکریا قلوه سنگی برداشت و در چاه انداخت. صدایی نشینید.

۱. اصول کافی، ج ۳، ص ۵۶۶

سنگ دیگری انداخت. تا پی صدا کرد. چاه هم آب نداشت. نفس نفس می‌زد. هوای داغ، گلویش را می‌سوزاند. کنار نخل نشست و به آن تکیه داد. زیر لب گفت: «... ای مسیح به فریادم برس!» چشمانش را بست. زکریا خواست برخیزد و به راهش ادامه دهد، اما پشیمان شد. دیگر رمقی نداشت. فکر کرد باید مرگ را پذیرد. تنها پرسش را دید که می‌خندید و برایش دست تکان می‌داد. حرف می‌زد، ولی او صدایش را نمی‌شنید. ناله‌ای کرد و دراز کشید. نفهمید چقدر طول کشید که صدای نامفهومی شنید: «سرورم! این مرد مسیحی است، صلیب دارد. آیا به او آب بدهیم؟»

زکریا مژه‌هایش را تکان داد، اما نتوانست پلک‌هایش را باز کند.
- آری! تشنه است.

احساس کرد کسی سرش را بالا آورد و روی زانو گذاشت. بعد خنکای آب را روی صورتش احساس کرد. لب‌های خشکش خیس شد. صدایی گفت: «دهانت را باز کن، برادر!».

زکریا کمی دهانش را باز کرد. آب خنک و گوارا بود. فکر کرد خواب می‌بیند. نفس عمیقی کشید. نه! خواب نمی‌دید. زنده بود. به آرامی چشمانش را گشود. با دیدن پیشوای مسلمانان تعجب کرد. در مدینه همه به او صادق می‌گفتند. چهره‌اش شبیه مسیح بود. همیشه تبسمی بر لب داشت.

این گونه بود که زکریا از مرگ حتمی نجات پیدا کرد.
حال نوبت ما رسیده که از صداقت و دانش و ایمان و قرآن خواندن امام صادق العلیا درس بگیریم و رفتار او را جلوی دیدگانمان قرار دهیم. باشد که ما هم بتوانیم رستگار شویم.

کریس:

پنده شایسته

ویرفع:

سیره اهل بیت - علیهم السلام -

هدف کلی:

دانشآموزان در این درس با گوشه‌ای از زندگی امام کاظم (ع) و سیره برخورد با دشمن آشنا می‌شوند.

اهداف جزئی:

دانشآموزان در این درس با موارد زیر آشنا می‌شوند:

۱. زندگی نامه امام کاظم (ع).
۲. سیره امام در برخورد با دوست و دشمن.

هدف رفتاری (خرودی):

انتظار می‌رود دانشآموزان در پایان درس بتوانند گوشه‌ای از زندگی امام کاظم (ع) را بیان کنند و چگونگی برخورد خود را با دشمنان اسلام را بر اساس سیره حضرت تنظیم کنند.

روش‌های مناسب تدریس:

۱. توضیحی ۲. فعال: (پرسش و پاسخ، داستان، طرح، جدول)

رسانه‌های آموزشی:

تخته سیاه و گچ

بِسْرَ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

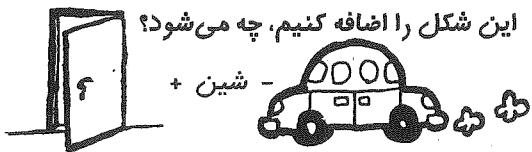
پنجه شیشه‌ای

- به نام آن که رب العالمین است خدای خوب و رحمان و رحیم است
بچه‌ها! سلام، خسته نباشید. حالتان خوب است؟ حالا که حال شما خوب است، می‌خواهم شما را با یک دوست خوب آشنا کنم. البته شما او را می‌شناسید و دوستش دارید، ولی قبل از معرفی این دوست خوب به سؤال‌های ریاضی و فارسی من جواب دهید. جواب هر سؤال من یکی از دوستان شما است که باید آن‌ها را معرفی کنید.^۱

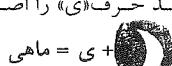
۱. اگر حرف «ک» را به اول اسم این شکل اضافه کنید، نام یکی از دوستان خوبتان پیدا می‌شود؟



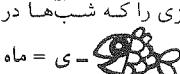
۲. اگر از آخر اسم این شکل، سه حرف «شین» را کم کنیم و برداریم و به جای آن اسم این شکل را اضافه کنیم، چه می‌شود؟



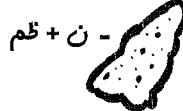
۱. مریبی می‌تواند قبل از چهار سؤال اصلی برای آشنایی به این گونه سؤال‌ها و جواب آن‌ها، برای نمونه یکی از دو سؤال فوق را بیان کند و در حین کشیدن تصاویر سؤال را با این بیان مطرح کند:
- الف - بچه‌ها اگر به آخر اسم این شکل که آن را شبها در آسمان می‌بینند حرف «ی» را اضافه کنید چه حیوانی می‌شود؟



- ب - اگر از آخر اسم این حیوان حرف «ی» را کم کنیم، اسم چیزی را که شبها در آسمان می‌بینیم پیدا می‌شود.



۳. اگر از آخر اسم این شکل، حرف «ن» را کم کنیم و به جای آن «ثم» را اضافه کنیم
اسم چه کسی به دست می‌آید؟



۴. اگر به اول اسم این شکل، دو حرف «مع» را اضافه کنیم و «الف» را که حرف دوم
اسم آن است و «پ» که حرف آخر آن است را از او کم کنیم چه کسی می‌شود؟



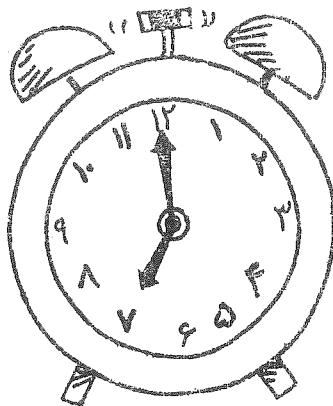
خوب بچه‌ها حالا که با هم ریاضی و فارسی کار کردیم و معلوم شد که درس‌هایتان را خوب می‌خوانید و یادتان نرفته است بگویید ببینم اگر یک زمانی مادر شما کمکی از شما بخواهد، برایش انجام می‌دهید یا نه؟ (برای پسرها نان گرفتن و برای دخترها جارو کردن خانه را می‌توان مثال زد).
چرا باید انجام بدهید؟ چون او مادر ما است و ما را دوست دارد و از کودکی تا به حال به فکر ما بوده است و همیشه ما را در کارهایمان کمک می‌کند و ما هم او را دوست داریم و به او در کارها کمک می‌کنیم.

اگر معلم یا ناظم از شما کمکی بخواهند چطور؟ بله، آنها هم همین طور، ما باید همیشه به حرف پدر و مادر، ناظم و معلم خودمان گوش کنیم.

حالا برای این که من، آن دوست خوب را که ما او را مثل پدر و مادرمان دوست داریم به شما معرفی کنم، یک نفر باید و برای ما روی تابلو (تخته) یک ساعت بکشد که ساعت هفت را نشان دهد.^۲

۱. جواب‌ها به ترتیب: ۱. کتاب، ۲. مادر، ۳. ناظم، ۴. معلم. مربی باید جواب‌ها را به ترتیب در گوشه تابلو از بالا به پایین بنویسد و بقیه تابلو (تخته) را پاک کند.

۲. اگر کسی برای کشیدن ساعت حاضر نشد، خود مربی به دلخواه یک نفر را انتخاب کند تا او ساعت را بکشد و مربی هم او را در کشیدن آن کمک کند.



بچه‌ها بگویید دوست شما، چند تا عدد باید در داخل ساعت بنویسد؟ بله دوازده تا

همان طور که دوست شما دارد ساعت می‌کشد شما فکر کنید که چرا گفتیم ساعت هفت را نشان بدهد! برای این که جوابش را بدانید، یک صلوuat بلند برای نقاش ساعت بفرستید.

چون ساعت هفت ما را یاد کسی می‌اندازد و ما هم قرار بود برای شما یک دوست خوب را معرفی کنیم که او را می‌شناسید و دوستش دارید. آیا می‌دانید ساعت هفت ما را یاد چه کسی می‌اندازد؟ برای این که بدانید این شخص کیست که وقتی ساعت هفت را می‌بینیم و یا وقتی ساعت هفت می‌شود به یاد او می‌افتیم، باید حرف اول جواب سؤال اول و حرف دوم جواب دوم و حرف سوم جواب سوم و حرف چهارم جواب چهارم را کنار هم به ترتیب قرار دهید. تا نام این دوست خوب را پیدا کنید. بله درست است: «کاظم».

حالا فهمیدید چرا وقتی ساعت هفت می‌شود، ما یاد امام کاظم علیه السلام می‌افتیم. بله، چون او امام هفتم ما شیعیان است. حالا بگویید اگر ساعت هشت باشد، یاد چه کسی می‌افتید؟ احسنت، یاد امام رضا علیه السلام که فرزند امام کاظم علیه السلام می‌باشد و قبر ایشان در شهر مقدس مشهد قرار دارد و برای زیارت امام رضا علیه السلام مردم به

مشهد مسافرت می‌کند. اگر ساعت شش باشد شما یاد چه کسی می‌افتد؟ بله، یاد امام صادق^ع که پدر امام کاظم^ع می‌باشد. بچه‌ها گفته‌یم ساعت چند تا عدد داشت: «دوازده تا» و ما چند تا امام داریم؟ بله، «دوازده امام^۱» امام هفتم^ع روز هفتم ماه صفر در منطقه‌ای نزدیک شهر مدینه به دنیا آمد، مادر ایشان خانمی خوش اخلاق و مهربان به نام «حمیده» بود. امام کاظم^ع قد و قامتی متوسط و صورتی نورانی و گندمگون داشت. نسبت به خانواده خیلی مهربان بود و همیشه در فکر فقرا و نیازمندان بود و به آن‌ها کمک می‌کرد به طوری که همهٔ فقرای مدینه امام را خوب می‌شناختند. امام برای آن‌ها آب و نان و خرما تهیه می‌کرد و مانند پدرانشان در تاریکی شب به خانهٔ فقرا و یتیمان و بینوایان نان و غذا و لباس می‌برد.

امام کاظم^ع خیلی زیبا و دلنشیں قرآن می‌خواند. به طوری که دور ایشان حلقه می‌زدند و به قرآن خواندن حضرت گوش می‌دادند.
سؤال: یکی از لقب‌های معروف امام کاظم^ع را بیان کنید؟^۲

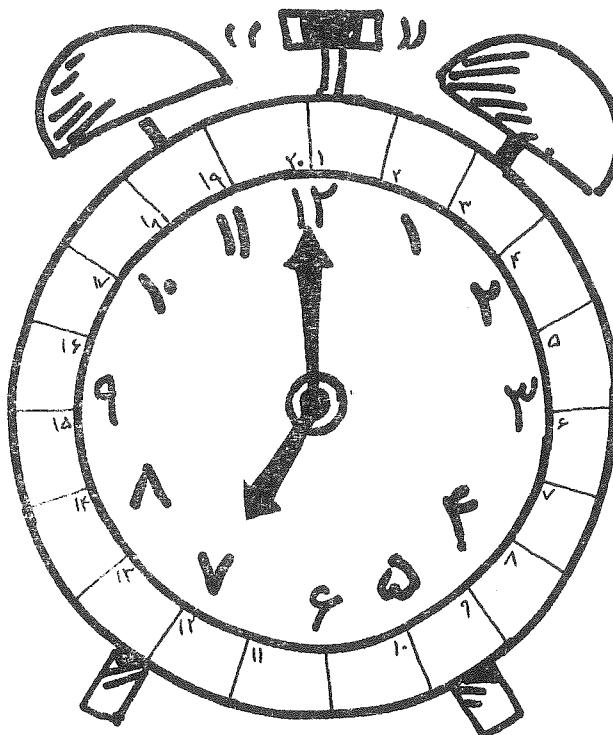
لِبْتُ كَلَّا جَعْلَتْ عَبْدَ صَالِحٍ

-
۱. مریم می‌تواند برای تکرار و یادآوری نام امامان معصوم علیهم السلام از بچه‌ها، ساعت‌های دیگری را هم سؤال کند.
 ۲. در کتاب سال سوم ابتدایی هم این لقب امام بیان شده است.

بچه‌ها شما امام کاظم علیه السلام را دوست ندارید، یا نه؟ بله، ما امام کاظم علیه السلام را مانند پدر و مادرمان، بلکه بیشتر دوست داریم.

اگر امام کاظم علیه السلام به ما کاری بگویند که آن را انجام دهیم، شما آن را انجام می‌دهید یا نه؟ چرا؟ بله، چون امام کاظم علیه السلام ما را دوست دارد و به فکر ما هست (مثل پدرمان) کارهایی را هم که می‌گویند انجام دهیم، برای خودمان مفید و خوب است و ما که امام کاظم علیه السلام را دوست داریم و به حرف امام هفتم علیه السلام گوش می‌کنیم.

حالا می‌خواهیم با هم دیگر یکی از گفته‌های امام کاظم علیه السلام را از بین خانه‌های جدول که در این ساعت است را پیدا کنیم. پس همه با هم جدول را می‌کشیم. برای پر کردن خانه‌های آن به سوالاتی من جواب دهید؟



۱. رفیق و مهربان، ضد دشمن:
- دوست (۷، ۲، ۳ و ۸)
- راهنما (۱۵، ۱۴، ۱۶، ۲۱، ۹ و ۱۴)
- دی (۱۱ و ۱۰)
- رستگار (۴، ۵، ۶، ۱۲، ۱۸ و ۱۷)
- 福德 (۱۹، ۱ و ۱۳)
- د (۲۰)
۲. کسی که راه را نشان بدهد، رهبر:
۳. ماه دهم سال:
۴. نجات یافته، آسوده:
۵. باغی که پیامبر اکرم ﷺ به دخترش بخشید:
۶. حرف دهم الفبای فارسی:

بچه‌ها ساعت روی چه عقرهای باشد به یاد امام حسین ع می‌افتد؟ ۳

پس با رمز ۳ پیام جدول را که قسمتی از کلام زیبای امام هفتتم ع است را پیدا کنید. توجه حرف اول جدول در دور دوم شمرده نشود.

امام کاظم ع: «فردی که دوست دارد ستمگران»

حالا که شما این قسمت از حدیث را به دست آوردید، من هم آن را کامل می‌کنم.

«فردی که دوست دارد ستمگران زنده باشند او هم از آنان است». برای این که در که بعتری نسبت به کلام امام کاظم ع پیدا کنیم، بگویید که این چیست؟

+ تان

احسنست، داستان. پس حالا وقت داستان است.

برای فهمیدن کلام امام به این داستان خوب گوش کنید که بعد از تمام شدن داستان، من یک نفر از شما را خودم به دلخواه انتخاب می‌کنم که باید داستان را برایمان تعریف کند!

آدم خوب اما....

امام با او چکار داشت؟ دم در ایستاد. کمی فکر کرد. حتماً کار مهمی بود که خواسته بود زود نزدش بیاید. در باز بود. کوبه را زد و وارد شد. امام داشت وضو می‌گرفت. سلام کرد. امام مسح کشید. جوابش را داد و به طرف اتاق رفت. صفوان پشت سر امام رفت. کسی در اتاق نبود. امام از صفوان خواست بنشیند. صفوان روی حصیر زانو زد. احساس کرد که امام ناراحت است. می‌خواست بپرسد چه شده است که امام گفت: «صفوان تو از هر جهت آدم خوبی هستی، اما...»

صفوان سرش را پایین انداخت و گفت که شما محبت دارید. حضرت با مهربانی صحبت می‌کرد. صدای او را دوست داشت. امام ادامه داد: «همه کارهایت خوب است، جز این که شترهایت را به هارون کرایه می‌دهی.» صفوان روی زانوی دیگر شست. سرفهای کرد و گفت: «سرورم، من قافله‌ام را برای زیارت خانه خدا کرایه می‌دهم. البته خودم هم نمی‌روم».

۱. مری می‌تواند بعد از تمام شدن داستان، از بچه‌ها بخواهد که داستان را دو به دو برای هم تعریف کنند و مری هم در بین بچه‌ها قدم بزند و نحوه تعریف کردن داستان توسط بچه‌ها را کنترل کند و اشتباه‌های آن‌ها را تذکر دهد و به بچه‌ها فرصت دهد تا برای هم حتماً تعریف کنند این کار باعث می‌شود تا داستان در حافظه بچه‌ها بماند و فراموش نکنند.

امام بلند شد. قرآن را از تاقچه برداشت. برگشت و گفت: «آیا دوست نداری که خلیفه از مکه برگردد و کرایهات را بدهد.» صفوان به فکر فرو رفت. همیشه از خدا می خواست خلیفه و درباریان به سلامت برگردند تا کرایهاش را بدهند. احساس گناه می کرد. اصلاً به این نکته فکر نکرده بود. گفت: «اما من دوستدار شما هستم و از خلیفه بیزارم. حالا شما چه دستور می دهید؟»

نور از پنجره می تابید. چهره گندمگون امام زیبا می نمود. همان طور که قرآن را باز می کرد، گفت: «ای صفوان، کسی که دوست دارد ستمگران زنده بمانند، خودش هم از آنان به حساب می آید.»

صفوان به یاد ستمهای هارون و سپاهش افتاد، حتی چند بار امام را زندانی کرده بود. گفت: «مرا ببینشید. نمی دانستم در چنین گناه بزرگی شریک هستم». امام چیزی نگفت. فقط نگاهش کرد. نگاه امام پر از معنا بود. باید کاری می کرد. برخاست و خدا حافظی کرد. بیرون آمد. به سایه نخل رسید. صدای امام را شنید که قرآن می خواند. چه دلنشیں بود. باز به یاد خلیفه افتاد. به تازگی کاروانش را اجاره داده بود. چکار باید می کرد.

قدم در کوچه گذاشت. خلوت بود. در فکر بود. اگر به خلیفه می گفت که شترهایم را نمی دهم، خلیفه می فهمید و او را می کشت اما او امام کاظم ع را دوست داشت. لحظه ای ایستاد. فکری به ذهنش رسید. به طرف خانه حسان بازگان رفت که هفته پیش آمده بود تا شترانش را بخرد، اما او راضی نشده بود. فکر خوبی بود. می توانست کاروانش را بفروشد و امام را خشنود کند. اگرچه

خليفة باز هم می فهميد، اما اشكال نداشت. دیگر نمی خواست به ستمگري مثل هارون کمک کند. قدم تندر کرد. تصميم خود را گرفته بود.^۱

کسی می تواند يك مثال و يا موردي مثل اين داستان را برای ما بيان کند که يك نفر از کمک کردن به آدم ظالم و ستمکار جلوگيري کرده باشد. مثلاً در مدرسه و يا در خيابان و يا در فيلم دیده باشيد يا در داستاني شنide باشيد.^۲

حالا من می خواهم يك مثال را که در داستاني از يك خلبان شنide ام برایتان تعریف کنم. اسم خلبان عباس است. اسم داستان:

«به دنبال ما می دوید و از ما پوزش می خواست^۳»

يک روز که در کلاس هشتم درس می خوانديم. هنگام عبور از محله‌اي در شهر قروين، يكى از نوجوانان آن محله بجهت و بدون دليل به ما حرفی زد که ما را ناراحت کرد و با او گلاویز شدیم.

ما با عباس سه نفر بودیم و در برابرمان يك نفر. عباس جلو آمد و بخلاف انتظار ما که توقع داشتیم به ياريمن بباید سعی کرد تا ما را از يكديگر جدا کند و به درگيري پایان دهد. وقتی تلاش خود را بنتیجه دید، ناگهان قیافه‌اي بسيار جدی گرفت و در جانبداری و پشتیبانی از نوجوان آن محله با ما درگير شد.

۱. بخار الانوار، ج ۲، ص ۳۷۶. رجال کشی، ص ۴۴۰.

۲. مربي به بچه‌ها اجازه بدهد تا مثال‌هايشان را بيان کنند تا بفهمد آيا منظور داستان و پیام امام کاظم را فهمیده‌اند يا نه.

۳. از کتاب «پرواز تا بینهايت» ص ۲۳.

من و دوستم که از حرکت عباس به خشم آمده بودیم، به درگیری خاتمه دادیم و به نشانه اعتراض، از او قهر کردیم. سپس بدون این که به او اعتنا کنیم. راهمان را در پیش گرفتیم. اما در طول راه به دنبال ما می‌دوید و فریاد می‌زد:
- مرا ببخشید، آخر شما دو نفر بودید و این انصاف نبود که یک نفر را کتک بزنید.

بچه‌ها، عباس آقای خلبان همان سرلشکر خلبان، شهید عباس بابایی است که در ۱۵ مرداد سال ۱۳۶۶ در صبح روز عید قربان در یک مأموریت هوایی به درجه رفیع شهادت نایل گشت.

بچه‌ها پس ما باید همیشه در زندگی یاور محروم‌مان و مستضعفان باشیم و کسانی که برایشان مشکلی پیش می‌آید و نیاز به کمک ما دارند به آن‌ها کمک کنیم. شما هم برای این که به کسی کمک کرده باشید یک پسر بچه برایش مشکلی پیش آمده، مشکل را بفهمید و به او کمک کنید.

کریس:

مسافر مهربان

نموده:

سیره اهل بیت - علیهم السلام -

هدف گاری:

دانشآموزان در این درس با سیره عملی و رفتاری امام رضا^{علیه السلام} آشنا می‌شوند.

اهداف چریکی:

دانشآموزان در این درس با موارد زیر آشنا می‌شوند:

۱. علم و آگاهی امام رضا^{علیه السلام}؛
۲. دوست و دشمن در کلام امام رضا^{علیه السلام}؛
۳. فایده عمل به دستورهای بزرگان دین؛
۴. چگونگی آداب زیارت و دیدار با اولیای الهی.

هدف رفتاری (خروبی):

انتظار می‌رود دانشآموزان در پایان درس بتوانند با الگوگیری از سیره عملی امام رضا^{علیه السلام}، رفتاری متناسب داشته باشند.

روش‌های مناسب تدریس:

۱. توضیحی ۲. فعال: (قصه، شعر، همخوانی، مسابقه، بازی فکری)

رسانه‌های آموزشی:

کارت بازی، تخته سیاه، نقاشی و تصویر.

ماده‌های:

مربي گرامي در اجرا مطالب و بيان قصه و چگونگي آغاز و ختم برنامه، جذابيت و تأثير را حفظ كند و تناسب کلام را با مخاطب رعایت كند.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

مسافر مهریان

بچه‌ها سلام! حالتان چطور است؟ خوب خوب...

آیا تا به حال مسافرت رفت‌اید؟ کجا؟ اصفهان، شیراز، شمال.

آیا من دانید که سفر آداب دارد؟ مثل چی؟ بله، مثلاً

در سفر چه بخوانیم؟ دعا

در سفر چه بپردازیم؟ صدقه

در سفر چه کاری انجام دهیم؟ کمک

در سفر با چه کسی همراه باشیم؟ دوست مهریان

حالا به سوال‌های من جواب بدهید:

به آدمی که به سفر می‌رود، چه من گویند؟ مسافر

به آدمی که در آن شهر دوست و آشنا ندارد چه من گویند؟ غریب

به آدمی که همه را دوست دارد چه من گویند؟ مهریان

به آدمی که در راه خدا کشته شود چه من گویند؟ شهید

به آقایی که بزرگ و رهبر مردم است چه من گویند؟ امام

بچه‌ها فکر کنید کدام امام بزرگوار ما شیعیان هم مسافر بود و هم مهریان و هم غریب

و سرانجام شجید شد؟

همه با هم: امام رضا مهریان به ایران خوش آمدی.

حالا خدمت امام مهریان، علی بن موسی الرضا یک صلوات زیبای محمدی هدیه کنید.

دوست دارید یک قصه از مهریانی، از کمک به آفریده خدا... برایتان تعریف کنم.

بچه‌های عزیز بعضی وقت‌ها حیوانات هم نیاز به کمک یک مهریان دارند، مانند: جیک و جیک!

سلیمان سبد میوه را جلو امام گذاشت. گنجشک از روی شاخه پرید. در هوا بال بال زد. رفت و برگشت. آمد به دیوار چسید. چند بار جیک جیک کرد. پرید، چرخی زد. لحظه‌ای بعد برگشت. معلوم بود نگران است. امام نگاهی به گنجشک کرد. سلیمان می‌خواست چیزی بگوید. امام دستش را بالا آورد. سلیمان ساكت شد. نگرانی گنجشک بیشتر شده بود. تند تند می‌خواند. زود می‌رفت و باز بر می‌گشت. امام گفت: «می‌دانی چه می‌گویید؟» سلیمان لبخندی زد و گفت: «حتماً از آمدن ما ترسیده».

عجله کن سلیمان!

امام بلند شد. راه افتاد.

- زود باش. یک مار سمی به جوجه‌های این گنجشک حمله کرده است. سلیمان تعجب کرد. فوری کفشهایش را پوشید. به طرف چوب بلند و کلفتی رفت. پایش به سنگی گیر کرد و افتاد. برخاست. چوب را برداشت. کلبه را دور زد. به طرف ایوان رفت. مار سیاهی را دید که از دیوار بالا می‌رفت. زیانش را تکان می‌داد.

جريک! جريک!

جوچه‌ها می‌خواندند. دو گنجشک بالای سر مار می‌چرخیدند. نزدیک می‌شدند و تلاش می‌کردند به مار نوک بزنند، یا او را به دنبال خود بکشانند. سلیمان فوری نزدیک شد. چوب را بالا برد و محکم به سر مار زد. مار افتاد. دور خود حلقه زد. می‌خواست فرار کند که او با چند ضربه محکم مار را کشت. سلیمان مار را با نوک چوب، کناری انداخت. برگشتند. امام نشست. دو گنجشک آمدند. چند بار جیک جیک کردند و رفتند. گفت: «آمده‌اند تا تشکر کنند». بعد از امام پرسید: «شما چطور فهمیدید که گنجشک چه می‌گوید». امام تبسمی کرد؛ سلیمان می‌دانست. او فرزند پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بود، اما می‌خواست از زبان خود حضرت بشنود. نسیم ملايمی وزید. شاخ و برگ‌ها را نوازش کرد. آسمان آبسی بود. امام رضا صلی الله علیه و آله و سلم به آرامی گفت: «مگر نمی‌دانی که من نماینده خدا روی زمین هستم». سلیمان میوه‌ای برداشت. لبخندی زد و گفت: می‌خواستم از زبان خودتان بشنوم، سرورم^۱!».

چه کسی می‌تواند سریع بگوید که امام رضا صلی الله علیه و آله و سلم فرزند کیست؟ پدر کیست؟ بلی، فرزند امام کاظم و پدر امام جواد صلی الله علیه و آله و سلم است.

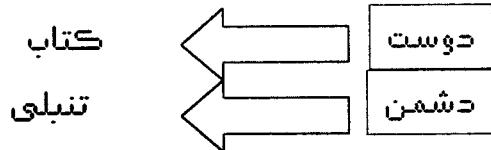
چه کسی می‌داند نام او چیست؟ بلی، نام او علی است و معروف به رضا صلی الله علیه و آله و سلم. خوب بچه‌ها! یک حدیث بسیار زیبا در باره دوست از امام رضا صلی الله علیه و آله و سلم برایتان نقل می‌کنم، که می‌فرماید^۲:

دوست هر انسان «عقل» او است و دشمنش «نادانی» اوست؛
 «صدیق کل امر» عقله و عدوه جهله»

۱. بخار الانوار، ج ۴۹، ص ۸۸ ح ۸ (باب ششم).

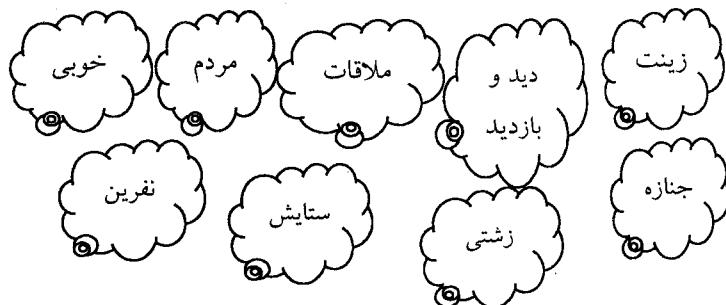
۲. ابن شعبه حرانی: تحف العقول، بصیرتی، قم، ص ۳۳۰.

حالا همه با هم فکر کنیم، تا چند دوست خوب و بد را پیدا کنیم:



اما حالا یک سبد گل از کارهای خوب داریم که روی کارت گل‌ها نوشته‌ایم:^۱
با گل‌واژه‌ها، حرف‌های امام رضا علیه السلام را کامل کنید:
امام رضا علیه السلام فرمود:

۱. با آشنایان خود به جا آورید.
۲. بیماران را نمایید.
۳. در همراهی حاضر شوید.
۴. ما باشید و آینه ما نباشید.
۵. کاری کنید که ما را دوست بدارند.
۶. هر را به سوی ما بکشانید و هر را از ما دور کنید.
۷. حمد و فقط برای پروردگار هستی است.



۱. مرتب گرامی کارت‌ها را به شکل گل تهیه کرده و جمله‌های فوق را بر روی تخته بنویسند و بجهه‌ها گل واژه‌ها را در جای خالی بچینند.

۲. محمد باقر، مجلسی، بخار الانوار، ج ۷۵، ص ۳۴۸

خوب دوست من! تا به حال حرم امام رضا^{علیه السلام} رفته‌ای؟ چند بار؟ رفتن تو به
حرم با آرامش و ادب بوده است، یا عجله و هل دادن؟!
اما یک دوست امام رضا^{علیه السلام} باید وقتی حرم می‌رود چند تا ادب را در زیارت
رعایت کند.

اول: با لباس پاکیزه و خوش بو باشد.

دوم: با وضو برود.

سوم: با آرامش و ادب راه برود.

چهارم: حرف‌های زشت و بی‌فایده نزند.

پنجم: هنگام وارد شدن به حرم دعای ورود را بخواند.

ششم: زیارت نامه را هم ایستاده بخواند.

هفتم: قرآن بخواند و ثواب آن را به امام رضا^{علیه السلام} هدیه کند.

پس برای زیارت امام رضا^{علیه السلام} باید با حال خوب با امام صحبت کنیم تا امام
ما را دوست بدارد. هنگام بازگشت نیز با امام خدا حافظی کنیم تا دیدار دیگر.

با هم زمزمه می‌کنیم:

قبله هشتم رضا

حجت هشتم رضا

بر جان نثارانت

یک دم نظر بنما

پناه در ماندگان

قبله گه عاشقان

بر جان نثارانت

یک دم نظر بنما

خبر خبر بچه‌ها به گوش باشید.

یکی از دوستان امام رضا^{علیه السلام} به ما خبر داده که: هرگز هرگز...

- ندیدم که امام رضا علیه السلام با حرف به کسی ستم کند.

- کلام کسی را تا پایان قطع نمی‌کرد.

- فقیری را از در خانه رد نمی‌کرد.

- پیش دیگران پایش را دراز نمی‌کرد.

- پیش کسی آب دهان نمی‌انداخت.

- خنده بلند نمی‌کرد.

- همیشه با تبسیم و خوشرو بود.

- به خدمتکاران حرف زشت نمی‌زد.

بله بچه‌ها! این امام معصوم و مهربان همراه با خواهرش حضرت معصومه (س) که هر دو افتخار ما شیعیان می‌باشند در سرزمین ایران اسلامی ، مهمان ما هستند.

ان شاء الله همه ما از دوستان واقعی آن‌ها باشیم. خدانگ‌ههدار - والسلام

کارتهای:

یاس وفا

هنر کسریع:

سیره اهل بیت - علیهم السلام -

هدف گلایی:

دانشآموزان در این درس با گوشاهای از زندگی امام جواد^{علیه السلام} و حدیثی از این امام آشنا می‌شوند.

آمده‌اف بجزیی:

دانشآموزان در این درس با موارد زیر آشنا می‌شوند:

۱. زندگی نامه امام جواد^{علیه السلام}؛

۲. علم امام جواد^{علیه السلام} و هدف امامان؛

۳. طرز برخورد با افراد جامعه و خانواده.

هدف رفتاری (خروبی):

انتظار می‌رود دانشآموزان در پایان درس بتوانند گوشاهای از زندگی امام جواد^{علیه السلام} را بیان کنند و ضمن حفظ حدیث در برخورد با مردم، روش محبت و دوستی را به کار گیرند.

روش‌های مناسب تدریس:

۱. توضیحی ۲. فعال: (شعر، جدول، معما، سؤال و جواب ، بازی با کارت و...)

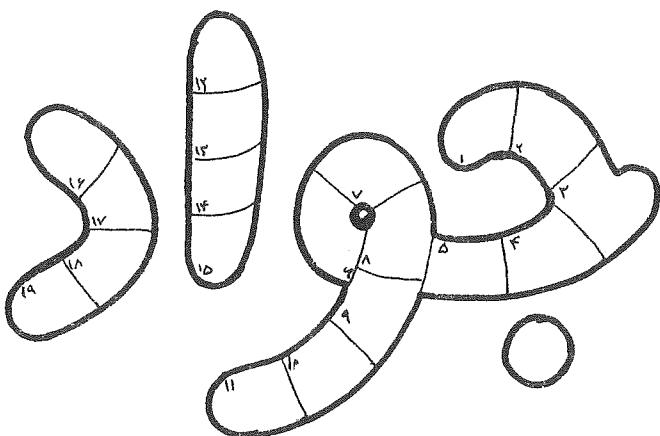
رسانه‌های آموزشی:

۱. تابلو «تخته و گچ» ۲. طرح کارت

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

یاس و چ

آغاز هر کلامی نام تو بر زبانم ستایش تو گویم خدای مهربانم
سلام؛ حال شما خوب است! حواس شما جمیع است! آماده‌اید تا برنامه را
شروع کنیم؟ اما یک شرطی دارد و آن این که اول برای سلامتی دوست کناریات
که ساکت شده تا تو برنامه را خوب گوش کنی یک صلووات محمدی بفرستی.
ای زاده رضا، عشقت مرام ما بر کاظمین تو، بادا سلام ما
منظور کدام امام است؟ بله، امام جواد^{السَّلَّـا}
تو یار شیعه‌ای، غمخوار شیعه‌ای، دلدار شیعه‌ای
نور خدا جواد، یاس وفا جواد، مولای ما جواد
جدولی داریم با نام جواد، با چند سؤال جدول را پر می‌کنیم تا بینیم چه
کلامی از امام جواد^{السَّلَّـا} به دست می‌آید.



امام جواد^{علیه السلام} چندمین امام است؟ ۹

حالا بگویید امام جواد^{علیه السلام} در کجا به دنیا آمد؟

مدينه (۷، ۹ و ۱۲)

بعد از شهادت امام رضا^{علیه السلام}، از طرف خداوند و پیامبر، ایشان به چه عنوانی معرفی شدند؟

امام (۱۰، ۱۱ و ۱۳)

در آن زمان امام جواد^{علیه السلام} کودک بود، برای همین خیلی از مردم فکر می‌کردند او نمی‌تواند به عنوان امام معرفی شود و امام باید از لحاظ سنی بزرگ باشد. پیرمردی بالای منبر نشسته بود و صحبت می‌کرد. پیر و جوان گوش می‌کردند. مسجد شلوغ بود. آهسته حرف می‌زد، صدایش می‌لرزید. سخنانی که از پدرش، امام صادق^{علیه السلام} شنیده بود، می‌گفت. چند پیرمرد اشک می‌ریختند. پیشوای شیعیان که شهید شده بود، آن‌ها جوان بودند. فرزند امام صادق^{علیه السلام} شیرین صحبت می‌کرد. علی پیر یکباره ساكت شد. کسی وارد شد. نوجوان بود. پیرمرد از منبر پایین آمد. نگاه‌ها به طرف در برگشت. نوجوان از اقوام او بود. پیرمرد آهسته به طرف او رفت. نوجوان هم پیش آمد. پیرمرد خم شد. سلام کرد. دست او را گرفت. هر دو برگشتند. محمد گفت: «عموجان بنشین». پیرمرد با احترام اشاره کرد و گفت: «سرورم من چطور بنشینم و شما ایستاده باشید». خواهش کرد بنشیند. بعد خودش کنار او زانو زد و خواست برایشان صحبت کند؛ اما محمد اصرار کرد تا پسرعمویش سخن بگوید. همه متظر بودند. چند پیرمرد گفتند که علی پیر صحبت کند. بعد نوجوان برخاست. گوشہ مسجد ایستاد. دو رکعت نماز خواند. بعضی به پیرمرد با ناراحتی نگاه می‌کردند، اما نمی‌خواستند تا وقتی محمد هست چیزی بگویند. به وصیت پدرش او پیشوای مسلمانان شده بود. علی پیر

۱. در خانه شماره ۷ دو حرف م د را کنار هم می‌نویسیم.

محو تماشای امام بود. به یاد پدرش افتاد. چقدر شیه او بود. قطره اشکی بر گونه اش غلتید. وقتی امام رفت. با حسرت آهی کشید.

- علی تو بزرگ خاندان هاشم هستی!

این را پیرمردی گفت. بلند شد و ادامه داد: «حیف از رفتار تو با این نوجوان». مردی دیگری گفت: «تو نباید پیش دیگران چنین به او احترام می گذاشتی». چینی به پیشانی پیرمرد افتاد. عصا در دستش می لرزید. با ناراحتی بلند شد. همان طور که از میان جمعیت می گذشت، گفت: «ساكت باشید. خدای بزرگ مرا با این ریش سفید شایسته امامت ندانست، او را برگزید». لحظه ای ساكت شد. به طرفی رفت که امام رفته بود. آفتاب داخل مسجد می تایید. در آفتاب ایستاد و گفت: «می خواهید برتری او را قبول نکنم. از حرفهای شما به خدا پناه می برم». هیچ کس سخنی نمی گفت. پیرمرد بیرون رفت. همه به حرفهای بزرگ خاندان هاشم فکر می کردند.

عده ای می گفتند او کودک است و نمی تواند جواب سؤال های ما را بدهد، ولی هر زمانی که سؤالی می کردند، امام جواد^{علیه السلام} به راحتی جواب می داد. مردم نیز به علم و دانش امام پی می بردن و خیلی از بزرگان از رفتار و عبادت و علم امام «دری» (۱۶ و ۵) می گرفتند. خلیفه عباسی بعد از مدتی، امام را به بغداد آورد. تا ایشان را تحت نظر بگیرد. بعضی از مردم، به ویژه خلیفه عباسی، یعنی معتصم، چشم هایش را بسته بود. مثل آن پرنده ای که سر خود را زیر برف می کند تا جایی را نبیند. آن کدام پرنده است؟ بله، «کبک» (۱، ۲ و ۸) و این قدرت خداوند را نمی دید. خلیفه از این که مردم کثار امام جواد^{علیه السلام} هستند و امام مردم را نسبت به کارهای بد خلیفه آگاه می کند، ناراحت می شد، زیرا امام با تمام دار و

«ندار» (۴، ۱۸، ۱۹ و ۱۵) خود به مبارزه با خلیفه آمده بود. برای همین معتقد با همدستی زن امام جواد^{العلیله}، ام الفضل، دختر مأمون او را با سم مسموم نمود و برای این که کسی صدای ناله امام را نشنود، دستور داد تا زنان دست بزنند. امام در خانه خود و به دست همسر خود به شهادت رسید. امام در آن زمان چند ساله بود؟ ۲۵ ساله، زود بگویید بیست و پنجمین حرف فارسی چیست؟ «ک» (۱۳) بدن پاک امام جواد^{العلیله} را کنار بغداد که اسم امروز آن «کاظمین» است در کنار امام موسی کاظم^{العلیله} به خاک سپردند. هدیه می‌کنیم به روح بلند امام جواد^{العلیله} صلواتی بر محمد و آل محمد.

برای پیدا کردن پیام جدول باید خانه‌ها را چهار تا چهار تا بشماریم.
تا من این جمله را می‌نویسم شما هم پیام را به دست بیاورید تا ببینیم امام جواد^{العلیله} یکی از علت‌های ناراحتی را چه می‌دانند.
.....ناراحتی به او روی می‌آورد.

پیام جدول: بله، امام جواد^{العلیله}: کسی که با مردم مدارا نکند، ناراحتی به او روی می‌آورد^۱

المَكْرُوهٌ	قَارِيَه	المُدَارَأَة	هَجَرَ	مَنْ
-------------	----------	--------------	--------	------

حالاً چه کسی می‌تواند معنای مدارا را بگوید^۲؟... (صلح با دوستان، دوست داشتن آنان، گذشتن از خطاهای آنها...).

۱. مربی با استفاده از کارت معادل کلمات فارسی را به عربی می‌گوید.

۲. بخاری، ج ۷۸، ص ۳۶۳.

۳. معانی که دانش‌آموزان عنوان می‌کنند را توضیح می‌دهد.

یعنی با هر کسی باید سازش و مدارا کنیم؟ نه؛ باید فقط با دوستان خداوند سازش و مدارا کنیم. یعنی سعی کنیم با آن‌ها مهربان باشیم و به آن‌ها کمک کنیم و با دشمنان خدا هرگز نباید سازش و مدارا نماییم.

حالا به این شعاری که می‌دهم خوب دقت کنید!

با آمریکای کافر	هرگز نکن مدارا
با پدر و با مادر	اما بکن مدارا
همیشه کن مدارا	با همسایه، خوب و بد
بکن همیشه دعوا	با اسراییل خائن
با آدمای ناجور	دوستی مکن تو هرگز
با اون بشو جور جور	رفیق خوب پیدا کن

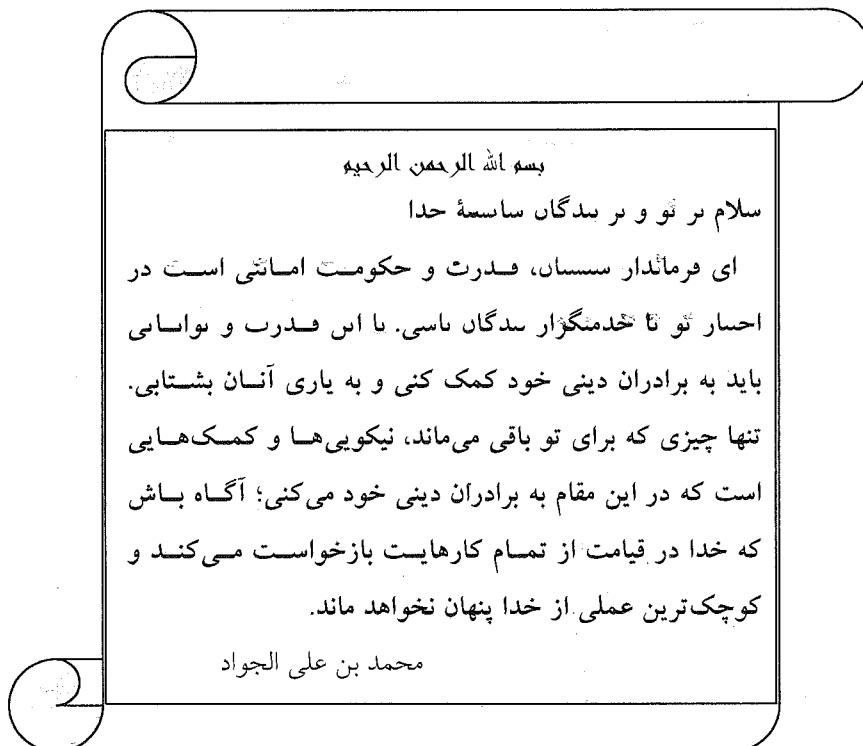
بله بچه‌های عزیز بعضی از وقت‌ها لازم است با دیگران مدارا کنیم و موارد اشتباه آن‌ها را ندیده بگیریم و گرنه به فرمایش امام جواد^{علیه السلام} ناراحتی به انسان روی می‌آورد و لحظه‌های شیرین انسان را تلخ می‌کند. به طور نمونه وقتی برادر یا خواهر کوچک‌تر، دست به وسایل شما می‌زند، اگر زود ناراحت شوید و شروع به دعوا کنید، هم برادر یا خواهرتان و هم پدر و مادرتان ناراحت می‌شوند و خودتان نیز مدتی ناراحت هستید و آخرش هم باید آشتبایی کنید. پس بهتر این است از اول با آن‌ها مدارا کنید تا...

و اما نامه‌ای که در دست من است از انسان بزرگی است که آن را آورده‌ام تا برای شما بخوانم. البته این نامه برای شما خیلی آشنا است^۱. حالا از یکی از دوستان شما خواهش می‌کنم تا این نامه را برای همه بخواند.

۱. مریمی می‌تواند نامه را درون یک پاکت نامه قرار دهد.

نامه‌ای به فرماندار^۱

وقتی که مراسم و اعمال حج پایان یافت از امام خواستم تا نامه‌ای به فرماندار شهر ما بنویسد و سفارش کند که با من خوش‌رفتاری و مدارا کند. امام جواد^{علیه السلام} قلم و کاغذ را برداشت و چنین نوشت:

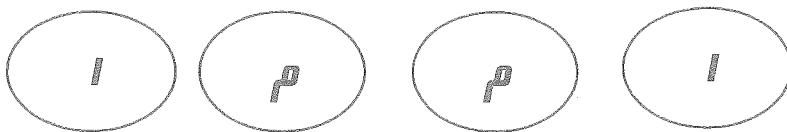


بعد از این نامه، فرماندار با من به نیکویی و مدارا رفتار نمود و از آن به بعد با همه مردم با عدل و انصاف رفتار می‌کرد^۲

۱. هنگام اجرا باید نقطه‌های ۲ سطر ابتدای نامه را پاک نمود و بدون نقطه باشد.

۲. گرفته شده از کتاب دینی چهارم ابتدایی.

حالا دوستانی که جواب سوال‌ها را دادند باید با این حروف یک کلمه و با این کلمه‌ها یک جمله بسازند.



رمز حروف: امام رمز کلمه‌ها: الگو و راهنمای است. (راهنمای و الگو است)
احسنست به دوستانی که رمز حروف و کلمه‌ها را به دست آورده‌اند. همان‌طور که دوستان شما این کارت‌ها را مرتب کردند، در زندگی باید از امامان الگو بگیریم و سعی کنیم مانند آن‌ها زندگی کنیم و از راهنمایی‌ها و صحبت‌های آنان استفاده کنیم.
دستها را بالا می‌آوریم و دعا می‌کنیم.

خدايا اي خدايا اي خدايا
خدايا اي خدايا اي خدايا

خدايا ريشه گن گن ظالمين را
زمين را پاک گن تو از بدیها
به حق احمد و آلس بر افراز
لوای رحمة للعالمين را
به جز حب على چيزی نداریم
برای ما همین را تونگه دار

کریس:

یاور بی پناهان

نمی فرمی:

سیره اهل بیت - علیهم السلام -

هدف کلی:

دانشآموزان در این درس با زندگی و سیره امام هادی ع آشنا می شوند.

اهداف جزئی:

دانشآموزان در این درس با موارد زیر آشنا می شوند:

۱. در کودکی به امامت رسیدن امام؛

۲. وظایف امام؛

۳. برخی از سخنان و دستورهای امام.

هدف رفتاری (خروبی):

انتظار می رود دانشآموزان در پایان درس بتوانند سیره عملی امام را سرلوحة زندگی خود قرار دهند.

روش های مناسب تدریس:

۱. توضیحی ۲. فعال: (جدول، کارت، سؤال و جواب، خط فانتزی)

رسانه های آموزشی:

۱. تخته و گچ ۲. کارت ۳. قرآن

لِيْلَةُ الْعَدَدِ

پیور بی پنahan

به نام او که رحمان و رحیم است
کتابش نور و پیغامش عظیم است
دوستان عزیزم! سلام علیکم، ان شاء الله حال همگی شما خوب باشد. خوب،
اگر آماده اید به چند سؤال آسان من جواب بدھید! خیلی زود

هوا

۱. همه یک نفس عمیق بکشیم چه چیز، الان خوردیم؟

آب

۲. اگر نباشد، همه از تشنگی می‌هیزند؟

دیروز

۳. روز قبل از امروز؟

یگانگی

۴. یکی از صفات خداوند که همان توحید است؟

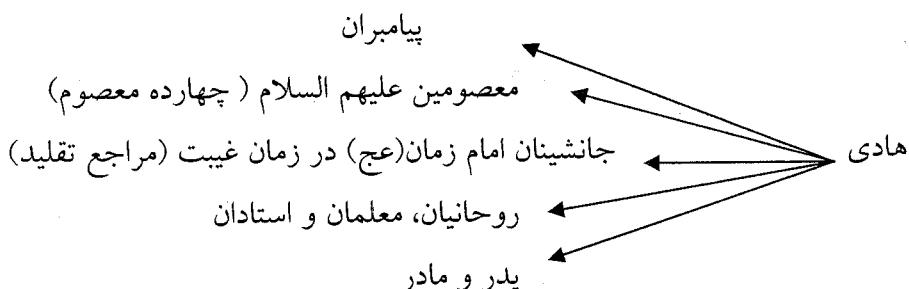
این جواب‌هایی که شما دادید یک رمز دارد. من این‌ها را روی تخته می‌نویسم
تا شما رمز آن‌ها را پیدا کنید. تند، زود، سریع:

اگر حرف اول همه جواب‌ها را به ترتیب کنار هم بگذاریم چه کلمه‌ای به
دست می‌آید.

هـ اـ لـ بـ = هـاطـهـ

هـادـی بـعـنـی چـهـ؟ هـدـایـتـ کـنـنـدـهـ

چه کسانی هادی هستند؟



بچه‌ها با شنیدن کلمه **هادی** به یاد کدام یک از شخصیت‌های بزرگ و با ارزش که یکی از امامان معصوم ما است، می‌افتد؟ بله؟ کدام یک؟ امام دهم ، امام علی النقی العلی که لقب آن حضرت **هادی** است. خوب حالا بگویید بینم پدر بزرگ امام زمان(عج) کدام امام است؟ **امام هادی** بعضی از امامان ما در کودکی به امامت رسیدند. من چند عدد روی تخته می‌نویسم و شما بگویید کدام درست است؟

۱۲

۱۰

۹

نه امام؟ خیر، ده امام؟ خیر، دوازده امام؟ خیر
بله، هر سه غلط است! با این که هر سه هم درست است! چطور؟ سه امام؛ امام نهم و امام دهم در ۸ سالگی و امام دوازدهم در ۴ سالگی به امامت رسیدند.
آیا من دانید چرا این امامان در کودکی به امامت رسیدند؟ جوابش را من می‌نویسم و شما بخوانید.

* * * * *

شُهادَة

شهادت چه کسی؟ شهادت پدرانشان، همه امامان ما به جز امام زمان(عج) به شهادت رسیدند، ولی چون دشمنان پدران این سه امام را خیلی زود به شهادت رسانیدند به همین جهت این بزرگواران در سن کودکی به امامت رسیدند.

پدر امام هادی^{العلیله}، امام محمد تقی^{العلیله} را در سن ۲۵ سالگی به شهادت رساندند، لذا امام هادی^{العلیله} در سن ۸ سالگی به امامت رسید.

آیا شما می‌توانید دو پیامبر که شیرخوار بودند نام ببرید؟

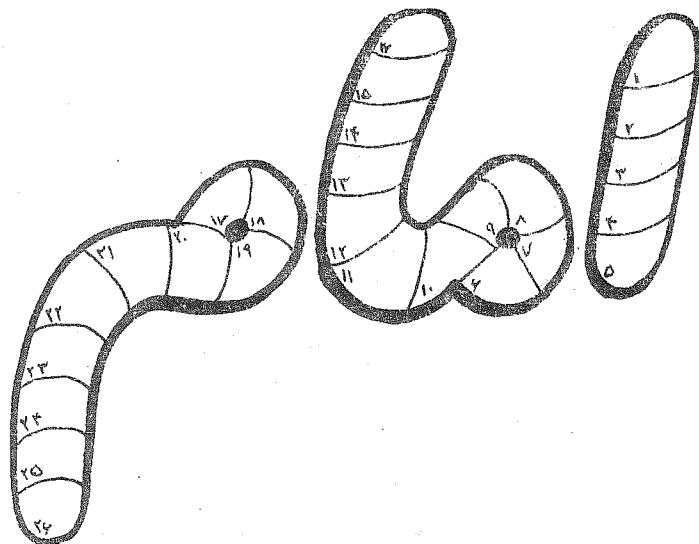
حضرت یحیی^{العلیله} و حضرت عیسی^{العلیله}.

برای خدا فرقی نمی‌کند که نبوت و امامت را به بزرگسالان بدهد، یا به کودکان. امام هادی^{العلیله} همه وظایف امام را به خوبی انجام می‌داد و هر کس هر سوالی داشت از آن حضرت می‌پرسید. پیرمردها، دانشمندان، جوانها، زنها و مردها همه از حضرت سوال می‌کردند. نیازمندان و بیچارگانی که هیچ کس به آنها کمک نمی‌کرد از راههای دور و نزدیک به سراغ امام علی النقی^{العلیله} می‌آمدند و با دست پُر بر می‌گشتند.

همه ظالمان و ستمگران از امام هادی^{العلیله} می‌ترسیدند، چون می‌دانستند آن حضرت همیشه با ظلم و ستم مبارزه می‌کند. آنها از ترسشان شب و نصف شب به خانه حضرت می‌ریختند و همه جا را بازدید می‌کردند تا بتوانند اسلحه‌های امام را پیدا کنند. گاهی آن حضرت را دستگیر می‌کردند و به زندان می‌بردند، اما امام باز هم دست از مبارزه خود برنمی‌داشت.

آیا می‌دانید یک امام چه وظایفی بر عهد دارد؟

با هم جدول زیر را حل می‌کنیم تا با وظایف امام آشنا شویم.



حرف اول جدول را نوشته و سه خانه سه خانه می‌شماریم تا پیام به دست آید.

پیام جدول: ۱- جنگ با ظلم، ۲- کمک مردم، ۳- حفظ دین، ۴- رهبری.

آیا می‌توانید با قرار دادن این واژه‌های به هم ریخت، یکی از دستورهای آن حضرت را

به دست آورید؟

زیادی

از او

خودپسند

گروه

کسی که

باشد

ناراضی

می‌شوند

بله، کسی که خودپسند باشد، گروه زیادی از او ناراضی می‌شوند.

من متن عربی حدیث را می‌نویسم.

«من رضی عن نفسه کثر الساخطون علیه»

حالا به دو دسته می‌شویم.

دسته اول، قسمت اول: «من رضی عن نفسه»

دسته دوم، قسمت دوم: «کثر الساخطون علیه» را جواب می‌دهند و تکرار می‌کنند.
 چه کسی حفظ شد؟ خیلی خوب.
 خسته شدید. برای اینکه خستگی از تن شما بیرون برود با هم به یک داستان
 زیبا گوش کنیم:
 نام داستان ما «نگین شکسته» است.

تا ضربه زد، رنگش پرید. یاقوت نصف شد و هر نیمة آن به طرفی افتاد. دستان
 یونس می‌لرزید. دو نیمه یاقوت را برداشت. نگاهی به بیرون کرد. کسی نبود. بلند
 شد. انگشت را در جعبه گذاشت. دو یاقوت را در پارچه پیچید. باید فرار می‌کرد.
 اگر نماینده خلیفه می‌رسید و می‌فهمید، جلو دکان گردنش را می‌زد. فوری دکانش
 را بست. اول صبح بود، قرار بود نماینده بیاید. با شتاب به خانه‌اش رفت. از
 همسرش خواست لوازم سفرش را بیندد. بیرون آمد. می‌دوید. خانه امام ته کوچه
 بود. همسایه خوبی بود. نزدیک در چوبی ایستاد. پشت سررش را نگاه کرد.
 احساس می‌کرد همه دیده‌اند چه شده، اما کسی در کوچه نبود. چند بار کوبه را
 کویید. خدمتکاری در را باز کرد و گفت: چه شده، مرد؟

یونس باز نگاهی به کوچه انداخت. فوری وارد شد و در را خودش بست.
 خدمتکار نگران شد. فکر کرد سربازها می‌آیند. با عجله خود را به اتاق امام
 رساند. یونس سلام کرد. زانو زد و با التماس گفت: سرور من! بهتر از شما کسی
 را نیافتم. وصیت می‌کنم که مواطن خانواده من باشید.

امام به چهره ناراحت یونس نگاهی کرد. خیلی نگران بود. او یکی از مردان
 خوب سامرہ بود. پرسید: «چه خبر شده؟».

جواب داد: «می خواهم فرار کنم». امام تبسمی کرد و گفت: «چرا؟» یونس جلوتر رفت. آهسته گفت: یکی از نمایندگان خلیفه نگینی فرستاد تا برآن نقش بزنم؛ اما شکست.

امام لحظه‌ای صبر کرد و گفت: «برخیز به خانه‌ات برو، مرد. جز خیر چیز دیگری نیست». یونس با تعجب به امام نگاه کرد. او فرزند پیامبر بود. حتماً بهتر می‌فهمید. امام سری تکان داد و دلداری اش داد.

یونس برخاست و بیرون رفت، اما به دکانش نرفت. به منزلش رفت. نگران بود. هر لحظه منتظر بود. غروب شد، اما خبری از نماینده نشد. شب هم خوابش نبرد. صبح نماز خواند، اما جرأت نمی‌کرد برود دکانش را باز کند.

ساعتی از روز گذشته بود که صدای درآمد. برخاست و از پنجره نگاه کرد. سربازی جلو در ایستاده بود. چشمانش سیاهی رفت. باید می‌رفت. کفش‌هایش را پوشید. نزدیک که شد، پرسید: «چه می‌خواهی؟»

موسی مرا فرستاده ببینم نگین را نقاشی کرده‌ای، یا نه؟
یونس سرش را خاراند. مانده بود چه بگوید. گفت: «صبر کنید تا برگردم». به طرف خانه امام رفت. تنده و تنده قدم برمه‌داشت. وارد منزل امام شد. حضرت در سایه نخل ایستاده بود و با خدمتکارش صحبت می‌کرد. سلام کرد و گفت: «فرستاده نماینده، نگین را می‌خواهد چه جواب دهم». امام با آرامش گفت: «خیر است».

- چه جوابی بدhem؟ اگر بفهمد مرا می‌کشد.

امام خندید و گفت: «برو ببین چه خبر آورده».

یونس نمی‌فهمید. بیرون رفت. سرباز را دید که هنوز ایستاده است. با همسرش صحبت می‌کرد. سرباز تا او را دید گفت: «کجا رفتی؟ چرا صبر نکردی؟» – بفرمایید.

سرباز با لهجه گفت: «فرمانده می‌گوید اگر می‌شود آن را دو نیم کن تا برای هر دخترش نگینی شود».

یونس نفس راحتی کشید. به طرف خانه امام نگاه کرد. می‌خواست پرواز کند و برود تشکر کند. فوری گفت: «بگو کمی صبر کند تا ببینم چطور این کار را باید انجام دهم».

سرباز که رفت. یونس به طرف خانه امام دوید، اما این بار خیلی خوشحال بود.^۱

۱. بخار الانوار، ج ۵۰، ص ۱۲۵. امالی طرسی، ص ۲۸۸.

کریم:

راز

نموده صریع:

سیره اهل بیت - علیهم السلام -

هدف گلایی:

دانشآموزان در این درس با گوشاهای از زندگی امام حسن عسکری العلیہ السلام آشنا می شوند.

اهداف چریقی:

دانشآموزان در این درس با موارد زیر آشنا می شوند:

۱. زندگی امام حسن عسکری العلیہ السلام؛
۲. شجاعت امام حسن عسکری العلیہ السلام؛
۳. حمایت و پشتیبانی مالی از شیعیان و مؤمنان.

هدف رفتاری (خروچی):

انتظار می رود دانشآموزان در پایان درس بتوانند سیره امام حسن عسکری العلیہ السلام را الگوی زندگی خود قرار دهنند.

روش های مناسب تدریس:

۱. توضیحی
۲. فعال: (شعر، جدول، سؤال و جواب ، داستان، راز گل)

رسانه های آموزنده:

تحته و گچ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

رَأْزُ

به نام خداوند رنگین کمان خداوند بخشندۀ مهربان

خداوند زیبایی و عطر و رنگ خداوند پروانه‌های قشنگ

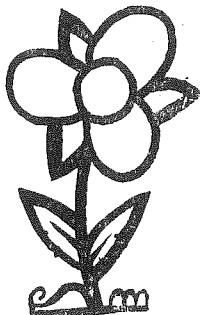
بچه‌های عزیزاً سلام عليکم، حال شما خوب است؟

آن کدام امام است که خود امام است و فرزند امام نیز هست، ولی پدر امامی نیست؟

امام حسن ع و امام زمان (عج).

آن کدام امام حسن است که پدر امام هم هست؟ احسنت، امام حسن عسکری ع.

نام پدر ایشان؟ امام در کجا به دنیا آمد؟



آیا من دانید چرا به امام حسن ع، امام یازدهم، امام عسکری می‌گفتند؟

به جهت این که دشمنان به قدری از آن حضرت می‌ترسیدند که خانه آن حضرت را در محله نظامی‌ها و ارتشی‌های خودشان قرار داده بودند تا همیشه آن حضرت را زیر نظر داشته باشند، اما امام حسن عسکری ع با شجاعت تمام و

بدون هیچ گونه ترسی در مدت شش سال امامت خود با سه نفر از حاکمان ستمگر مبارزه کردند تا آن‌ها یکی پس از دیگری از بین رفتد.

امام عسکری ع همانند پدران گرامی خود در توجه به عبادت خدا نمونه بود. به هنگام نماز از هر کاری دست می‌کشد و چیزی را بر نماز مقدم نمی‌داشت. «ابوهاشم جعفری» که یکی از یاران نزدیک آن حضرت است، می‌گوید: «خدمت امام عسکری رسیدم. امام مشغول نگارش متنی بود. وقت نماز که فرا رسید، امام نوشته را کنار گذاشت و به نماز ایستاد^۱».

عبدات امام عسکری ع دیگران را به یاد خدا می‌انداخت و گاه افراد گمراهی را عوض می‌کرد و به راه خدا می‌آورد. زمانی که امام ع در زندان بود، گروهی از عباسیان از زندانیان خواستند بر امام سخت بگیرد. و او نیز دو نفر از بدترین مأموران خود را بر امام گماشت، اما آن دو در اثر معاشرت با امام، دگرگون شدند و در عبادت و نماز به درجه بالایی رسیدند. زندانیان آن دو را فرا خواند و گفت: «وای بر شما! در مورد این مرد چه نظری دارید؟» آنان گفتند: «ما در باره کسی که روزها روزه است و همه شب مشغول عبادت است و به غیر عبادت سخن نمی‌گوید، چه بگوییم؟ او وقتی بر ما نظر می‌کند ما را لرزه می‌گیرد و کنترل خود را از دست می‌دهیم!».

آیا آماده‌اید با هم یک شعر در باره نماز بخوانیم؟

۱. بخار الانوار، ج ۵۰، ص ۳۰۴.

۲. مریبی از یکی از دانش آموزان می‌خواهد با صدای زیبا این شعر را بخواند و دو بیت اول را روی تخته بنویسد تا دانش آموزان بعد از هر بند آن را تکرار کنند.

وقتی سپیده سر زد	پیش از طلوع خورشید
از بام خانه پر زد	وقتی پرنده شب
رفتم وضو گرفتم	برخاستم من از خواب
یاری از او گرفتم	دست دعا گشودم
آمدندای توحید	از پشت بام مسجد
نور نشاط بخشید	بار دَگر به دلها
آهسته باز کردم	من جانماز خود را
راز و نیاز کردم ^۱	آنگاه با خدایم
«بابک نیک طلب»	

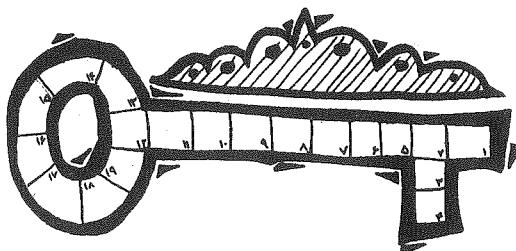
به این تصویری که من کشم دقیق کنید چیست؟



بله این تصویر کلید است. اما کلید چه چیزی؟ کلید خوبی‌ها یا بدی‌ها؟

آیا من دانید کلید خوبی‌ها چیست؟

بله، نماز، اما امام عسکری در باره کلید بدی و پلیدی جمله پرمعنایی دارند. آیا من دانید آن جمله چیست؟ پس این جدول را با هم حل می‌کنیم تا جمله آن حضرت را پیدا کنیم. رمز جدول عدد ۵ است.



۱. محمود پوروهاب، مجید ملا محمدی، پله پله تا خدا، ص ۱۴۰ - ۱۳۹.

خوب، جمله حضرت امام عسکری چه بود؟ دروغ کلید همه بدی‌ها است^۱. بله، اگر کسی بخواهد از گناهان نجات پیدا کند، باید دروغ را کنار بگذارد.

شخصی به خدمت پیامبر اکرم ﷺ آمد و گفت: «يا رسول الله! من فردی هستم که گناهان زیادی انجام می‌دهم و نمی‌توانم آن‌ها را ترک کنم. چه کار کنم؟» حضرت فرمود: «آیا می‌توانی دروغ نگویی؟» عرض کرد: «آری»، حضرت فرمود: «پس از الان به من قول بده که دیگر دروغ نگویی و هر کاری خواستی انجام بده». آن مرد قول داد که دروغ نگوید، اما وقتی خواست مرتكب دیگر گناهان بشود با خود گفت: اگر کسی از من بپرسد که آیا این گناه را انجام دادی؛ اگر بگویم آری، آبرویم می‌رود و اگر بگویم نه، دروغ گفته‌ام! پس اصلاً این گناهان را انجام نمی‌دهم تا به قولم وفا کرده باشم و همین امر موجب ترک همه گناهان او شد^۲.

حالا با هم به یک داستان شیرین و جالب به نام «ذذ سکه‌ها» توجه کنید:

اسماعیل سرک کشید. داشتند می‌آمدند. کفش خود را در آورد و در خرابه انداخت. امام و خدمتکارش نزدیک می‌شدند. مشتی خاک برداشت و روی لباس‌هایش ریخت. با حالت گریه گفت: «به من فقیر بدیخت کمک کنید». دستش را کج کرد. وقتی امام به او رسید، با ناله گفت: «ای مسلمانان به فکر من بیچاره هم باشید».

امام ایستاد. بوی عطر لباس پسر رضا را شناخت. نالید: وای! «کامل» خدمتکار امام نشست. گفت: «چی شده مرد؟» اسماعیل نگاهی به امام کرد و گفت: «کاش

۱. جعلت خبائث فی بیت و الکذب مفاتیحها، انوار البهیه، چاپ مشهد، ص ۱۶۰-۱۶۱.

۲. میزان الحکمة، ج ۸، ماده کذب، حدیث ۱۷۱۱۱.

به جای تو بوردم، غلام سیاه. شکم که سیر می‌شد». کامل برخاست. اسماعیل با التماس گفت: «به خدا سوگند من درهمی ندارم. اگر...» امام جلوتر رفت و گفت: «به دروغ قسم نخور، مرد! تو ذویست دینار زیر خاک پنهان کرده‌ای».

اسماعیل سر بلند کرد. پسر رضا از کجا می‌دانست؟ کامل پوزخندی زد. با اندوه دستش را دراز کرد و گفت: من یک درهم می‌خواهم تا نانی بخرم. عده‌ای دور آن‌ها جمع شده بودند. یک نفر سکه سیاهی انداخت. اسماعیل آن را برداشت و با ناراحتی گفت: «آن وقت حسن بن علی می‌گوید ذویست سکه طلا داری». امام تبسمی کرد. کامل راه افتاده بود برود. کسی گفت: «پسر رضا دروغ نمی‌گوید». اسماعیل گفت: «مگر من آبرو ندارم». آستین پاره‌اش را نشان داد و گفت: «ای ابو محمد، پدر تو بزرگوارتر از این بود».

امام خدمتکارش را صدا زد بعد گفت، برای این نیست که چیزی به تو ندهم. اسماعیل خوشحال شد. وقتی ابو محمد کمک می‌کرد یک سکه نبود. اما به خود پیچید. صدای امام را شنید.

- هر چه همراه داری به او بده!

- سرورم، به بازار می‌رویم تا...

اسماعیل نیم خیز شد. گوشه لباس کامل را گرفت و گفت: «چرا به حرف آقایت گوش نمی‌کنی؟» کامل دست در جیب کرد. دلش نمی‌آمد کیسه سکه را بدهد. احساس می‌کرد گذا به دروغ گریه می‌کند. امام باز گفت: «هر چه داری به او بده!» کامل کیسه را به او داد. اسماعیل آن را گرفت و دعا کرد، خدایا به این بندگان هزار سکه طلا بده که به من گرسنه کمک کردند و برخاست برود. امام گفت: «اما دینارهایی که مخفی کرده‌ای، وقتی نیاز داشته باشی آنها را نخواهی یافت».

اسماعیل ایستاد و گفت: «چه دینارهایی!» و داخل خرابه شد تا کفشه را بردارد. زمستان نزدیک بود. اسماعیل زمین را گود کرد. دینارهایش نبود. باید برای زمستانش گندم می خرید. خاک‌ها را بیرون ریخت. پارچه‌ای را دید که دور همیان پیچیده بود. از کیسه سکه خبری نبود. مدتی بود که پرسش، حارت فرار کرده و به بغداد رفته بود. با خشم گفت: «تو را می‌کشم، حارت! سکه‌های مرا می‌ذردی؟» گریه‌اش گرفته بود. چه باید می‌کرد^۱؟

۱. کشف الغمہ، ج ۲، ص ۴۱۳، بحار الانوار، ج ۵، ص ۲۸۰.

کارشن:

منجی

وین فریع:

سیره اهل بیت - علیهم السلام -

هدف گلی:

دانشآموزان در این درس با گوشاهای از زندگی امام زمان (عج) آشنا می‌شوند.

اهداف چریکی:

دانشآموزان در این درس با موارد زیر آشنا می‌شوند:

۱. مبارزه امام زمان(عج) با ستمگران و نجات انسانها؛

۲. مخفی بودن تولد آن حضرت و عجز دشمنان از دست یابی به ایشان؛

۳. دستگیری از افراد ضعیف و درمانده؛

۴. زیبایی اخلاق و سیرت آن حضرت؛

۵. وظیفه ما در زمان غیبت.

هدف رفتاری (خروبی):

انتظار می‌رود دانشآموزان در پایان درس بتوانند گوشاهای از زندگی امام زمان(عج) را بیان کنند و به وظایف خود در زمان غیبت عمل کنند.

روش‌های مناسب تدریس:

۱. توضیحی ۲. فعال: (کارت بازی، داستان، شعر، بازی با کلمات)

رسانه‌های آموزشی:

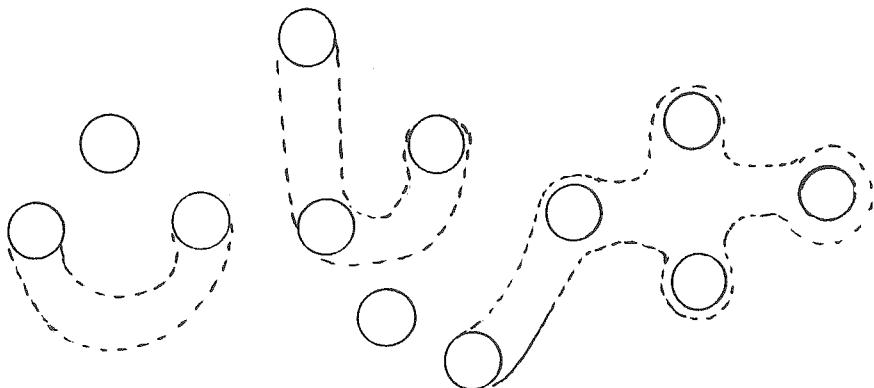
۱. تابلو «تحته و گچ» ۲. کارت

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

منتهی

سلام عليکم ! اول هر کاری را با نام چه کسی آغاز می کیم؟... بلندتر بگویید! بله، خدا! پس همه با هم می گوییم: «بسم الله الرحمن الرحيم» یعنی «به نام خداوند بخشندۀ مهربان» بخشندۀ چه چیزی؟ بخشندۀ همه نعمت‌ها.

آیا می توانید زود، تند و سریع دوازده نعمت از نعمت‌هایی را که خداوند به ما بخشیده است، نام ببرید؟ بگویید تا من روی تخته بنویسم ۱.



-
۱. مرتبی نعمت‌هایی را که بجهه‌ها می گویند در دایره‌هایی که خودش رسم می کند قرار می دهد و دایره‌ها را طوری طراحی می کند که از آنها کلمه مهربان ساخته شود و بعد از طرح سؤال آنها را به هم وصل می کند.

آن کسی که این نعمت‌ها و هزاران هزار نعمت دیگر را به بندگانش بخشیده است نسبت به آنها چیست؟ این دایره‌ها را به هم وصل می‌کنیم تا جواب این سؤال بدست آید! چه کلمه‌ای بدست آمد؟ مهریان!

مهریانی خداوند خیلی وسیع و گسترده است. زیرا خداوند هم در این دنیا به بندگانش مهریان است و هم در آن دنیا برای مؤمنین و یکی از مهریانی‌های خداوند، کمک به مردم در مقابل ظالمان و ستمگران است. خداوند با چه وسیله‌ای مردم را از دست ظالمان نجات می‌دهد؟ به این خطوطی که می‌کشم توجه کنید تا آن را حدس بزنید.

پیامبران ← می‌بینید

پیامبران همیشه در کنار مردم بودند تا آنها را آگاه کنند و در مقابل ستمگران به آنان کمک کنند. خداوند:

برای مردمی که نمرود ظالم حضرت ابراهیم را فرستاد.

برای مردمی که فرعون ستمگر به آنها ظلم می‌کرد حضرت موسی را فرستاد.

برای مردمی که پادشاهان روم و ایران به آنها ظلم می‌کردند حضرت محمد را فرستاد.

۱. مریبی از یکی از دانش‌آموزان می‌خواهد تا مهریانی خداوند را توضیح دهد.

بعد از پیامبر اکرم ﷺ خداوند برای مردمی که معاویه به آنها ظلم می‌کرد حضرت علیؑ را قرار داد و برای مردمی که یزید به آنها ظلم می‌کرد امام حسینؑ را قرار داد.

پس همه ما برای تشکر از خداوند این شعر زیبا را با هم جواب می‌دهیم.^۱

خدایا، خدایا تو خوبی تو خوبی	بدی نیست در نفس هستی خدایا
زمین و زمان را تو خوب آفریدی	خدایا خدایا تو ما را کمک کن
که از کینه، در مانماند نشانی	بگیر از همه فتنه و دشمنی را
به هر کس عطا کن دل مهربانی	خدایا زمین تو دیگر نیازی
به یک حال و روز خوش و تازه دارد	مدد کن که خوبی نگردد فراموش
بدی بس، خدایا، بد اندازه دارد ^۲	

« محمود کیانوش»

در این شعر از خدا چه خواستیم؟

۱- دشمنی‌ها از بین برود؛

۲. همه با هم مهربان شوند؛

۳. زمین حال و هوایی تازه بگیرد و خوبی‌ها جای بدی‌ها را بگیرد.

۱. مریب یا یکی از دانش‌آموزان شعر را با آهنگ (نوایی نوایی) می‌خواند و بچه‌ها پس از هر بند بیت اول را تکرار می‌کنند.

۲. اگر وقت کافی باشد، مریب این دو بند دیگر را هم بخواند.

خدایا خدایا جهان تو پر شد	اگر جسم ما شاخصاری است بدبار
به کردار و گفتار و اندیشه بد	خدایا خدایا تو ما را کمک کن
نداریم در جان خود ریشه بد	گذارد فرسو، خسوی خدایی بگیرد
که جان‌های ما روشنایی بگیرد	
شود پاک و خوبی خدایی بگیرد	

محمود پوروهاب، مجید ملامحمدی، پله پله تا خدا، ص ۱۹۲۰.

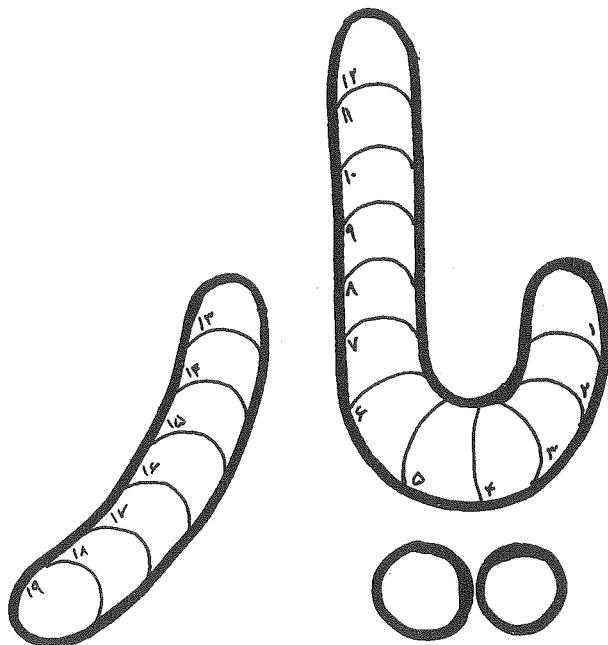
به نظر شما خداوند به وسیله چه کسی این کار را خواهد کرد؟ در این زمان که دیگر پیامبری نیست! و امامان یکی پس از دیگری شهید شده‌اند! خداوند یکی از امامان را برای نجات انسان‌ها ذخیره کرده و نگه داشته است که او امام دوازدهم حضرت مهدی، امام زمان (عج) است.

آیا می‌دانید امام زمان (عج) چگونه متولد شد و الان چگونه زندگی می‌کند؟ حضرت مهدی (عج) در شب نیمه شعبان به صورت مخفیانه به دنیا آمد. تنها خداوند و پدر بزرگوارشان، امام حسن عسکری بود که از تولد ایشان خبر داشت. حتی مادر آن حضرت هم تا لحظه‌های آخر، آثار حمل و بچه‌دار شدن را در خود نمی‌دید. بعد از تولد آن حضرت، هیچ‌کدام از دشمنان نتوانستند آن حضرت را ببینند و امام عسکری اللهم آن حضرت را فقط به افراد مؤمن و نیکوکار و مورد اعتماد خویش معرفی می‌کرد و نشان می‌داد.

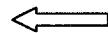
بعضی از دشمنان توانستند برای یک بار آن حضرت را ببینند! آیا می‌دانید چه موقع؟ پس خوب گوش کنید. در روزی که پدر امام زمان (عج) به شهادت رسید، ناگهان همه دیدند که یک کودک چهار ساله بسیار زیبا با یک عبای تمیز و عمامة زیبا جلو آمد و مقابل بدن مطهر امام حسن عسکری اللهم ایستاد و فرمود: «من باید بر جنازه پدرم نماز بخوانم». وی بر جنازه پدر بزرگوار خود نماز خواند و سپس داخل اتاق شد.

دشمنان وارد اتاق شدند تا آن حضرت را دستگیر کنند. دوستان و یاران آن حضرت خیلی ترسیده بودند، اما دشمنان هرچه داخل اتاق را جست و جو کردند، کسی را پیدا نکردند! فرمانده آن‌ها از ناراحتی فریاد می‌زد: «بسی عرضه‌ها! چطور شما نتوانستید یک کودک چهار ساله را دستگیر کنید!».

به نظر شما چرا آن‌ها نتوانسته بودند حضرت مهدی چهار ساله را دستگیر کنند؟ آفرین، چون آن حضرت با قدرت خداوند از همه چشم‌ها پنهان شده بود تا برای سال‌های زیادی سالم و زنده باقی بماند و به کسانی که به کمک او نیاز دارند، کمک کند و آنان را از چنگال ستمگران نجات دهد. او یار و یاور همه نیکوکاران است. خودشان در این باره جمله زیبایی دارند. با هم این جدول را حل می‌کنیم^۱ تا به آن جمله برسیم. این جدول ما دارای ۱۹ خانه است و در هر خانه، یک حرف است. اول با پاسخ به چند سؤال، حروف‌های این جدول را پیدا کرده و در جای خود می‌گذاریم و بعد آنرا حل می‌کنیم.



۱. مرتبی جدول «یار» با ۱۹ خانه را روی تخته رسم کرده و حروف را بعد از جواب دادن دانش‌آموزان در آن جایگزین کند.



مشهد (۱، ۲، ۴ و ۷)

ماه (۱۳، ۳ و ۶)

اسب (۱۰، ۸ و ۱۹)

یتیم (۱۵، ۱۸، ۱۲ و ۱۷)^۱

نهم (۱۶، ۹ و ۵)

هش (۱۱ و ۱۴)

۱. شهر امام رضا (ع)

۲. روشنی بخش شبها؟

۳. حیوان نجیب برای سواری؟

۴. کسی که پدر یا مادرش را از دست داده است؟

۵. بعد از مقام هشتم؟

۶. هوش بدون معز؟

رمز جدول ما عدد ۴ است. حالا با هم جدول را حل می‌کنیم.

پیام جدول چه بود؟ «من همیشه به یاد شما هستم».

این جمله ترجمه قسمتی از یک حدیث از حضرت مهدی (عج) است.

آن حضرت به یاد همه به ویژه یه یاد مؤمنان، نیکوکاران، مظلومان و بی پناهان هست. هر کس او را بخواند به کمک او می‌شتابد. او به همه مهربان است و همه آدمهای خوب به خصوص کودکان و نوجوانان را دوست دارد.

حالا اگر موافق باشید به یک داستان زیبا به نام «کبوتر دوستی» گوش دهید.

باد هر هو می‌کرد. باران شدیدی می‌بارید. کشتی کج و راست می‌شد. نزدیک بود غرق شود. مسرور به میله‌ای چسبیده بود و می‌لرزید. خیس خیس شده بود. جرأت نمی‌کرد میله را رها کند. دهانش را باز کرد تا کمک بخواهد. نتوانست فقط گفت: «آااا. بب... با... آااا...».

۱. مریم در بارهٔ یتیم و سفارش اسلام و نیز پیشرفت‌هایی که توسط شخصیت‌های بزرگی که یتیم بودند (مانند پیامبر اسلام (علیهم السلام)) به دست آمده توضیح بدهد.

پدرش فریاد می‌زد. به دنبال او بود. موج محکمی به تن کشته خورد و مسروور را پرتاپ کرد. پدرش تا او را دید، دوید و دستش را گرفت و داخل اتاق ناخدا برد.

از اهواز که راه افتاده بودند، هوا ابری بود. کم کم باد وزیله بود و طوفان شده بود. کسی امید به زندگی نداشت. ناخدا سعی می‌کرد سکان کشته را نگه دارد. کشته بالا و پایین می‌رفت و دور خود می‌چرخید. حال مسروور بد شده بود. سرش گیج رفت. محکم افتاد و دیگر چیزی نفهمید. وقتی چشم باز کرد که روی خشکی بودند.

هوا آفتابی بود. عمویش مقداری آب روی او پاشید. مسروور چشمانش را باز کرد. صدای پدرش را شنید: «شکر خد، به هوش آمد!». کمی بعد، مسروور بربخاست. لب‌هایش را به هم زد. نتوانست حرفی بزند. پدرش دست لاغر او را گرفت و هر سه نفر وارد شهر شدند. بغداد شهر بزرگی بود. خانه‌های زیبا و باشکوهی داشت. از چند کوچه گذشتند. بعضی خانه‌ها چند طبقه داشتند. پدر مسروور گفت: «تنها امیدمان به اینجا است. طبییان که نتوانستند معالجه‌اش کنند».

عمویش گفت: «سرورمان می‌تواند». بعد نگاهی به مسروور کرد. یازده سال بیشتر نداشت. چند سال پیش کرو لال شده بود. دلش برای پسر برادرش می‌سوخت. او پیشنهاد کرده بود که به عراق بیایند و از نماینده امام کمک بخواهند.

جلوی دری ایستادند. پدر کوبه را زد. پیرمردی بیرون آمد. عموم سلامش کرد. داخل شدند. پدرش، مسروور را نشان داد و گفت: «شما نماینده حضرت هستید.

پسر من لال و کر شده. نزد هر طبیبی رفته‌ایم. تنها امیدمان به امام است. از او بخواهید پسر مرا شفا دهد.».

پیرمرد از آن‌ها پذیرایی کرد. با مهربانی دستی به موهای مسرور کشید و گفت: «او را به حرم ببرید، شاید آقا کمکتان کند.».

بعد از ناهار بیرون آمدند. از بغداد ساعتی راه بود. کنار رودخانه خود را شستند. مسرور وارد آب‌های ولرم شد و آب تی کرد. بعد لباس‌هایشان را پوشیدند و به طرف حرم رفتند.

نزدیک غروب بود. حرم خلوت بود. مسرور کنار پنجره ایستاده بود. پدر و عمویش نماز می‌خواندند. مسرور خنده‌ید. جوانی را دید که وارد شد. او هم می‌خنده‌ید. جوان وارد اتاق شد. پدر و عمویش سر به سجده گذاشته بودند و گریه می‌کردند.

جوان نزدیک آمد. کنار مسرور نشست. با مهربانی دستی به صورت گرد مسرور کشید و گفت که صحبت کند. مسرور نمی‌فهمید چه می‌گوید. لب‌های جوان تکان می‌خورد. بعد برخاست و بیرون رفت. جوان در چهارچوب در ایستاد و برایش خنده‌ید.

مسرور می‌خواست او را به پدرش نشان دهد و گفت: «پدر!» پدرش که نماز را تمام کرده بود. جلو دوید. عمویش هم آمد. پدرش گفت: «تو بودی، مسرور؟!».

مسرور در را نشان داد و گفت: «شما هم آن جوان را دیدید؟».

هر دو برشاستند و به بیرون نگاه کردند. کسی نبود، اما بوی خوشی احساس می‌شد. پدر، مسروور را در آغوش گرفت و بوسید. گریه می‌کرد. مسروور نمی‌دانست چرا؟^۱

خوب بچه‌ها، ما در مقابل این همه مجرمانی و خوبی‌های آن حضرت چه وظیفه‌ای

خداد؟ داریم؟ ما این وظیفه را داریم
يعنى:

ف... خوبی، نیکی، خودسازی

ث... دعا برای ظهور آن حضرت

ج... آماده کردن خود و دیگران برای یاری آن حضرت

پس از همین الان باید وظیفه خود را انجام بدھیم، همه دست‌ها را بالا می‌بریم:
 اللهم ھن لولیکھ العجه ابن العسن طلواتکھ علیه و علی آباکه فی هذھ الساعۃ
 و فی کل ساعۃ ولیا و حافظا و قادرًا و ناصرا و دلیلًا و بیناً حقی تسلکنہ
 ارشکھ طویما و تعمقہ فیها طویلا .

۱. شیخ طوسی، الغیب، ص ۱۸۸.

أحكام

کاریزیس:

پاکی‌ها

مینه‌ضمیع:

احکام

هدف گلایی:

دانش آموزان در این درس با بعضی از نجاسات و مطهرات آشنا می‌شوند.

اهداف جزئی:

دانش آموزان در این درس با موارد زیر آشنا می‌شوند:

۱. نجاسات: خون، ادرار، مردار، سگ؛
۲. مطهرات: آب، آفتاب، زمین.

هدف رفتاری (خروبی):

انتظار می‌رود دانش آموزان در پایان درس بتوانند از نجاسات پرهیز کنند.

همچنین چیزهای نجس را بتوانند آب بکشند.

روش‌های مناسب تدریس:

۱. توضیحی ۲. فعال: (نمایش، بازی با کارت، تصاویر، مسابقه)

رسانه‌های آموزشی:

۱. تابلو «تخته و گچ» ۲. کارت

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

پاگی ها

بعجه‌ها سلام! حال شما خوب است؟ بله، حواس‌ها چطور خوبه یا بد؟ حواس که خوب و بد ندارد، لابد حواس‌ها جمع جمع است، حاضرید؟ بله برنامه امروز را با یک نمایش که دوستانتان رحمت کشیدند و آماده کردند، آغاز می‌کنیم.^۱

دانشآموز اول: آخ دستم

دانشآموز دوم: چی شد؟

– دستم برید.

– دست را از دهانت بیاور بیرون، این کار گناه دارد.

– نه خیر، اصلاً هم گناه نیست، مگر من چکار می‌کنم؟

– تو داری خون دستت را می‌خوری و این گناه است.

– من که تا حالا نشنیدم. تازه من فقط انگشت دستم را می‌مکم.

۱. مریب محترم، از قبل با سه تن از دانش آموزان هماهنگی های لازم را به عمل می‌آورد و آنها را آماده می‌کند تا بتوانند نقش مورد نظر مریب را ایفا کنند. (دو دانش آموز مشغول ساختن کاردستی برای مدرسه هستند، آنها با قیچی و مقوا کار می‌کنند، اما ناگهان دست یکی از آنها بر اثر بی احتیاطی می‌برد. کمی خون می‌آید. دانش آموزی که دستش بریده، انگشتش را در دهانش می‌کند و آذرا می‌مکد)

- اگر قبول نداری برویم از پدر بزرگ^۱ بپرسیم.
- پدر بزرگ! سلام.
- پدر بزرگ: سلام به روی ماه شما پسرای گلم، مثل این که ... ناراحتی! چه شده
پسرم؟
- چیزی نشده، پدر بزرگ از انگشت دستم مقداری خون آمده است.
- ببینم عزیزم، چیز مهمی نیست. برو دستت را بشو و بیا تا برایت بیندم.^۲
- پدر بزرگ! آیا اگر یک نفر انگشتش زخمی شود، و آن را در حالی که خون
آمده است توی دهانش بگذارد و بمکد، گناه دارد؟
- اول بگذار من بروم گاز استریل و باند و بتادین بیاورم تا دستت را ضد عفونی
کنم و بیندم. خوب حالا خوب شد. بله پسر گلم، این کار گناه است.
- دیدی گفتم، چون خون نجس است و ما نباید آن را بخوریم.
- درست است پسرم، بعضی چیزها نجس‌اند و ما نباید آن‌ها را بخوریم و یا به
آن‌ها دست بزنیم و اگر روی بدن یا لباس ما ریختند، باید آنها را طاهر کنیم.
- پدر بزرگ طاهر کردن یعنی چه؟
- یعنی این که آن را بشویم و پاک کنیم.

۱. اگر دانش‌آموزان دخترند در اینجا بگویند، از مادر بزرگ بپرسیم.

۲. بچه‌ها پیش پدر بزرگ می‌روند. پدر بزرگ در حالی که عینک به چشم دارد، روی صندلی نشسته و مشغول
مطالعه است. مریم محترم به دانش‌آموزی که نقش پدر بزرگ یا مادر بزرگ را بازی می‌کند، یادآوری کند که او
باید مانند مادر بزرگ‌ها حرف بزند.

۳. دو دانش‌آموز به گوشه‌ای از کلاس یا اتاق می‌روند و وامنود می‌کنند که مشغول شستن دست زخمی شده
هستند، سپس نزد پدر بزرگ برمی‌گردند. آن وقت دانش‌آموزی که دستش زخمی شده است شروع به صحبت
می‌کند.

دانش‌آموزی که دستش زخمی شده است: «پدر بزرگ»

پدر بزرگ: «بله».

– آن چیزهایی که نجس هستند، چه چیزهایی هستند؟^۱

خوب گل‌های نازنینم، همان طور که دیدید و شنیدید دوستان از پدر بزرگ سوالی کرد. برای این که جواب پرسش را پیدا کنیم به سراغ یک مسابقه جذاب می‌رویم. ما در اینجا چند کارت داریم که روی هر کدام کلمه‌ای نوشته شده است.

حالا دو گروه انتخاب می‌کنم. هر گروه کنار یک سری از کارت‌ها قرار می‌گیرد. با شمارش معکوس من شروع به جداکردن کارت‌ها بکنید که نام چیزهای نجس روی آن نوشته شده است. هر گروهی که زودتر این کار را انجام داد، برنده است.^۲

خوب، حالا چه کسی دوست دارد در مسابقه ما شرکت کند؟ گویا همه می‌خواهند، شما بیا و شما و حالا دو نفر دیگر، شما و شما. خوب دو تا گروه داریم؛ گروه متقین و گروه صالحین. بچه‌ها یکبار همه با هم این دو گروه را تشویق کنید. احسنت.....

سگ

گربه

آب کثیف و بدبو

ادرار

حیوان مرده

خون

۱. در این قسمت نمایش تمام می‌شود و بازیگران با تشویق دانش‌آموزان از صحنه خارج می‌شوند.

۲. مریم محترم دو دسته کارت تهیه کنند (مثل هم) و روی هر کدام از کارت‌ها کلمه‌ای نوشته شود. حتی المقدور کارت‌ها در ابعاد ۲۵×۱۵ باشند و با خط خوش روی آنها نوشته شود. کلمات: خون، آب کثیف و بدبو، گربه، ادرار، حیوان مرده، سگ. ضمناً مریم برای راحتی کار می‌تواند دو عدد میخ به دو طرف تخته زده و یک طناب به دو سر آنها بینند تا دانش‌آموزان باگیره کارت‌ها را به آن آویزان کنند.

خوب، مثل این که این گروه زودتر کارت‌ها را جدا کرد، بینیم کدام کارت‌ها را جدا کرده‌اند؟

«خون»، بله خون از نجاسات است.

«ادرار»: دوستان! اگر یک داداش یا خواهر کوچولو که در بغل شما است، ناگهان... و لباس شما را خیس کند، چه باید کرد؟ چون ادرار از نجاسات است، باید لباس را شست. و همچنین اگر دست یا قسمت‌های دیگر بدنمان هم نجس شده است، باید آب بکشیم. پس ادرار هم از نجاسات است.

«حیوان مرده»: بچه‌ها فکر کنید که از کنار یک خیابان حرکت می‌کنید. ناگهان به یک ماهی مرده بر می‌خورید. اگر به آن دست بزنید، آیا دستان نجس می‌شود؟ خیر، چون ماهی خون جهنده ندارد، اما اگر یک گربه تو جوی آب افتاده باشد، آن نجس است.

«سگ»: بله، سگ هم از نجاسات است که اگر با دست تَر به آن دست بزنیم، چه باید کرد؟ باید دست را آب کشید. متأسفانه بعضی با سگ، بازی می‌کنند و با همان دست نجس به سر سفره می‌آیند و یا آن را آب نمی‌کشند و با آن دست نجسی که آب نکشیده‌اند و تَر است به چیزهای دیگر هم دست می‌زنند.

«آب کثیف و بدبو»: نجس هست یا نیست؟ نه، نجس نیست. آب برای این که در یک جایی حرکت می‌ماند، کثیف و بدبو می‌شود، اما نجس نمی‌شود. چنان آبی به جهت آلودگی باید از آن دوری کنیم و نیاشامیم.

بچه‌های گلم! گروه دیگر به جای آب کثیف، کارت «گربه» را جدا کرده است. گربه نجس است، یا پاک؟ نه، بچه‌ها گربه نجس نیست، اما یادتان باشد که به گربه دست نزنید، چون ممکن است مریض شوید. تازه اگر موی گربه هم به

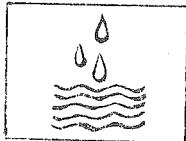
لباس‌های شما بچسبید، با آن لباس نمی‌توان نماز خواند. اگر با آن لباس، نماز خواندید، نمازتان باطل است، چون گربه از حیوانات حرام گوشت است و در نماز نباید در لباس آدمی مو یا پشم حیوان حرام گوشت باشد.

چون هر دو گروه زحمت کشیدند، آن‌ها را با تشویق اصفهانی بدرقه می‌کنیم.
خُبست، خُبست، خیلی خُبست.

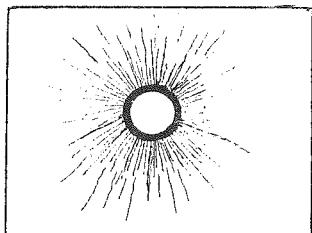
راستی اگر یادتان باشد، پدر بزرگ گفت که: اگر دست یا لباس کسی نجس شد، باید آن را طاهر کند. یعنی چه کار کند؟ پاک کند.

حالا سؤال: ما با چه چیز‌هایی می‌توانیم نجاست را پاک کنیم؟
به تصاویر نگاه کنید و به سؤال‌ها جواب دهید!

این تصویر چیست؟



بله، قطره آب. بچه‌ها «آب» یکی از مطهرات است. ما با آب می‌توانیم چیز‌هایی که نجس شده‌اند را پاک کنیم. مانند چه چیز‌هایی؟ لباس، ظرف، و... اما نه با یک

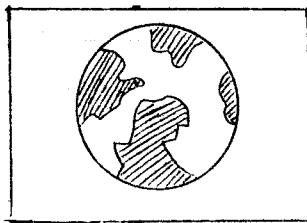


قطره و چند قطره، بلکه با آب شیر یا آب یک پارچ.
و اما تصویر دوم، بچه‌ها این تصویر چیست؟

۱. مری مختارم سه مستطیل مقوایی در ابعاد ۳۰×۲۰ تهیه کرده و روی هر کدام اشکال خورشید و شعاع آن را، یک قطره آب و کره زمین را نقاشی کند و آن‌ها را یکی به دانش آموزان نشان دهد.

برخی درست گفتند. تصویر خورشید و آفتاب است، «آفتاب» هم یکی دیگر از مطهرات است، اما چطور، یعنی اگر چیزی نجس شود، ما آن را جلوی آفتاب بگذاریم، طاهر می‌شود؟ نه، بلکه نور آفتاب برای چیزهایی پاک کننده است که ما نمی‌توانیم آن را آب بکشیم و در دسترس نیست، مانند دیوار یک ساختمان و یا زمینی که نمی‌توان آن را آب کشید و مثل پنجره ساختمان‌ها و میخی که در یک دیوار فرو رفته است. البته به شرط این که نجاست روی آن نباشد و آن قسمتی که نجس شده، تَر باشد. هر گاه آفتاب به آن بتاخد و آن را خشک کند، پاک می‌شود.

حالا تصویر سوم: این تصویر چیست؟



توب فوتیال، نه این توب فوتیال نیست، هندوانه؟ نه، هندوانه این طور نیست. این تصویر کره زمین است، بچه‌ها! کره زمین از مطهرات است؟ نه، «زمین» از مطهرات است.

آیا می‌توانید بگویید که چگونه زمین از مطهرات است؟

بله، اگر ته کفش شما نجس شده باشد، به طور نمونه از جایی رد شده‌اید که خون بوده است. حالا ته کفش شما خونی شده است. اگر از روی زمین خاکی با سنگفرش خشک حداقل ۱۵ قدم رد شوید و آن خون از بین برود در این صورت کفش شما پاک می‌شود.

خوب بچه‌های عزیز پس امروز به جز چند تا از نجاست، سه تا از مطهرات را هم یاد گرفتید.

اسم آن‌ها چه بود: آفتاب، آب، زمین.
 حالا به یک شعر زیبا توجه کنید.
 اگر بخواهی از تو
 سر نزند گناهی
 انجام نده تو هرگز
 هیچ کار اشتباهی
 باید که خوب بدونی
 احکام دین خود را
 تا اینکه رد نگرددی
 در امتحان فردا
 باید بدونی آیا
 این چیز، پاک پاک است
 یا باشد از نجاست
 تا نزنی به او دست
 هر چه که باید از او
 دوری کنی همیشه
 به او نمی‌گن نجاست
 بدتر از او نمی‌شه
 جزء نجاست شده
 غایط و بول انسان
 پس دور کن همیشه
 جسم و لباس را از آن

خونی که در رگ ماست
 باشد مفید و لازم
 باید از آن خوب خوب
 دوری کنی تو دائم
 سگ باشد از نجاست
 مثل چی؟ مثل خوکها
 اما به شرطی باشند
 تو خشکی نه تو دریا
 حیوونی که می‌میره
 نجس بدون همیشه
 هر چه بشویی آن را
 پاک می‌شی؟ نه نمی‌شه
 هر که نجاستها رو
 ز جسم خود دور کنه
 می‌تونه با این کارش
 دلش رو پر نور کنه
 راستی بچه‌ها یکه نجاست دیگر در این شعر آمده بود. آن کدام نجس است؟ غایط.
 چه کسی می‌داند غایط چیست؟ بلى، همان مدافع انسان و يا هر حیوان حرام
 گوشت است که نجس می‌باشد. برای همین وقتی به توالت می‌رویم، باید بدن
 خود را از نجاست مدفع و ادرار آب بکشیم.
 امیدوارم که از برنامه امروز استفاده کرده باشید و پس از دستشویی دست‌های
 خودتان را با آب و صابون بشویید تا پاک و پاکیزه باشید.

کارشنی:

وضو

نمودنی:

احکام

هدف گلی:

دانشآموزان در این درس با فلسفه وضو گرفتن و برخی از احکام آن آشنا می‌شوند.

اهداف جزئی:

دانشآموزان در این درس با موارد زیر آشنا می‌شوند:

۱. فلسفه وضو گرفتن؛
۲. شرطهای صحت وضو؛
۳. موارد وجوب وضو؛
۴. برخی از مبطلات وضو.

هدف رفتاری (خروبی):

انتظار می‌رود دانشآموزان در پایان درس بتوانند فلسفه وضو گرفتن را بیان کنند و بتوانند وضوی صحیحی بگیرند و در مواردی که لازم است با وضو باشند.

روش‌های مناسب تدریس:

۱. توضیحی ۲. فعال: (پرسش و پاسخ، کارت، جدول، شعر، داستان)

رسانه‌های آموزشی:

۱. تابلو «تحته و گچ»

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

وَفُرُجْ

وقتی که از خواب پاشدی
یا که به دوست رسیدی
وقتی که تو خیابان
آشنا و فامیل دیدی

پا سلام یادت نره
پا سلام یادت نره

پس ما هم می‌گوییم، سلام، سلام، سلام!
دوستان کوچک من! حالتان خوب است؟ همه سرحال و قبراقید؟ همه با هوش
هستید؟ حواس‌ها ناجمع است؟

وای! وای! بعضی‌ها گول خوردنده، اشکال ندارد. ان شاء الله که از شیطان گول
نخورید!

برنامه امروز را با یک سؤال آغاز می‌کنیم.

فکر کنید که می‌خواهید به دیدار یک شخص مهم و محترم بروید، آیا می‌شود
که با سر و صورت کثیف و نامرتب به دیدار او رفت؟ نه، نمی‌شود.
خوب حالا به من بگویید که ما در کجا با خداوند صحبت می‌کنیم؟ بله، در
نماز. پس حالا که می‌خواهیم با خدا صحبت کنیم، آیا می‌شود کثیف و آلوده

باشیم؟ نه، نمی‌شود. پس چه کنیم؟ باید خودمان را قبل از نماز پاک کنیم، اما با چه عملی؟ بله، با گرفتن وضو^۱.

حالا که فهمیدیم باید برای صحبت با خدا وضو بگیریم، یادتان باشد که باید وضوی صحیح بگیرید. شاید تعجب می‌کنید، مگر ما وضوی غیر صحیح هم داریم؟ بله، داریم.

وضوی صحیح شرط‌هایی دارد^۲.

باشد	آب
باشد	اعضا
باشد	با
باشد	به
باشد	اعمال
نباشد.	در اعضا

دوستان من! جمله‌هایی که در بالا مشاهده کردید، هر کدام یکی از شرط‌های وضو را بیان می‌کند. ما از اول شروع می‌کنیم:

آب پاک باشد.

بله، آب وضو باید پاک باشد. اگر آب نجس باشد، نمی‌توان با آن وضو گرفت.

۱. برگرفته از حدیثی از امام رضا(ع): لَنَّهُ يَكُونُ الْعِدْ... نقیاً من الأدناس و النجاسة...

۲. مرتب محترم ابتدا باید کارت‌هایی در اندازه‌های 25×15 تهیه کند و روی آنها کلمه‌های پاک، مطلق، مباح، قربت، ترتیب، پشت سرهم و مانع را بنویسد. سپس چند جمله که وسط یا اول آن خالی است را روی تخته بنویسد و سپس مانند درس، یکی کارت‌ها را در قسمت معین قرار دهد و برای بچه‌ها توضیح دهد.

آب مطلق باشد

بچه‌ها آب مطلق یعنی چه؟ یعنی آب خالص، بچه‌های گلم! گاهی آب خالص نیست. به تصویری که روی تخته می‌کشم دقت کنید، تصویر چیست؟ بله، هندوانه، چه ربطی به آب دارد؟ بچه‌ها آب هندوانه، آب مضاف است.



آیا من شود با آن وضو گرفته؟ نه، چون وضوی با آب مضاف باطل است.

آب مباح باشد

یعنی این که آب را از جایی برداریم که صاحب آن راضی باشد، به طور نمونه اگر صاحب باغ یا خانه‌ای راضی نباشد که ما از آن آب استفاده کنیم، وضوی ما صحیح نیست.

اعضا پاک باشد.

یعنی این که عضوهایی که ما در وضو می‌شویم و یا مسح می‌کشیم، پاک باشد و نجس نباشد.

با قصد قربت باشد.

یعنی این که وضو به قصد انجام فرمان خدا بگیریم، ولی اگر به قصد خنک شدن وضو بگیریم، وضوی ما باطل است.

به ترتیب باشد.

یعنی باید اعمال وضو به ترتیب باشد، اول شستن صورت، دوم شستن دست راست، سپس دست چپ، بعد مسح سر و سپس مسح پای راست و بعد مسح پای چپ.

اعمال پشت سر هم باشد.

یعنی بعد از شستن صورت، بلا فاصله دست‌ها را بشویم و بعد مسح سر و پاها را انجام دهیم و بین اعمال وضو فاصله نیندازیم.

در اعضا مانع نباشد

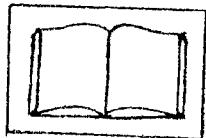
یعنی به طور نمونه بچه‌ها رنگ یا جوهری روی دست ما نباشد که مانع رسیدن آب به پوست دستمان شود.

حالا اگر تمام این شرط‌ها را رعایت کردیم وضوی ما صحیح است.

بچه‌ها یک سؤال: شما من دانید که وضو گرفتن برای نماز واجب است، چه کسی من تواند بگوید که وضو گرفتن برای چه کارهای دیگری نیز واجب است؟

راهنمایی می‌کنم: برای دست زدن به

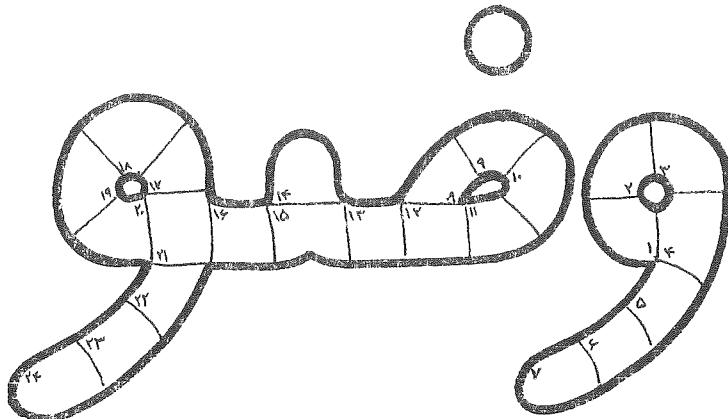
قرآن^۱، اگر کسی بخواهد به آیات و کلمات
قرآن دست بزند، باید وضو داشته باشد.



حالا یک سؤال دیگر: آیا کسی از شما من داند که چرا ما وضو من گیریم؟
چرا خدا آن را برابر ما واجب کرده است؟

برای رسیدن به جواب این سؤال، کلمه وضو را تبدیل به یک جدول می‌کنیم.
جدول ما ۲۴ خانه دارد. شما حرف خانه اول را منویسید و سپس ۶ تا ۶ تا
منی شمارید و حروف را کنار هم قرار من دهید تا این که پیام جدول به دست آید،
البته یادتان باشد که خانه ۲۴ را نشمارید. حالا شروع من کنیم.

۱. مربی محترم یک کارت تهیه کند و روی آن نقاشی از قرآن کریم بکشد و به بچه‌ها نشان دهد.



بله درست است، پیام جدول این جمله است:

«وضو گرفتن نشانه اطاعت از خدا»^۱

بله، دوستان من امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «علت وضو گرفتن این است که کسانی که اطاعت می‌کنند از کسانی که اطاعت نمی‌کنند، جدا شوند. البته اطاعت از چه کسی؟ بله، خداوند مهربان.

خوب حالا به یک شعر زیبا در باره وضو توجه کنید:

تیک و تیک و تیک

صبح شد بچه‌ها

با نام خدا

برخیزید از جا

برخیزید از جا

بالب خندان

سلام به بابا

سلام به مامان

۱. الامام البارق(ع): إنما الوضوء حد من حدود الله ، ليعلم الله من يطاعه و من يعصيه. برگرفته از حدیث.

شست و شوی دست

شست و شوی رو

با آب تمیز

بگیرید و ضو

بانماز صبح

با شکر خدا

می شود شروع

روز خوب ما

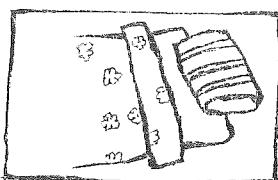
«مصطفی رحماندوست»

دوسستان خوبیم، چیزهایی هستند که وضو را باطل می‌کنند. چه کسی می‌تواند بگوید که چه چیزهایی وضو را باطل می‌کنند؟ پس بهتر است به داستان ما توجه کنید: بچه‌های گلم! وحید و وحیده خواهر و برادرند. هر دو عزیز مادرند. از کوچکی هم با پدر و مادرشان نماز می‌خوانندند، روزی وحید رفت تا وضو بگیرد و کنار پدر بایستد و نماز بخواند. وحیده به او گفت: «وحید چکار می‌کنی؟» گفت که دارم وضو می‌گیرم تا نماز بخوانم، وحید وضو گرفت و رفت توی هال، اما بچه‌ها! وحید هی بالا و پایین می‌پرید. وحیده به او گفت که چه شده است. گفت: «دلم درد می‌کند». وحیده گفت: «چرا؟»، گفت که آخر ۲ تا نوشابه خوردم. حالا باید برم به بچه‌ها! وحید دوید به طرف دستشویی. بعد از مدتی وحید در حالی که صورتش گل انداخته بود از دستشویی آمد بیرون. پدر گفت: «وحید بیا با هم نماز بخوانیم»، وحید، دوان دوان به طرف سجاده‌اش رفت و کنار پدر ایستاد، اما وحیده گفت: «وحید تو که وضو نداری»، وحید گفت: «چرا وضو دارم!

۱. مریم در این لحظه چهره خود را در هم کشد و نقش کسانی را بازی کند که دلپیچه دارند.

مگه ندیدی چند دقیقه پیش وضو گرفتم». وحیده گفت: «درست است که وضو گرفتی، اما وضویت باطل شد».

بچه‌ها اگر گفتید چرا وضوی وحید باطل شد؟ بله، بچه‌ها! آفرین به شما، چون که وحید رفت دستشویی؛ ادارک کردن و یا مدفوع موجب باطل شدن وضو می‌شود. بچه‌ها! وحیده یکی از مبطلات وضو را گفت، اما یکی دیگر از مبطلات وضو چه



چیزی است؟ بله، به تصویر نگاه کنید.

بچه‌ها این تصویر چه چیزی است؟

بله، یک بالش. بالش نشانه چیست؟

بله، خواب. یکی دیگر از مبطلات وضو، «خواب» است. اگر کسی وضو بگیرد و بخوابد، به طوری که نه چیزی را ببیند و نه بشنود، وضویش باطل می‌شود. گل‌های باغ بهشت چقدر خوب که ما همیشه وضو داشته باشیم، چون این کار خیلی ثواب دارد و مقام شما را در میان مردم بالا می‌برد. امیدوارم که از برنامه امروز استفاده کرده باشید.

والسلام

۱. مریم تصویری از تختخواب را به بچه‌ها نشان دهد یا یک بالش را به بچه‌ها نشان دهد.

تدریس:

چشن بادکنک‌ها

نموده صمیع:

احکام

هدف گلی:

دانشآموزان در این درس با برخی از مسائل احکامی آشنا می‌شوند.

اهداف جزئی:

دانشآموزان در این درس با موارد زیر آشنا می‌شوند:

۱. برخی احکام نماز;
۲. برخی احکام وضو;
۳. برخی احکام روزه;
۴. یک مورد از نجاسات.

اهداف رفتاری (خروچی):

انتظار می‌رود دانشآموزان در پایان درس بتوانند برخی از احکام را در باره نماز، وضو، روزه و نجاسات بیان کنند و به آن‌ها عامل باشند.

روش‌های مناسب تدریس:

۱. توضیحی
۲. فعال: (مسابقه، لطیفه)

رسانه‌های آموزشی:

۱. تابلو «تخته و گچ»
۲. کارت

السَّمْلَةُ الْكَبِيرُ

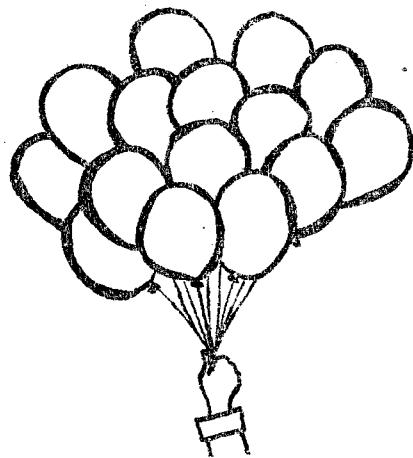
بیشون پار گنگ ها

یک نفمه لا اله الا الله است
گلبانگ محمد رسول الله است
در گفتن یک علی ولی الله است
با هر نفسی که در دل آگاه است
هر جا که بلند است ندای توحید
توحید و نبوت و امامت هرسه
بچه های گلم! سلام، حالتان چویه؟ ببخشید، جویه؟ چرا من امروز اینطوری
شدم، حالتان خوبیه؟ بله، احسنت به شما، حالا که حالتان خوب است مسابقه ای
شدم، حالتان خوبیه؟ بله، احسنت به شما، حالا که حالتان خوب است مسابقه ای
جذاب با هم اجرا می کنیم!

لابد تعجب کرده اید که چرا من امروز شبیه بادکنک فروشها شده ام. بچه ها!
عجله نکنید. ابتدا برای مسابقه باید ده نفر را انتخاب کنم. چه کسانی دوست
دارند در مسابقه شرکت کنند. خوب، گویا همه دوست دارند، شما بیا، شما بیا و ...

-
۱. مری محترم ۱۵ عدد بادکنک متوسط در رنگ های متنوع تهیه کند. سپس در کاغذ های مستطیل شکل که بشود آنها را تا و یا لوله کرد، جواب ده سوال و پنج کار را بنویسد: ۱. رکعت، ۲. سبحان ریس العظیم و بحمدہ، ۳. خواییدن، ۴. قیام، ۵. قنوت، ۶. خنديiden با صدای بلند، ۷. حمد و سوره، ۸. فروبردن سر در آب، ۹. خون، ۱۰. آب پاک باشد، ۱۱. دو دور، دور خودت بچرخ، ۱۲. یک لطیفه بگو، ۱۳. یک شیرینکاری انجام بده، ۱۴. به سه شکل بختن، ۱۵. سه بار بگو: «اردکی در کودکی در آمبولانس می خورد آدمیس، می زد بالاتس».
 - آن گاه آنها را داخل بادکنکها بگذارد و بادکنکها را باد کند و سر آنها را با ناخ به شکلی بیندد که دانش آموزان به راحتی بتوانند آن را باز کنند و کاغذ را خارج کنند، سپس همه بادکنکها را به یک چوب بسته (مانند بادکنک فروشها) و با خود به کلاس ببرد.

این هم از ده نفر شرکت کننده، بینندگان عزیز هم با دقت به مسابقه توجه کنند که اگر سؤالی را شرکت کنندگان نمی‌دانستند، از شما پرسم. در ضمن خوب هم تشویق و راهنمایی کنید.



و اما مسابقه: همان طور که اینجا می‌بینید ما ۱۵ عدد بادکنک در رنگ‌های مختلف داریم، در داخل هر کدام از این بادکنک‌ها یک کاغذ لوله شده است. من از هر نفر یک سؤال می‌پرسم. شرکت کننده باید با راهنمایی تشویق کنندگان، یک بادکنک را انتخاب کند، سپس نخ آن را باز کند. کاغذ را در بیاورد و اگر جواب درست بود، همان بادکنک مال او می‌شود، اما اگر درست نبود، باید کاغذ را به درون بادکنک برگرداند و بادکنک را باد کند و سر جایش قرار دهد. همچنین بعضی از بادکنک‌ها هم یک کار از شما خواسته شده است که اگر آن را درست انجام دهید باز هم بادکنک مال شما می‌شود. آماده‌اید؟

نفر اول: یکی از واجبات نماز است؟ خوب کدام بادکنک را انتخاب می‌کنی؟
بچه‌ها شما هم او را راهنمایی کنید.

بادکنک آبی. کدام آبی؛ این آبی، یا آن یکی؟ بله، خوب حالا بازش کن، جواب را بخوان. دو دور، دور خودت بچرخ. بچه‌ها! جواب درست نیست. دو دور، دور خودت بچرخ. بچه‌ها تشویق کنید.

نفر دوم: شما همان سؤال را باید پاسخ دهید. کدام بادکنک؟ بله، بادکنک زرد. حالا بازش کن و جواب را بخوان. درست است: «قیام»، آفرین بچه‌ها تشویقش کنید. شما اولین برندهٔ ما هستید.

نفر سوم: ذکر رکوع است؟ کدام بادکنک؟ بادکنک سبز، آن را باز کن و جواب را بخوان: «قنوت». نه بچه‌ها! جواب غلط است. آن را داخل بادکنک بگذار و بادکنک را باد کن و سر جایش بگذار.

نفر چهارم: شما همان سؤال را پاسخ بده. کدام بادکنک؟ قرمز، بفرما و درش را باز کن: «سبحان ربی العظیم و بحمدہ». تشویقش کنید، درست گفت.

نفر پنجم: یکی از شرایط صحیح بودن وضو است؟ کدام بادکنک؟ بادکنک آبی، بازش کن و بخوان. به سه شکل بخند. خوب بچه‌ها! این دوستمان جواب سؤال را پیدا نکرد، اما باید به سه شکل بخندد. برخی بچه‌ها استارتی می‌خندند، بعضی‌ها.... شما باید به سه شکل بخندی، تشویقش کنید.

نفر ششم: همان سؤال را باید جواب دهی. کدام بادکنک؟ نارنجی، بازش کن. حالا کاغذ را بیرون بیاور و بخوان: «آب، پاک باشد». احسنت، یکی از شرایط صحیح بودن وضو این است که آب پاک باشد. عزیزم تو می‌توانی بگویی که آب پاک باشد، یعنی چه؟ یعنی نجس نباشد. احسنت تشویقش کنید.

بچه‌ها تا حالا نفر دوم و چهارم و ششم جواب سؤال‌ها را درست گفته‌اند.

نفر هفتم: نمازگزار در نماز جماعت آن را نمی خواند؟ کدام بادکنک؟ نارنجی، حالا بخوان: «حمد و سوره»، بله، احسنت حمد و سوره. تشویقش کنید. خوب بگو ببینم پس حمد و سوره چه می شود؟ بله، امام جماعت می خواند و ما گوش می کنیم.

نفر هشتم: یکی از کارهایی که وضو را باطل می کند؟ کدام بادکنک؟ بله، بادکنک سبز، بازش کن. یک جمله در باره پاکیزگی بگو. بچه‌ها جواب سؤال نیست، اما باید یک جمله را بگوید. تشویقش کنید.

نفر نهم: شما همان سؤال را جواب بدء، کدام بادکنک؟ بادکنک سیاه، بازش کن. حالا بخوان: «خوابیدن»، بله درست است. بچه‌ها من این مورد را در بادکنک سیاه گذاشتیم، چون وقتی می خوابیم دیگر هیچ چیز را نمی بینیم و همه جا تاریک است. البته بچه‌ها یک چیز می بینیم. آن چیست؟ بله، خواب می بینیم. یکی از کارهایی که وضو را باطل می کند، خواب است.

نفر دهم: تعداد رکعت‌های نماز در هر روز؟ انتخاب کن. کدام بادکنک، بادکنک زرد، بازش کن و بخوان: «۱۷ رکعت». احسنت، تشویقش کنید، بگو چطور ۱۷ رکعت می شود؟ بله ۲ رکعت صبح، ۴ رکعت ظهر، ۴ رکعت عصر، ۳ رکعت مغرب و ۶ رکعت هم عشا.

خوب بچه‌ها! تا حالا چند نفر به سؤال‌ها پاسخ دادند؟ بله، نفر دوم، چهارم، ششم، هفتم، نهم و دهم. چند نفر کارهای دیگری انجام دادند؟ بله نفر اول دور خودش چرخید. نفر پنجم سه طور خنده دید و نفر هشتم جمله گفت. حالا چند تا بادکنک داریم؟ ۶ تا. چند شرکت کننده داریم؟

نفر اول (که جواب سؤال را اشتباه گفت): یکی از نجاسات است؟ کدام بادکنک؟ قرمز، بازش می‌کنیم. یک نمایش و پانتومیم کوتاه در باره نظم انجام بدنه. بچه‌ها جواب سؤال نبود، اما باید یک پانتومیم انجام بدهد.

نفر سوم: شما بگو کدام بادکنک؟ زرد. بازش می‌کنیم. جواب را بخوان: «خون». احسنت بچه‌ها! یکی از نجاسات، خون است. دوست خوبیم اگر خدای ناکرده دستت زخمی شد و خون آمد چه کار باید بکنی؟ بله، باید آن را بشویی و آن را تمیز و ظاهر کنی. بعد آن را بیندی، البته با گاز استریل و ماده ضد عفونی کننده.

نفر پنجم: شما باید بگویی که یکی از مبطلات روزه در کدام بادکنک است، کدام بادکنک؟ سفید، بازش کن. حالا بخوان: «خندیدن با صدای بلند»، بچه‌ها! اگر کسی با صدای بلند به صورت قهقهه بخندد، آیا وضویش باطل می‌شود؟ نه، نمی‌شود پس جواب را داخل بادکنک بگذار و باد کن و سرشن را بیند و سر جایش باطل.

نفر هشتم: شما جواب همان سؤال را بگو، کدام بادکنک؟ سبز، بازش کن، حالا بخوان: «فرو بردن سر در آب». بله بچه‌ها! اگر کسی تمام سر خودش را در آب فرو کند، مانند این که در تابستان گرم، کسی سرشن را از شدت گرما در آب حوض فرو ببرد. البته به شرطی که تمام سر در آب فرو ببرود، روزه‌اش چه می‌شود؟ باطل می‌شود. دوستان را تشویق کنید.

نفر اول که هنوز به سؤالی جواب نداده است، بگوید در کجا نماز دعا می‌کنیم که از مستحبات است؟ کدام بادکنک؟ سبز، بازش می‌کنیم. بله درست است: «قنوت». حالا ذکر قنوت را بخوان؟ ربنا آتنا فی الدنيا حسنہ و فی الآخرة حسنہ وقنا عذاب النار، احسنت دوستان را تشویق کنید.

اما نفر پنجم: شما بگو که یکی از کارهایی که نماز را باطل می‌کند، چیست؟
 کدام بادکنک؟ سفید، بازش کن. حالا بخوان: «خندیدن با صدای بلند». تشویقش
 کنید. بچه‌ها اگر کسی خدای ناکرده در نماز بلند بخندد، نمازش باطل می‌شود.
 بچه‌ها هر کدام از این دوستان به یک سؤال جواب دادند، اما یک بادکنک باقی
 مانده است. حالا از میان شما یک نفر را انتخاب می‌کنم تا این بادکنک را باز کند.
 شما بیا، در بادکنک را باز کن. حالا سه مرتبه بگو:
 «اردکی در کودکی در آمبولانس می‌خورد آدمی می‌زد بالانس». بگو، سه مرتبه
 بگو. بچه‌ها تشویقش کنید، حالا همه دوستان را که در این مسابقه شرکت
 کردند، تشویق کنید، جایزه آنها همان بادکنک‌های قشنگی است که در دستشان
 است.

امیدوارم که از برنامه امروز لذت برده باشید.

خداحافظ

لیوریس ۸

امانتداری

میراثی

احکام

هدف کلی:

دانشآموزان در این درس با برخی از احکام امانت و مال پیدا شده آشنا می‌شوند

اهداف چرکی:

دانشآموزان در این درس با موارد زیر آشنا می‌شوند:

۱. برخی از احکام امانت:الف - وجوب حفظ آن، ب - کوتاهی نکردن در حفظ آن، ج - در صورت کوتاهی جبران خسارت؛
۲. برخی از احکام برگرداندن مال به صاحب آن.

هدف رفتاری (خرچه):

انتظار می‌رود دانشآموزان در پایان درس بتوانند صفت امانتداری را در خود تقویت کنند و برخی از احکام آن را بیان کنند و همچنین برخی از احکام مال پیدا شده را نیز بیان نمایند.

روش‌های مناسب تدریس:

۱. توضیحی ۲. فعال: (حکایت، پرسش و پاسخ، پانтомیم، شعار، کارت)

رسانه‌های آموزشی:

۱. تابلو «تخته و گچ» ۲. کارت

لِسْمِ اللَّهِ الْوَهَّابِ

اماں تر اری

به نام آن که باشد مهربان تر برای ماز بابا و ز مادر
دھم پندت بکن آویزه گوش مکن هرگز خدای خود فراموش

بچه‌ها! سلام، حالتان خوب است؟ حواس‌ها جمع است؟ حالا که حواس‌ها
جمع است به یک معما جواب دهید:
زود و تند و سریع به من بگویید تسبیحات اربعه چند تا است؟
بله، دوست خودتان را تشویق کنید. تسبیحات اربعه سه تا است. وقتی که نماز
می‌خوانیم در رکعت سوم و چهارم در نمازهای چهار رکعتی، سه بار تسبیحات
اربعه می‌گوییم. بچه‌ها با هم بخوانیم!

خوب حالا چون بچه‌های خوبی هستید، برنامه را با یک حکایت آغاز می‌کنیم.
یکی بود یکی نبود غیر از خدا هیچ کس نبود. دو تا دوست صمیمی بودند به
نامهای وحید و سعید. بچه‌های گلم وحید و سعید هر دو با هم در کلاس چهارم
درس می‌خواندند، چون با هم همسایه بودند. هر روز که می‌خواستند به مدرسه
بروند، وحید به در خانه سعید که به مدرسه نزدیک‌تر بود، می‌آمد و با هم به
مدرسه می‌رفتند.

۱. مریم محترم در حال طرح این معما، تسبیح خود را هم نشان دهد.

یک روز که وحید در خانه سعید را به صدا درآورد، سعید با نیش‌های تا بناگوش باز شده، بیرون آمد. بعد از سلام، وحید گفت: «چه شده؟ چرا این قدر خوشحالی؟» وحید گفت: «آخه بایام به جهت نمره‌های خوبی که در درس گرفتم، برایم هدیه‌ای خریده است»، وحید گفت: «برایت چه خریده؟» سعید: «یک کتاب داستان فشنگ»، وحید گفت که آیا آن را به من امانت می‌دهی تا بخوانم؟ سعید گفت: «چرا ندهم وحید جان! تو دوست صمیمی من هستی»، آن گاه سعید کتاب را جلو آورد، اما آن را عقب کشید و گفت که باید قول بدھی که خوب از آن نگهداری کنی. وحید گفت: «قول می‌دهم».

آن روز وقتی که به خانه برگشتند، وحید کتاب را از کیفیش درآورد و مشغول خواندن شد که ناگهان خواهرش وحیده از راه رسید. وقتی کتاب را در دست وحید دید از او پرسید: «این چه کتابی است؟» بعد از جواب وحید، خواهر و برادر هر دو مشغول خواندن آن کتاب داستان جالب شدند. چندی نگذشت با صدای مادر به خود آمدند: «وحید، وحیده بیایید که وقت خوردن نهار است». وحیده بلند شد تا به مادر در چیدن سفره کمک کند. پدر هم آمده بود و سر سفره نشسته بود. وحید هم همراه کتاب سر سفره آمد. پدر گفت: «چه می‌خوانی؟» وحید گفت: «یک کتاب داستان جالب»، مادر گفت: «پسرم، الان وقت خوردن غذا است. کتاب را بیند و غذایت را بخور». وحید گفت: « فقط چند خط مانده تا تمام شود، بنابراین باز هم شروع به خواندن کرد. غذا آبگوشت بود، وحید در حالی که کتاب می‌خواند، قاشق را در کاسه آبگوشت فرو برد و یک قاشق از آن آبگوشت را بالا آورد تا در دهان بگذارد، اما چون سرش پایین بود، می‌دانید چه اتفاقی افتاد؟ بله، قاشق آبگوشت به بینی اش برخورد کرد و چشمندان روز بد نینبند،

آبگوشت چرب و روغنی روی برگ‌های کتاب ریخت. با صدای جیغ وحید همه به او نگاه کردند. مادر گفت: «نگفتم که سر سفره جای خواندن کتاب نیست». وحید سرش را پایین انداخته بود.

بچه‌ها! راستی می‌دانید وحید به چه چیزی فکر می‌کرد؟ بله، این فکر بود که به سعید چه جوابی بدهد، چون این کتاب به عنوان امانت در دستش بود و سعید آن را خیلی دوست داشت، اما حالا دیگر کتاب سعید آبگوشتی شده بود. وحید خیلی ناراحت بود. پدر به او گفت: «پسرم! چیزی را که امانت می‌گیری، باید خوب حفظ کنی. حالا این دفعه اشکالی ندارد. من یکی مثل آن می‌خرم تا به جای این کتاب به سعید بدهی.

خوب بچه‌های گلم! لاید متوجه شدید که برنامه امروز راجع به چیست؟

امانت
راجع به

اگر کسی به شما امانتی داد، شما چه وظیفه‌ای دارید؟

بله، احسنت باید از آن با دقت نگهداری کنیم و مثل وحید آن را آبگوشتی نکنیم.

یک سؤال دیگر: آیا می‌شود چیزی را که امانت گرفتیم به دیگری امانت بدهیم؟ احسنت، همه می‌گویند این کار ممنوع است. حالا که به این خوبی جواب می‌دهید، من چند تا سؤال می‌پرسم شما هم اگر جواب آن ممنوع است، بگویید: «ممنوع آی ممنوع»، و اگر ممنوع نیست، بگویید: «جایز آی جایز» آماده‌اید؟

- | | |
|---|----------------|
| ۱. آیا می‌شود امانت را کشیف و یا پاره کرد؟ | ممنوع آی ممنوع |
| ۲. آیا می‌شود امانت را به دیگری به امانت داد؟ | ممنوع آی ممنوع |

۱. مریمی محترم یک کارت در اندازه 20×15 تهیه کند و کلمه امانت را با خط خوش در آن بنویسد.

۳. آیا من شود چیزی را که به امانت گرفته‌ایم در حضور ما، دیگران هم از آن استفاده کنند؟
جایز آی جایز

بله، بچه‌ها در صورتی جایز است که صاحب آن راضی باشد، مانند کتابی که سعید به دوستش وحید داده بود. وحید نیز با خواهرش وحیده آن کتاب را خواند.

۵. آیا من شود امانتی که ما آن را برای ۲ روز قرض گرفتیم، یک هفته نگهداریم؟
ممنوع آی ممنوع.

بله، عزیزان من، ما باید امانت را سر وقت به صاحبش برگردانیم.
حالا یک سؤال دیگر: بچه‌ها! اگر کسی بخواهد به شما امانتی بدهد، به طور نمونه دوچرخه‌اش را امانت نزد شما بگذارد و شما می‌دانید که نمی‌توانید از آن مواظبت کنید، وظيفة شما چیست؟ بله، شما نباید آن امانت را قبول کنید.

امیدوارم که مدار امانتداری بر سینه همه شما قرار بگیرد، چون یکی از صفات مؤمن

امانتداری چیست؟ بله،

حالا همه با هم این شعار را تکرار می‌کنیم^۱:

وفادری به پیمان و امانت از اعمال بزرگ و خوب دنیاست^۲

امانت می‌کند ما را توانگر خیانت می‌کند بی چیز و ندار^۳

خوب گل‌های من در این قسمت از برنامه با کمک شما دوستان عزیز یک نمایش کوتاه آماده کرده‌ایم که توجه شما را به آن جلب می‌کنم. خوب به این

۱. برگرفته از آیه ۸ سوره مؤمنون: «الذین هم لاماناتهم و عهدهم راعون».

۲. مری مختارم هر دو شعار را روی تخته بنویسد و بچه‌ها دو گروه شوند، گروه اول شعار و گروه دوم شعار دوم را تکرار کند.

۳. برگرفته از حدیث: «الامانه والوفاء صدق الافعال».

۴. برگرفته از حدیث: «الامانه تجلب الغنى و الخيانة تجلب الفقر».

نمایش توجه کنید، چون بعد از آن می خواهم از شما سؤال هایی در باره نمایش
بپرسم!

کلاس دانش آموز به زیر نیمکت خم می شود تا پاک گش را که به زمین افتاده
بردارد که یک خودکار زیبا و گران قیمت می بیند، آن را برمی دارد. همه بچه ها
مشغول شیطنت و بازی گوشی هستند. هیچ کس متوجه او نیست. به اطراف نگاه
می کند و آن را در کیفش می گذارد. دقایقی بعد صدای آقای ناظم از بلندگوی
مدرسه به گوش می رسد.

ناظم: بچه ها! توجه کنید. یک خودکار طلایی رنگ گم شده است. هر کس آن
را پیدا کرده به دفتر بیاورد و تحويل بدهد.

(این پیام چند بار اعلام می شود)

دانش آموز خطاکار ناراحت است و وانمود می کند که مشغول خواندن کتاب
فارسی اش است. زنگ می خورد و همه متظرنند تا معلم به کلاس بیاید، ولی در
باز می شود و آقای ناظم وارد می شود.
یکی از دانش آموزان: بریا.

ناظم: بشنینید بچه ها! کسی خودکار احمد سعیدی را پیدا نکرده است؟ وقتی
جوابی نمی آید ناظم می گوید: «کیف ها را روی میز بگذارید و همه چیز را از توی
کیف بیرون بیاورید».

۱. مریم محترم باید شش نفر از دانش آموزان را انتخاب کند. ۵ نفر به عنوان دانش آموز و یک نفر هم در نقش
ناظم مدرسه. قضیه از این قرار است که یکی از دانش آموزان در زیر نیمکت خود یک خودکار خیلی زیبا و قشنگ
پیدا می کند و آن وقت آن را برای خود برمی دارد. دانش آموزی که خودکارش را گم کرده نزد ناظم مدرسه می رود
و جریان را تعریف می کند. ناظم با بلندگو اعلام می کند که خودکار یکی از بچه ها گم شده است هر کس پیدا
کرده.....اما پیدا نمی شود و ناظم به سر کلاس دانش آموزان می آید و می گوید: همه کیف ها روی میز...

ناظم چند کیف را نگاه می‌کند که ناگهان از انتهای کلاس صدای گریه‌ای بلند
می‌شود که می‌گوید: آقا به خدا، آقا به خدا....
خوب بچه‌های گلم! دیدید که چه شد؟ به نظر شما آن دانش‌آموز باید چه کار
می‌کرد تا این طور آبرویش نمی‌رفت؟
بله، او باید همان وقتی که خودکار را پیدا کرده بود آن را به دفتر تحويل می‌داد.
هر چیزی که ما پیدا می‌کنیم. مال ما، نیست. احسنت، باید آن را به صاحب
اصلی اش برسانیم.

بچه‌ها! اگر کسی چیزی را پیدا کند و به صاحبیش نرساند، گناه کرده یا نکرده؟
بله، اگر بداند که صاحبیش کیست و نرساند، گناه کرده است. و اگر هم نداند باید
آن را به بزرگترها بدهد و یا مثل امانت آن را حفظ کند تا صاحبیش پیدا شود.
امیدوارم که از برنامه امروز خوب استفاده کرده باشید. در پایان چند تا دعا
می‌کنم و شما هم بلند بگویید: «آمين».

آمين	خدایا به ما مهربانی بده!
آمين	خدایا دلی آسمانی بده!
آمين	به ما صبر و طاقت بده ای خدا
آمين	به ما عقل و عفت بده ای خدا ^۱

با صلواتی بر محمد و آل محمد برنامه را تمام می‌کنیم.

۱. اگر دخترند، حیای زهرابده.

بازیها

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

مقدمه:

اسلام به عنوان دین جامع و کامل به همه ابعاد وجودی انسان توجه نموده است. در نگاه دین، در کنار توجه به مسائل دنیوی و اخروی، به مسائل اوقات فراغت و تجدید قوای جسمی، فکری و ذهنی جهت بهره‌گیری کامل از اوقات زندگی توجه ویژه‌ای شده است.

بازی برای کودک علاوه بر آن که از ضروریات فطری و طبیعی زندگی کودک است، تفکر او نیز می‌باشد. لذا برای ساخته شدن شخصیت سالم نسل آینده ضروری است تا در دوران کودکی و نوجوانی به ورزش سالم و بازی‌ها و سرگرمی‌های گوناگون عنايت ویژه‌ای گردد.

در این مجموعه تلاش شده است تا تعدادی بازی‌های فکری و جسمی متناسب با مقطع ابتدایی آورده شده تا با کمک مربی گرامی، اوقات فراغت دانش آموزان به خوبی پر شده و با روحیه‌ای شاداب آماده بهره‌برداری از کلاس‌های آموزشی در طول دوره گرددند.

لازم به ذکر است که ۶ بازی در نظر گرفته شده است که برای هر هفته یکی از آن‌ها اجرا می‌گردد. در ضمن از خود بچه‌ها می‌خواهیم تا اگر بازی محلی خاصی در نظر دارند با هماهنگی مربی در آن ساعت خاص اجرا کنند.

گفتگی است که قسمت‌های زیادی از مجموعه بازی‌هایی که در دست شما است از کتاب «راهنمای بازی‌های ایران» اخذ شده است که با تغییرهایی در اینجا آمده است.

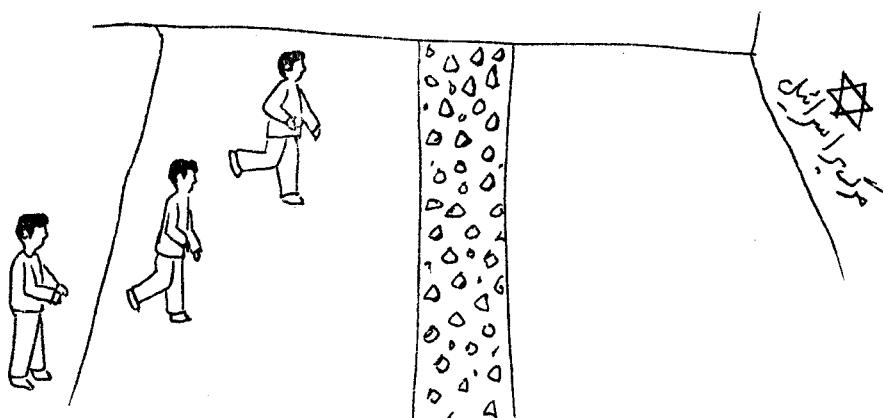
سنگ بردار

محل اجرا: فضای باز

ابزار بازی: مقداری سنگ ریزه

هدف: دشمن شناسی و تلاش برای ضربه زدن به دشمن.

شرح بازی: بازیکنان مقداری سنگ ریزه جمع می‌کنند و آن‌ها را کنار دیوار می‌ریزنند و خود در فاصله ده متری از دیوار در یک صفحه کنار هم می‌ایستند. با گفتن «شروع کن» توسط مربی، بازی شروع می‌شود. بازیکنان باید به حالت لی‌لی خود را به سنگ‌های کنار دیگر دیوار برسانند و با همان حالت و هر قدر که می‌توانند سنگ ریزه جمع نمایند. پس از یک دقیقه مربی می‌گوید: «بس» در این موقع بازیکنان باید بلافصله به طرف انتهای زمین به تابلوی اسراییل حمله ببرند و ضمن گفتن «مرگ بر اسراییل» تمام سنگ‌های خود را به طرف آن پرتاپ نمایند و سریع خود را به صفت اولیه برسانند. اگر کسی دیرتر برسد از بازی کنار خواهد رفت. بازی به همین صورت ادامه می‌یابد و نفر آخری که باقی می‌ماند، برنده بازی است.



برو به دنبال صدا

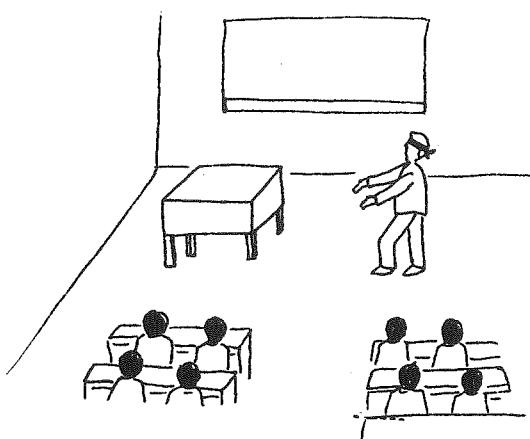
محل اجرا: فضای بسته

ابزار بازی: اشیای گوناگون، مانند ریگ، یا ساعت، مداد، کاغذ و...

هدف: گول نخوردن و استفاده از نعمت‌های الهی.

شرح بازی: دانش‌آموزان دور تا دور کلاس می‌نشینند. مریم اسامی دانش‌آموزان را روی کاغذ می‌نویسد. آن‌ها را به دو گروه تقسیم می‌کند و هر گروه در نیمی از کلاس قرار می‌گیرند. بعد یکی را انتخاب می‌نماید و به بیرون از اتاق می‌فرستد. ریگی یا شیء خاصی، مانند گل یا ساعت را طوری که همه بازیکنان ببینند در جایی پنهان می‌کند. آن گاه بازیکن داخل می‌شود و داور لحظه شروع بازی را یادداشت می‌کند. با فرمان داور، بازی شروع می‌شود. بازیکن به جست وجو می‌پردازد. بقیه بازیکنان گروه با نوعی صدا (مثل زدن انگشت بر روی کتاب یا زدن دو مداد به هم یا گفتن برو نرو) او را راهنمایی می‌کنند و گروه مخالف تلاش می‌کنند او را گول بزنند. با دور شدن، صدا ضعیف و نزدیک شدن، صدا قوی می‌شود. زمانی که بازیکن ریگ را پیدا کند، مریم زمان را یادداشت می‌کند. بعد نوبت گروه بعدی می‌رسد که به همین ترتیب عمل می‌کنند. در پایان بازیکنی که در زمان کوتاه‌تری ریگ را پیدا نموده، برنده است. مریم در پایان می‌تواند در باره نعمت‌های الهی به ویژه گوش برای مخاطبان صحبت نماید و این که انسان مراقب باشد تا گول نخورد. می‌توان به جای ریگ از اشیای مناسب دیگر نیز

استفاده نمود.



بیشتر بپر

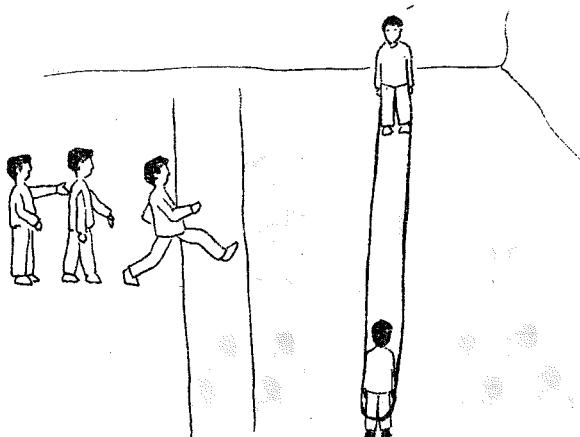
محل اجرا: فضای باز

ابزار بازی: دو تکه کش ۲,۵ متری

هدف: آمادگی دفاعی، ایجاد هیجان، شادی و نشاط

شرح بازی: ابتدا دو کش یا دو شیء دیگر به فاصله نیم متر از یکدیگر (مانند عرض جوی آب) روی زمین قرار می‌گیرد. بازیکنان پشت سر هم قرار می‌گیرند و یک نفر هم به عنوان داور انتخاب می‌شود. پس از شروع بازی هر یک از بازیکنان از روی جوی آب می‌پرند و هر که پایش روی کش رفت می‌سوزد و از دور بازی خارج می‌شود. پس از پرسش دور اول، فاصله دو کش (خط‌ها) از یکدیگر بیشتر می‌شود. بازی به این ترتیب ادامه پیدا می‌کند تا همه بازیکنان از بازی بیرون روند و نفر آخر، برنده بازی است.

روش دیگر بازی بپر بالا: دو نفر کش را به فاصله معینی از زمین در دست می‌گیرند. بازی شروع می‌شود. برای تسهیل دو نفر می‌توانند رو به روی هم بایستند. کش را به پشت پا بیندازند و به صورت مرحله‌ای بالا بیاورند، به طور نمونه مرحله اول تا زیر زانو، مرحله دوم مقداری بالاتر و به این ترتیب بازی ادامه می‌یابد. هنگام پریدن مانند مرحله قبل عمل می‌شود. به جای کش از نخ یا طناب می‌توان استفاده نمود، اما کش بهتر است. برنده کسی است که بتواند بیشتر از همه بپرد.



چالشیم بسته

محل اجرا: فضای باز و بسته

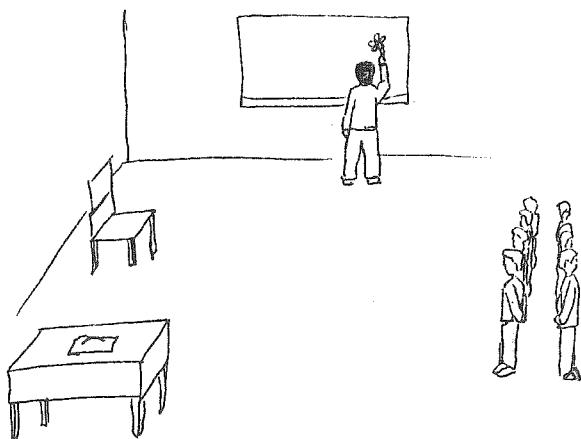
ابزار بازی: چهار عدد دستمال، دو مانع بدون خطر(صنلی) و چند شی

هدف: استفاده از نعمت‌های الهی.

شرح بازی: بازیکنان به دو گروه تقسیم می‌شوند و در دو ردیف موازی پشت سر یکدیگر قرار می‌گیرند. در مقابل و در فاصله معینی از آن‌ها یک مانع (صنلی) قرار می‌دهند. یکی از افراد گروه‌ها می‌باشد با چشم بسته حرکت کرده و به سمت هدف ببرد و شیء مورد نظر که از قبل روی میز قرار گرفته است (و روی آن پوشیده است را بردارد). آن شیء مورد نظر (مانند مهر، گل) را با دست لمس نماید. بعد به سمت تخته ببرد و شکل آن شیء را بر روی نیمی از تخته بکشد. نفر دیگر از گروه مقابل، همزمان همین کارها و مراحل را انجام می‌دهد. پس از پایان نقاشی، نوبت به افراد بعدی می‌رسد.

پس از پایان مسابقه، مربی اشاره به نعمت‌های الهی به ویژه چشم و نعمت

دیدن می‌نماید.



مهماًی پانتومیم

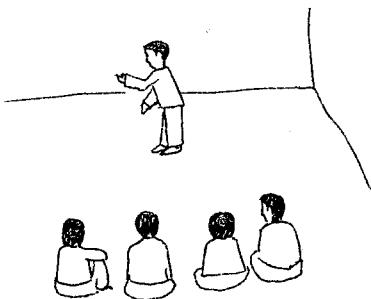
محل اجرا: فضای بسته

هدف: آموزش مفاهیم دینی و ...

شرح بازی: کودکان به شکل نیم دایره می‌نشینند و به دو گروه تقسیم می‌شوند. از هر گروه هر بار یک نفر انتخاب می‌شود تا شغل یا حالتی را که مربی در نظر گرفته است با حرکت‌های خود نشان دهد. (مثلاً شغل یک پزشک یا حالت نماز خواندن) کودکان آن گروه ابتدا باید حدس بزنند که معنای این حرکت‌ها چیست. اگر نتوانستند، گروه مقابل حدس می‌زنند و امتیاز مربوطه را دریافت می‌کنند. مربی در هر قسمت توضیح لازم را می‌دهد و موضوع‌های مفید را به دانش‌آموزان پیشنهاد می‌نماید.

دانش‌آموزان در برخی موارد کارهای اشتباه را نیز توضیح می‌دهند. به طور نمونه وضو اشتباه را توضیح می‌دهند.

بازی به همین ترتیب ادامه پیدا می‌کند. پس از چندین بار گروهی که بتواند سریع‌تر حدس بزند و کارهای اشتباه بگوید، برنده خواهد بود.



هفت سنگ

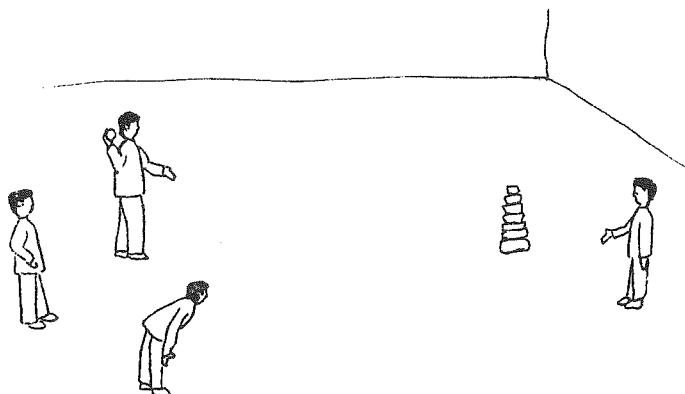
محل اجرا: فضای باز

ابزار بازی: هفت تکه سنگ، یک عدد توپ

هدف: ایجاد دقت و افزودن سرعت عمل

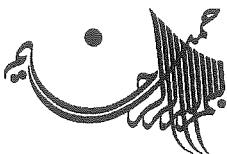
شرح بازی: از میان بازیکنان دو نفر به عنوان استاد انتخاب می‌شوند. این دو استاد یاران گروه خود را انتخاب می‌کنند. و برای تعیین گروه شروع کننده بازی، تر و خشک می‌کنند. آن گاه سنگ‌ها را از بزرگ به کوچک روی هم می‌چینند و گروه اول (شروع کننده بازی) در مقابل سنگ‌ها و به فاصله حدود پنج متر از آن‌ها می‌ایستد.

افراد گروه دوم هم پشت سنگ‌ها قرار می‌گیرند. سپس یکی از افراد گروه اول، توپ را به طرف سنگ‌ها پرتاب می‌کند. اگر توپ به سنگ‌ها اصابت کند، گروه دوم توپ را برمی‌دارد و با قصد زدن گروه اول، آن‌ها را دنبال می‌کند. گروه اول هم تلاش می‌کند در موقعیتی مناسب، دوباره سنگ‌ها را روی هم بچیند، ضمن این که توسط یاران حریف هم زده نشود. این گروه در صورت موفقیت، برندۀ می‌شود و دوباره شروع کننده بازی خواهد بود، اما اگر هنگام پرتاب، توپ به سنگ‌ها اصابت نکند، گروه اول بازنده است و جای دو گروه عوض می‌شود.



فعالیت‌های

پروردشی



مقدمه

پیامبر گرامی اسلام^{صلی الله علیہ و آله و سلم} و سایر امامان بزرگوار درباره تقسیم اوقات شبانه روز سخنان گرانباری برای شخص مؤمن دارند که از آن، لزوم «برنامه ریزی» جهت استفاده بهینه از لحظه‌های زندگی در جهت هدف آفرینش آدمی که همان رسیدن به کمال و سعادت است، استفاده می‌گردد. در این سخنان به تقسیم اوقات شبانه روزی به سه قسم یا چهار قسم تأکید شده است که یک قسم آن استفاده صحیح از اوقات فراغت و لذت‌های حلال به دور از گناه و غفلت است. پیشوایان دین بر این نکته تأکید نموده‌اند که استفاده به جا از این زمان، مؤمن را با روحیه شاداب و سرزنشه، آماده بهره‌برداری از سایر اوقات – چه امور دنیوی و معیشتی و چه در امور آخری و می‌کند.

در این زمینه به روایتی از امام بزرگوار شیعیان، حضرت علی^{الله علیه السلام} اشاره می‌کنیم که حضرت می‌فرماید: «للمؤمن ثلات ساعات، فساعة يناجي ربه، ساعة يرم معاشه و ساعة يخلی بين نفسه و بين لذتها فيما يحل و يحمل، وليس للعقل ان يكون شاكحاً الا في ثلاثة؛ مرمرة لمعاش، او خطوة في معاد، او لذة في غير حرم!»^۱

حضرت در این روایت تأکید می‌نماید که مؤمن بایستی اوقات شبانه روز خود را به سه قسم تقسیم نماید.

۱. زمانی که در آن با پروردگارش به راز و نیاز بپردازد.
۲. زمانی که در آن زندگانی و معاش خود را اصلاح و کارساز کند.
۳. زمانی که بین خویش و خوشی آنچه حلال و نیکو است، قرار دهد.

۱. نهج البلاغه، فیض الاسلام، کلمات قصار، ش ۳۸۲.

در ادامه حضرت تصریح می‌فرمایند که برای خردمند روا نیست، مگر آن که در پی سه چیز برود.

۱. اصلاح معاش، سر و سامان دادن زندگی؛
۲. گام نهادن در امر معاد، پرداختن به عبادت؛
۳. الذت در غیر حرام، استفاده صحیح از اوقات فراغت.

متأسفانه یکی از مواردی که به طور معمول مورد غفلت قرار گرفته است، عدم توجه به اوقات فراغت در زندگی است که این امر منجر به سرخوردگی و افسردگی می‌گردد. چه خوب است با استفاده صحیح و سالم از اوقات فراغت در زندگی خود و فرزندانمان، روحیه‌ای شاد کسب نماییم و خود را برای امور دنیاگی و آخرتی به دور از هرگونه افراط و تغفیط آماده سازیم.

آنچه در این مجموعه برای شما مریبان گرامی در نظر گرفته شده است، بیان راهکارهایی جهت استفاده از اوقات آزاد و فراغت دانش‌آموزان در طول تابستان در منزل و خارج منزل است که می‌توان با هدایت و نظارت غیر مستقیم، استعدادهای نهفته آنان را در زمینه‌های گوناگون شکوفا نمود. همچنین علاوه بر پر کردن وقت‌های آزاد کودکان و نوجوانان و دمیدن شادابی و نشاط در روحیه آنان، با برانگیختن انگیزه‌های درونی‌شان در مسیری قرار بگیرند که در آینده شاهد موفقیت و سعادتشان باشیم.

در این مجموعه برای هر هفته (۶ هفته) کار خاصی در نظر گرفته شده است که مریبی می‌تواند با ارایه راهکارها و کمک و مشورت از خود دانش‌آموزان و پدر و مادرشان و مجموعه مفیدی را در زمینه‌های گوناگون فراهم سازد. در ضمن در پایان دوره با کمک مردم و مسئولان، «نمایشگاهی» از کارهای دانش‌آموزان ارایه گردد تا با استفاده از عامل تشویق و اهدای جوایز مناسب، زمینه‌ای برای جذب برترین‌ها و استعدادهای گوناگون فراهم شود و ارزش‌های دینی و معارف بلند اسلام با روش غیرمستقیم نهادینه گردد. ابتکار و تلاش مریبی می‌تواند راهگشای بسیاری از مسایل باشد.

هفتا اول:**طرح روزنامه دیواری**

یکی از مؤثرترین شیوه‌ها در جهت مشارکت گروهی دانش آموزان و شکوفا کردن استعدادهای آنان، بهره گیری از طرح روزنامه دیواری در استفاده بهینه از اوقات فراغت است. در این جهت مربی گرامی می‌تواند مقوایی بزرگی در اختیار دانش آموزان قرار دهد و از آنان بخواهد که با تشکیل گروه‌های ۴ تا ۵ نفره در طول دوره، آن را با کمک و مشورت دیگران تکمیل نموده و تحويل دهند. این کار، دانش آموزان را برای کارهای قلمی و نگارشی آماده می‌کند و تجربه خوبی برای آنان می‌شود. موضوع روزنامه دیواری می‌تواند آزاد و یا در مورد خاصی باشد که در ادامه بیان می‌گردد.

الف: از جهت صوری

۱. مهم‌ترین اصل، تقسیم کار و نظارت یک نفر جهت هماهنگ نمودن بر مجموعه کار است.
۲. انتخاب نام مناسب برای روزنامه
۳. رنگ آمیزی و طراحی
۴. خوشنویسی و نگارش مطالب با خط زیبا و درشت (من توان از فردی که خوش خط است، استفاده نمود).
۵. تقسیم صفحه روزنامه به قسمت‌های گوناگون جهت ارایه مطالب (به صورت دایره‌ای، مربع، مستطیل و ...)
۶. نام اسامی گروه در سمت چپ در پایین روزنامه آورده شود.
۷. تمیزی روزنامه در پایان کار من تواند با کشیدن نایلونی بر روی آن صورت گیرد.

- از جهت محتوا

۱. نگارش «بسم الله الرحمن الرحيم» در بالای صفحه روزنامه در وسط و گوشزد نمودن
این که جهت توفیق در کارها بایستی با نام خدا شروع نمود.
۲. استفاده مناسب از آیه و حدیث به ویژه مرتبط با موضوع
۳. استفاده از شعر کوتاه
۴. استفاده از جدول (گروه می‌تواند جدولی را جهت مسابقه در روزنامه تنظیم نماید.)
۵. آوردن لطیفه‌های ادبی و طنزهایی که بدآموزی نداشتند باشد (بانظرات مریم)
۶. آوردن داستان و حکایت و خاطره‌های جالب و کوتاه
۷. مصاحبه یا گزارش کوتاه جهت استفاده دیگران
۸. خبرهای کوتاه ایران و جهان
۹. استفاده از عکس (گروه می‌تواند از عکس‌های جالبی که خود تعبیه کرده‌اند بهره بگیرد)
 ۱۰. استفاده از نقاشی و طراحی به ویژه مرتبط با موضوع (از کاریکاتور نیز می‌توان به نحو احسن بهره جست).
 ۱۱. طرح مسابقه و سؤال در بخش خاص
- شایسته است مریم جهت ابتکارهای خاص دانش‌آموزان، امتیاز ویژه‌ای در نظر بگیرد و در نمایشگاه پایان دوره، روزنامه‌های دیواری در معرض دید بازدیدکنندگان قرار گیرد که این عامل بسیار مهمی جهت تشویق دانش‌آموزان است. اهدای جایزه به برترین روزنامه‌ها می‌تواند علاوه بر ارزیابی مریم، ارزیابی سایر دانش‌آموزان و یا بازدیدکنندگان را نیز به همراه داشته باشد. در هر صورت بهتر است همه گروه‌ها تشویق شوند و نقاط مثبت کارشان گوشزد گردد.

- موضوع‌های پیشنهادی برای روزنامه دیواری
۱. زندگی امامان معصوم
 ۲. نماز
 ۳. احترام به پدر و مادر
 ۴. انتخاب دوست
 ۵. ارزش علم و دانش و مقام معلم
 ۶.

هفته دوم:

کتابخوانی

یکی از نشانه‌های توسعه فرهنگی در میان جوامع، میزان رشد مطالعه در میان مردم است. عادت به مطالعه بایستی از سنین کودکی، آن هم با استفاده از شیوه‌های جذاب و متنوع صورت بگیرد تا این امر به صورت نهادینه در سنین بالا در آید. متاسفانه یکی از علی‌کارهای موجب شده است تا میزان رشد مطالعه در بین ایرانیان تا این مقدار پایین باشد! تا حدود زیادی به سیستم آموزشی بر می‌گردد که دانش آموزان را موظف می‌کند تا به کتب درسی خود اکتفا کنند.

برای عادت به مطالعه به ویژه در بین کودکان، می‌توان از کتاب‌های داستان آموزنده با تصاویر زیبا بهره برد. همچنین با شیوه‌های پرسش و پاسخ، خلاصه کردن، کشیدن نقاشی و طرح و در کنار آن، اهدای جایزه و تشویق در نهادینه کردن این عادت کوشید.

در این هفته می‌توان از کتاب ارزشمند «داستان راستان» تألیف استاد شهید مرتضی مطهری بهره جست. برای نمونه داستانی از جلد اول این کتاب برایتان می‌آوریم که شما مربی گرامی می‌توانید با خواندن آن در سر کلاس از دانش آموزان بخواهید به پرسش‌های مرتبط با داستان پاسخ گویند و فردی که بهترین خلاصه را بیان کند، تشویق شود و برای آن داستان هر کس بهترین تصویر یا نقاشی مرتبط را کشید، تشویق شود. و کار او در نمایشگاه پایانی در کنار سایر کارها ارایه گردد. همچنین مربی گرامی می‌تواند حدیثی کوتاه درباره داستان مربوط روی تخته بنویسد و یا بر روی کارت بیاورد تا دانش آموزان با تکرار آن و

تداعی ارتباطش با داستان برای همیشه آن را حفظ کنند و در زندگی به کار بندند.

در پایان داستان و ارایه سؤال‌ها، چندین داستان پیشنهادی همراه با حدیث مرتبط از جلد یکم داستان شهید مطهری ارایه می‌گردد تا مربی به نحو احسن در اوقات فراغت از آن استفاده کند.

داستان ۱

رسول اکرم ﷺ و دو حلقه جمعیت.

رسول اکرم ﷺ وارد مسجد (مسجد مدینه) شد. چشمش به دو اجتماع افتاد که از دو دسته تشکیل شده بود و هر دسته‌ای حلقه‌ای تشکیل داده، سرگرم کاری بودند. یک دسته مشغول عبادت و ذکر و دسته دیگر به تعلیم و تعلم و یاد دادن و یاد گرفتن سرگرم بودند. هر دو دسته را از نظر گذرانید و از دیدن آن‌ها مسرور و خرسند شد. به کسانی که همراهش بودند رو کرد و فرمود: «این هر دو دسته کار نیک می‌کنند و بر خیر و سعادتند» آن گاه جمله‌ای اضافه کرد: «لکن من برای تعلیم و دانا کردن فرستاده شده‌ام» پس خودش به طرف همان دسته که به کار تعلیم و تعلم اشتغال داشتند، رفت و در حلقه آن‌ها نشست.

سؤال در سر کلاس

۱. پیامبر اسلام وارد چه مکانی شد؟
۲. پیامبر هنگام ورود به مسجد چه مشاهده نمود؟
۳. دو گروه دو داخل مسجد مشغول چه کاری بودند؟
۴. پیامبر برای چه کار بزرگی از طرف خدا فرستاده شده است؟
۵. پیامبر در جمع کدام گروه وارد شد؟

کار در منزل

- تصویری از داستان بالا نقاشی کنید.
 - آیه یا حدیثی که مربوط به داستان بالا می باشد پیدا کرده و بیاورید.
- داستان های پیشنهادی از جلد اول داستان راستان شهید مطهری
۱. داستان ۶: غذای دسته جمعی
 ۲. داستان ۱۲: مرد شامی و امام حسین (علیهم السلام)
 ۳. داستان ۷: مستمند و ثروتمند
 ۴. داستان ۱۴: گوش به دعای مادر
 ۵. داستان ۲۷: وزنه برداران
 ۶. داستان ۳۰: شکایت همسایه
 ۷. داستان ۳۹: خواب وحشتناک
 ۸. داستان ۴۷: عرق کار
 ۹. داستان ۵۸: آخرین سخن
 ۱۰. داستان ۶۱: جمع هیزم از صحرا
 ۱۱. داستان ۶۶: دانشجوی بزرگسال
 ۱۲. داستان ۷۵: مرد ناشناس

مربی گرامی می تواند از کتاب های نویسندهایی که این داستانها را با قلم شیوا و رسا در زمینه معارف دینی در مقطع ابتدایی (ب و ج) نگاشته اند، استفاده کنند.

هفت سوم:**نقاشی با وسایل مختلف**

یا کاردستی با وسایل گوناگون (کولاز)

الف: نقاشی

یکی از موارد مورد علاقه بچه‌های، نقاشی کردن است. امروزه روان‌شناسان از راه نقاشی کودک به بسیاری از ویژگی‌ها و خصوصیات درونی او پی‌می‌برند و از این راه در صدد اصلاح شخصیت وی برمی‌آیند. کودک از راه نقاشی بسیاری از استعدادهای درونی خویش را در معرض قضاوت دیگران قرار می‌دهد. شایسته است مربی گرامی از این ابزار به خوبی استفاده کند و در کنار پر کردن اوقات فراغت کودکان، زمینه‌های بروز خلاقیت‌ها و استعدادهای آنان را فراهم سازد. مربی در این هفته به بچه‌ها پیشنهاد کند تا با وسایل گوناگونی که در اطرافشان وجود دارد، همراه با استفاده از مداد رنگی و مژیک و آبرنگ، بر روی کاغذ یا مقوا با استفاده از چسب مایع، نقاشی‌های خود را ارایه دهند و بهترین‌ها در نمایشگاه پایانی دوره در معرض دید افراد گذاشته شود و مورد تشویق قرار گیرند.

موارد پیشنهادی:

- استفاده از حبوبات؛ نخود و لوبیا و عدس و ماش
- استفاده از پنبه
- استفاده از سبزی خشک
- استفاده از نخ کاموا
- استفاده از تکه‌های پارچه (یا پارچه محمول یا...)

- استفاده از خرده تراش مداد
- استفاده از اثر انگشت در نقاشی تصاویر زیبا و ...

ب - کاردستی

مربی گرامی در کنار نقاشی از دانش آموزان مقاطع بالاتر ابتدایی و یا کسانی که به کاردستی علاقه دارند. از آنان بخواهد که با وسایل گوناگون، کاردستی های زیبا از مناظر طبیعی و یا موضوع های خاص درست کنند و بیاورند. کاردستی ها ای برتر که با ابتکار خود دانش آموزان درست شده در نمایشگاه پایانی در معرض غن دید قرار گیرد و مورد تشویق مناسب قرار گیرد.

موارد پیشنهادی:

- استفاده از دکمه های رنگارنگ و در اشکال مختلف
- استفاده از نی نوشابه
- استفاده از چوب کبریت
- استفاده از صدف
- استفاده از میوه های درخت کاج و بلوط و سرو
- استفاده از کاغذهای باطله در ساخت موشک و کشتی و ..
- استفاده از دانه های تسبیح
- استفاده از وسایل دورریختنی، مانند قوطی های شامپو

هفته چهارم:**مسابقه به صورت چهار گزینه‌ای**

بسیاری از دانستنی‌های گوناگون در زمینه قرآن و معارف اسلامی، اطلاعات عمومی، معماها و ... را می‌توان به صورت مسابقه در قالب جواب‌های چهار گزینه‌ای ارایه نمود. در این شیوه دانش آموز با استفاده از اطلاعات خود، به جواب درست دست می‌یابد. در ضمن در مناسبت‌های گوناگون می‌توان از این شیوه جهت برگزاری مسابقه و انتخاب برترین‌ها استفاده نمود. همچنین شما مربی گرامی در پایان دوره می‌توانید از این شیوه از درس‌هایی که در طول برنامه به بچه‌ها ارایه نموده‌اید، ارزیابی به عمل آورید و افراد برگزیده و ممتاز را انتخاب نمایید.

الف. اطلاعات قرآنی

۱) کدام سوره به عروس قرآن معروف است؟

- | | |
|--------------------------|--------------|
| <input type="checkbox"/> | الف. سوره یس |
| <input type="checkbox"/> | ب. سوره حمد |

- | | |
|-------------------------------------|----------------|
| <input type="checkbox"/> | ج. سوره الرحمن |
| <input checked="" type="checkbox"/> | د. سوره قدر |

۲) کوچک‌ترین سوره قرآن چه نام دارد؟

- | | |
|-------------------------------------|---------------|
| <input type="checkbox"/> | الف. سوره ناس |
| <input checked="" type="checkbox"/> | ب. سوره فلق |
| <input type="checkbox"/> | ج. سوره توحید |
| <input checked="" type="checkbox"/> | د. سوره کوثر |

۳) بزرگ‌ترین سوره قرآن چند آیه دارد؟

- | | |
|-------------------------------------|--------------|
| <input type="checkbox"/> | الف. ۲۸۶ آیه |
| <input checked="" type="checkbox"/> | ب. ۲۲۶ آیه |
| <input type="checkbox"/> | ج. ۲۷۶ آیه |
| <input type="checkbox"/> | د. ۲۹۶ آیه |

۴. قرآن دارای چند حزب است؟

ب. ۱۲۰ الف. ۳۰

د. ۱۱۴ ج. ۶۰

۵. در کدام سوره قرآن، دوبار «بسم الله الرحمن الرحيم» آمده است؟

ب. سوره توبه الف. سوره نحل

د. سوره برائت ج. سوره نمل

۷. کدام سوره از قرآن است که اگر آن را از آخر هم بخوانیم به همان صورت اولی خوانده می‌شود؟

ب. مریم الف. لیل

د. الف و ج ج. بت

۸. نام کدام پرنده نامه رسان در قرآن آمده است؟

ب. هدهد الف. کبوتر

د. کلاع ج. کبک

ب. اطلاعات عمومی

۱) روز جهانی کودک چه روزی است؟

ب. اول تیر الف. اول خرداد

د. یازدهم مرداد ج. هفدهم مهر

۱) روز جمهوری اسلامی چه روزی است؟

- | | | | |
|--------------------------|----------------|-------------------------------------|---------------|
| <input type="checkbox"/> | ب. ۲۲ بهمن | <input type="checkbox"/> | الف. ۱۲ بهمن |
| <input type="checkbox"/> | د. ۱۲ اردیبهشت | <input checked="" type="checkbox"/> | ج. ۱۲ فروردین |

۲) روز دانش آموز چه روزی است؟

- | | | | |
|-------------------------------------|------------|--------------------------|------------------|
| <input checked="" type="checkbox"/> | ب. ۱۳ آبان | <input type="checkbox"/> | الف. ۱۲ اردیبهشت |
| <input type="checkbox"/> | د. اول مهر | <input type="checkbox"/> | ج. ۲۷ آذر |

۳) روز معلم چه روزی است؟

- | | | | |
|--------------------------|------------|-------------------------------------|-----------------|
| <input type="checkbox"/> | ب. ۱۲ مهر | <input type="checkbox"/> | الف. ۱۲ فروردین |
| <input type="checkbox"/> | د. ۱۲ بهمن | <input checked="" type="checkbox"/> | ج. ۱۲ اردیبهشت |

۴) امام خمینی (ره) در چه تاریخی وارد ایران شد؟

- | | | | |
|-------------------------------------|------------|--------------------------|-------------|
| <input checked="" type="checkbox"/> | ب. ۱۲ بهمن | <input type="checkbox"/> | الف. ۲۶ دی |
| <input type="checkbox"/> | د. ۱۷ دی | <input type="checkbox"/> | ج. ۱۰ اسفند |

۵) اولین شهید روحانی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی چه کسی است؟

- | | | | |
|-------------------------------------|-----------------|--------------------------|-----------------|
| <input type="checkbox"/> | ب. شهید اندرزگو | <input type="checkbox"/> | الف. شهید بهشتی |
| <input checked="" type="checkbox"/> | د. شهید مطهری | <input type="checkbox"/> | ج. شهید مفتح |

۶) اولین مرد شهید در راه اسلام چه نام داشت؟

- | | | | |
|--------------------------|-------------------|-------------------------------------|----------------|
| <input type="checkbox"/> | ب. حمزه سیدالشهدا | <input type="checkbox"/> | الف. جعفر طیار |
| <input type="checkbox"/> | د. عمار | <input checked="" type="checkbox"/> | ج. یاسر |

ج - معما

۱) آن چیست که اگر سرش را ببرند، زنده می‌شود؟

- | | | | |
|--------------------------|---------------|-------------------------------------|----------|
| <input type="checkbox"/> | ب. کرم شب تاب | <input type="checkbox"/> | الف. مار |
| <input type="checkbox"/> | د. پرنده | <input checked="" type="checkbox"/> | ج. خزنده |

۲) می روم، ولی حرکت نمی‌کنم. می‌دوم، قدم نمی‌زنم، می‌گوییم، ولی زبان ندارم.

- | | | | |
|--------------------------|----------|-------------------------------------|-----------|
| <input type="checkbox"/> | ب. ساعت | <input checked="" type="checkbox"/> | الف. کتاب |
| <input type="checkbox"/> | د. رادیو | <input type="checkbox"/> | ج. مداد |

۳) آن کدام حیوان است که نام دو شعر در خود دارد؟

- | | | | |
|-------------------------------------|----------|--------------------------|------------|
| <input type="checkbox"/> | ب. بزمجه | <input type="checkbox"/> | الف. چلچله |
| <input checked="" type="checkbox"/> | د. قمری | <input type="checkbox"/> | ج. لاک پشت |

۴) سفید است، برف نیست، تیز است، چاقو نیست. ریشه دارد، درخت نیست.

- | | | | |
|-------------------------------------|----------|--------------------------|---------|
| <input checked="" type="checkbox"/> | ب. دندان | <input type="checkbox"/> | الف. نخ |
| <input type="checkbox"/> | د. کاغذ | <input type="checkbox"/> | ج. پنبه |

۵) کدام اتوبوس است که وقتی سقوط کند، خودش از بین می‌رود، ولی مسافرانش

زنده می‌مانند؟

- | | | | |
|--------------------------|-----------|-------------------------------------|------------|
| <input type="checkbox"/> | ب. ولوو | <input type="checkbox"/> | الف. شهاب |
| <input type="checkbox"/> | د. نارگیل | <input checked="" type="checkbox"/> | ج. هندوانه |

۶) سه دکان دوش به دوش، اولی پوست فروش، دومی آرد فروش، سومی چوب

فروش

- | | | | |
|-------------------------------------|------------|--------------------------|-----------|
| <input checked="" type="checkbox"/> | ب. سنجد | <input type="checkbox"/> | الف. پیاز |
| <input type="checkbox"/> | د. نانوایی | <input type="checkbox"/> | د. گوسفند |

۷) آن چیست که اگر در آب بیفتد خیس نمی‌شود و در آتش هم نمی‌سوزد؟

ب. ورق چرمی

الف. کاغذ گلاسه

د. سوزن

ج. سایه

مری! گرامی! شما می‌توانید از هر موضوعی که مد نظر شما است با همانگی قبلی و مطالعه دانش‌آموزان از بچه‌ها به صورت حضوری در کلاس و یا غیر حضوری در منزل و با کمک بزرگ‌ترها، مسابقه چهارگزینه‌ای بگذارید و میزان یادگیری را ارزیابی کنید.

هفته پنجم:**دوتایی ها**

یکی از شیوه های یادگیری و ارزیابی آن، استفاده از روش «دوتایی ها» می باشد. در این روش که صورتی جذاب دارد، دانش آموز در موضوعی خاص، ارتباط های دوگانه واژه ها را کشف می کند و امتیاز می گیرد.

مربی محترم می تواند با استفاده از یونولویت، شکلی ترسیم کند که در وسط آن، خانه های مربع شکل کوچک در ابعاد 3×4 که محل نوشتن واژه ها باشد در آورد که روی خانه ها با شماره ۱ تا ۱۲ پوشانده شود. دانش آموز یک بار همه خانه ها را مشاهده می کند. بعد در زمان معینی به ارتباط دوگانه واژه ها می پردازد و امتیاز لازم را به دست می آورد. برای هر مورد اشتباه می توان امتیازی کسر نمود.

در ضمن می توان واژه ها را بر روی تخته نیز در قسمت های مختلف نوشت تا دانش آموزی با فلش آنها را به هم وصل نماید و امتیاز بگیرد.
در زیر چند نمونه از «دوتایی ها» را برایتان می آورم

الف: حس شناسی

۱۰ حس چشایی	۷ چشم	۴ پوست	۱ زبان
۱۱ حس بینایی	۸ هضم غذا	۵ بینی	۲ گوش
۱۲ حس لامسه	۹ حس بویایی	۴ حس شنوایی	۳ غدد برازقی

ب: مخصوص شناسی

۱۰ حضرت محمد ﷺ	۷ مادر فاطمه	۴ علیؑ	۱ ام ابیها
۱۱ پنجم بعثت	۸ پدر فاطمه	۵ ولادت فاطمه	۲ خدیجه
۱۲ دختر فاطمه	۹ همسر فاطمه	۴ لقب فاطمه	۳ زینب

ج: احکام

۱۰ مراحل وضو	۷ جانشین وضو	۴ شرط صحت وضو	۱ وضو
۱۱ پاکی آب	۸ مقدمه نماز	۵ اقسام وضو	۲ تیمم
۱۲ شستن، مسح کردن	۹ ترتیبی، ارتماسی	۴ باطل کننده وضو	۳ خواب

مربی گرامی می‌تواند جهت سنجش اطلاعات دانش‌آموزان در موضوع‌های گوناگون از این روش استفاده نماید.

هفته ششم:**سرگرمی‌های ادبی**

یکی از شیوه‌های غیرمستقیم که در یادگیری کودکان تأثیر مهمی دارد، استفاده از قالب بازی‌ها و سرگرمی‌ها جهت آموزش مطالب مورد نظر است.

در کتاب سلامت جسمانی کودک که از طریق ورزش و بازی به دست می‌آید، بایستی به سلامت ذهن و روان او نیز توجه کرد. نمونه بازی‌های فکری و سرگرمی‌هایی که نیاز به تأمل و تفکر دارد، قوه فکر او را به کار و آماده کند و این را برای درک مفاهیم در آینده آماده می‌سازد. در این هفته به چند نمونه اشاره می‌کنیم.

۱. آشنایی با شهرها

در این شیوه که حرف اول، یا وسط، یا آخر و یا برخی حروف شهرها را داخل مربع‌های خاص می‌نویسیم، از دانش‌آموز می‌خواهیم در مدت زمان معین باگفتن حروف مورد نظر، شهر را به دست بیاورد و امتیاز بگیرد و گرنه نوبت به نفر بعد می‌رسد. می‌توان حروف غلط را به میزان دو برابر حروف شهر در پایین قرارداد.

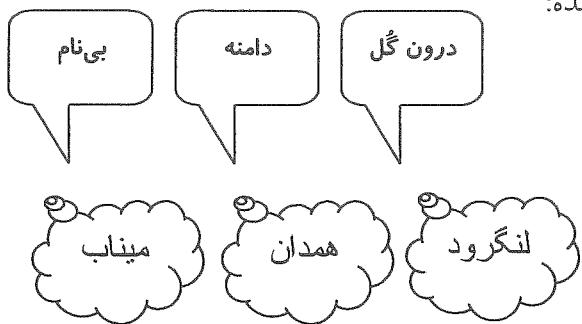


شهر مورد نظر:



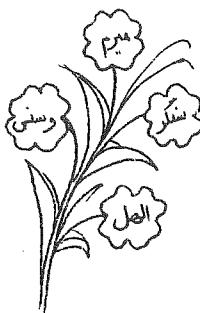
حروف غلط:

حروف پراکنده:



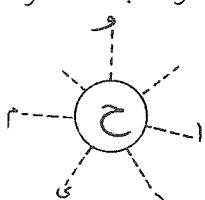
۲. آشنایی با گل‌ها

می‌توان از حروف پراکنده برای تشخیص نام گل‌ها نیز استفاده کرد.



۳. آشنایی با اسمای

می‌توان با ترکیب حروف الفبا، آموزش‌های گوناگونی در جهت آشنایی با مفاهیم در حوزه‌های مختلف داد. به طور نمونه با ۷ حرف الفبای زیر از دانش آموزان بخواهید، هفت اسم پسر بسازند.

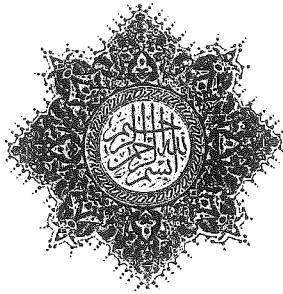


۴. آشنایی با ضرب المثل‌ها

جهت آشنایی کودکان با ضرب المثل‌های گوناگون که خود بخشی از فرهنگ جامعه را تشکیل می‌دهد، می‌توان از شیوه‌های مختلف بهره گرفت. یکی از این شیوه‌ها، استفاده از تصویر و نقاشی برای بیان ضرب المثل است. روش دیگری که در اینجا از آن استفاده شده است، خالی گذاشتن برخی قسمت‌ها جهت حدس زدن دانش آموزان درباره ضرب المثل مورد نظر و توضیح مختصر در باره آن است. همچنین می‌توان از آنان خواست تا نقاشی زیبایی درباره ضرب المثل بکشند و آن را در نمایشگاه پایانی دوره ارایه نمود.

- (۱) آب آب نمی خورد.
- (۲) جنگ صلح
- (۳) ... تنور ... است
- (۴) ... کاسه... کاسه‌ای ...
- (۵) شنیدن ... دیدن
- (۶) ... کوزه که در اوست
- (۷) ... خانه یک حرف ...

مناسبات



مقدمه:

در این قسمت به مناسبت ایام شهادت حضرت زهرا(س) و ولادت آن بانوی بزرگوار و ولادت امام محمد باقر^ع ویژه برنامه‌هایی تهیه شده است.

لازم است مربی گرامی برای اجرای هر چه باشکوه‌تر این برنامه‌ها، متن را به طور دقیق و کامل مطالعه نماید تا این برنامه‌های ویژه را با نصب اطلاعیه و دعوت از خانواده‌ها (جهت هر چه قوی‌تر شدن ارتباط بین فرزندان و والدین) از حالت کلاسداری خارج نماید و آن‌ها را به صورت عمومی و گسترده و با جذابیت هر چه تمام‌تر برگزار نماید.

السُّمْرَانِ الْمُكَبَّلَةِ الْكَلْمَنِ

گوشن نور

خدمت شما پدر و مادران گرامی که با فرزندان خود در مراسم عزای حضرت فاطمه(س) شرکت نموده‌اید، سلام عرض می‌کنم. برنامه ما دو بخش دارد . بخش اول برنامه^۱ برای همه شما شرکت کنندگان است. بخش دوم برنامه مسابقه‌ای برای فرزندان شما است .

در ابتدا از شما پدران و مادران^۲ سؤال می‌کنم. به من بگویید:
عرب‌ها به مادر چه می‌گویند؟ بله، آم.
به پدر در عربی چه می‌گویند؟ بله، آب.

وقتی این دو کلمه، اول اسم کسی آورده شود به آن کنیه می‌گویند، مانند:

ام الائمه ام الكتاب ام القرى

منتظر از این سه کلمه چه می‌باشد؟

ام القرى کجا است؟ بله، مکه.

ام الكتاب چیست؟ به سوره حمد و به کل قرآن «ام الكتاب» گفته می‌شود.

۱. مربی سؤال‌ها را از حاضران پرسد. کلمه‌هایی که می‌خواهیم تأکید بیشتری روی آن شود را داخل دایره نوشته‌ایم. آنچه مهم است این که مربی مخاطبان را به فعالیت و ادارد.

۲. برنامه جهت مراسم شهادت حضرت زهرا (س) با حضور بجهه‌ها همراه پدر و مادرشان نوشته شده است. مربی اگر چنین برنامه‌ای ندارد می‌تواند اعلام نکند.

اما به چه فردی «ام الائمه» می‌گویند؟ حضرت فاطمه (س).
شما دو کنیه دیگر از ایشان بگویید که باز با ام شروع شوند؟ مانند ام الحسن
و الحسین و دیگری ...؟

ام ابیها

چرا به حضرت زهرا (س) ام ابیها (مادر پدر) گفته می‌شود؟ شما می‌دانید که حضرت خدیجه تنها غمخوار پیامبر ﷺ در خانه بود و ابوطالب نیز او را در برابر دشمنان بیرونی حمایت می‌کرد. با بودن ابوطالب مشرکان مکه نمی‌توانستند قصد جان پیامبر ﷺ را بکنند، اما قضای الهی چنین مقدار نمود که این دو یاور پیامبر ﷺ در فاصله کوتاه از دنیا برonden.

حضرت فاطمه(س) شاهد اذیت‌های دشمنان با رسول خدا بود. اکنون دیگر فاطمه تنها دختر خانواده نیست، بلکه او باید جانشین عبدالله، عبدالملک، ابوطالب و خدیجه نیز باشد. او با تلاش و فداکاری، از رسول خدا ﷺ نگهداری و حفاظت می‌کرد. او وظیفه مادرش را عهدهدار شد و برای پدرش، هم دختر و هم مادر بود. لذا پیامبر ﷺ فاطمه را «مادر پدر» که همان ام ابیها است نامیدند.

چه کسی می‌تواند بگوید این اعداد چه ارتباً با حضرت زهرا (س) دارند؟^۱

۱۸	۷۵	۱۰۰	۱۰۰	۳۳	۳۳	۳۴
----	----	-----	-----	----	----	----

شما با سه عدد اولی خیلی آشنا هستید. آیا حدس زدید؟ بله، بعد از نمازها آن ذکرها را می‌گوییم. اما گوش کنید تا برایتان داستان مربوط به آنها را تعریف کنم.

امام علی علی اللہ تعالیٰ می‌گوید که فاطمه (س) چنان با مشک از چاه آب می‌کشید و با آسیاب، گندم آرد می‌کرد که کف دست ایشان پینه بسته بود. نزد او رفتم و به

^۱ مریمی عده‌ها را سؤال کند و جواب حاضران را بشنود و درس را ادامه بدهد.

او پیشنهاد کردم که از پدرت رسول خدا، بخواه تا اندکی در برداشتن بار سنجین او زندگی تو را کمک کند. ایشان پذیرفت و نزد پدرشان رفت، اما شرم داشت که چیزی بگوید. پیامبر ﷺ می‌دانست که دخترش برای کاری نزد او آمده است. روز دیگر رسول خدا به خانه ما آمد و سلام کرد. ما نیز به سلام رسول الله پاسخ دادیم. وارد خانه شد و نشست. به فاطمه گفت: «دیروز از پدرت چه می‌خواستی؟» او باز چیزی نگفت. من گفتم که او از سختی کار در منزل رنج می‌برد، لذا از او خواستم نزد شما بباید و مددکاری برای خود بخواهد. پیامبر ﷺ با لبخند همیشگی به فاطمه و علی نگاه کرد و فرمود: «آیا چیزی به شما نیاموزم که از خدمتگزار بهتر باشد؟» علی و فاطمه خوشحال شدند. متظر بودند تا بینند پیامبر ﷺ چه چیزی به آن‌ها می‌گوید. همه شما می‌دانید که سه ذکر، رسول خدا ﷺ به فاطمه (س) یاد داد. شما بگویید؟

الله اکبر = ۳۴ ، الحمد لله = ۳۳ ، سبحان الله = ۳۳

حضرت زهرا (س) سه بار فرمود: «از خدا و رسولش راضی گشتم».^۱

این ذکرها به چه ذکری معروف هستند؟

بله، تسبیحات حضرت زهرا (س) به این تسبیح که در دست من است، توجه کنید. ذکر تسبیحات این طور است.^۲

اما عدد ۱۰۰ چیست؟ اگر این سه عدد را جمع کنیم، عدد ۱۰۰ می‌شود، اما من می‌گوییم: ۱۰۰۰، لابد می‌گویید هزار چطور؟ بله، امام صادق علیه السلام فرمود: «ذکر

۱. سید جعفر شهیدی، زندگانی فاطمه زهرا (س)، ص ۸۵

۲. مرتبی روش ذکر تسبیحات را به وسیله تسبیح و انگشت آموزش می‌دهد.

تسییحات حضرت فاطمه(س) بعد از نماز، مساوی هزار رکعت نماز مستحبی است^۱.

حالا نوبت فرزندان شما است. برای اجرای مسابقه چهار نفر از شما بچه‌ها آماده بشوند تا در دو گروه دو نفر مسابقه را انجام دهیم^۲. از هر گروه، یازده سؤال می‌پرسم. در آخر، هر گروه باید پیام مربوط به خود را هم حدس بزند و بگوید که هر کس به سؤال جواب بدهد یک حرف رمز به او داده خواهد شد^۳. اما سؤالات گروه اول^۴ آن‌ها را پاسخ دهید و پیام آن را بگیرید.

خ	ش	ن	و	د	ی	ف	ا	ط	م	ه
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱

۱. حضرت فاطمه(س) من فرماید، شکر و سپاس سزاوار... در برابر نعمت‌های بیکرانه خداوند او است.

۲. حضرت زهرا (س) در مورد مقام مادر من فرماید: «در خدمت مادر باش، زیرا... زیر پای مادران است».

۳. من از دنیا سه چیز را دوست دارم؛ یکی تلاوت... است. قرآن

۴. خداوند... را در ماه رمضان برای تحقق اخلاص بندگان واجب کرده است. روزه

۱. سفینه البحار، ج ۲، ص ۵۹۳.

۲. مریم می‌تواند ۴ نفر را از قبل آماده کند یا این که خود مریمی جهت سرعت در کار، افراد را انتخاب کند. والدین نیز افراد گروه خود را با صلووات یا طیب طیب الله همراهی نمایند.

۳. مریم برای هر گروه ۱۱ کارت، مانند نمونه درس انتخاب کند. بر روی کارت شماره و حروف مربوط را یاداشت کند. هر گروهی جواب صحیح داد، کارت به آن‌ها داده یا در جایی نصب شود. هر گروه در مجموع امتیاز بیشتری آورد، برنده است.

۴. لازم به یاد آوری است که یک حرف از جواب، جزء حروف رمز قرار می‌گیرد. مانند حرف (ش) در پاسخ ۲.

۵. مادر حضرت زهرا (س) و اولین زنی که به پیامبر (ص) ایمان آورد چه نام دارد؟

خدیجه

۶. سید الاوصیا، لقب کدام امام است.

۷. بانویی که همواره خدمتگزار حضرت زهرا بود و حافظ قرآن نیز بود، چه نام دارد؟

فضمه

۸. حضرت زهرا (س) و شوهر و فرزندانش سه روز غذای مورد نیاز خود را به نیازمندان

ایثار

دادند. به این رفتار چه من گویند؟

۹ - کدام لقب حضرت زهرا (س) به معنای زن پاکیزه است؟ طاهره

مکه

۱۰ - محل تولد حضرت زهرا کجا است؟

۱۱ - حضرت فاطمه (س) در دفاع از ولایت و روز غدیر و در جواب افرادی که می‌گفتند چرا

علی ﷺ سکوت اختیار کردند، فرمودند: مثل امام، مانند ... است. کعبه

اما پیام جدول را بگویید؟ خشنودی فاطمه

مردم باید در اطراف آن طواف کنند، نه آن که او دور مردم طواف کند.^۱

حالا سؤال‌های گروه دوم: آن ها را جواب دهید و پیام آن را بگویید.

ت	س	ا	م	د	و	ن	ش	خ
۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳

۱. حضرت فاطمه (س) به افرادی که با خاندان رسول و ایشان دشمنی می‌گردند فرمود:

«آگاه باشید هر کس با ما دشمنی کند با ... دشمنی کرده است و هر کس با ... دشمنی

کند، عذاب دردناک بر او واجب است.

خدما

۲. در سخن دیگر فرمود: «آیا فراموش کردید روز غدیر را! از پیامبر ﷺ شنیدم که فرمود: «علی ﷺ بهترین کسی است که او را ... خود در میان شما قرار دادم.».

جانشین

۳. ای مردم! فراموش کردید سخن رسول الله ﷺ را که فرمود: «موقعیت علی نسبت به من، همانند ... به موسی است»

هارون

۴. کوچک‌ترین سوره قرآن که گفته می‌شود این سوره در مورد حضرت زهرا(س) است چه نام دارد؟.

کوثر

۵. کدام لقب حضرت زهرا (س) به معنای زن بسیار راستگو است؟

صدیقه

۶. خداوند نماز را برای ... شما از تکبیر واجب کرده است.

دوری

۷. پیامبر ﷺ در غدیر این جمله را فرمود: «من کنت ... فهذا علی مولاه». مولاه

۸. حضرت فاطمه (س) در وصیت خود فرمود: «امتنی که عهد و پیمان خدا و پیامبر را در ولایت و رهبری بشکنند و آن را نادیده بگیرند، حق ندارند بر پیکر من ... بخوانند.

نماز

۹. در کدام جنگ وقتی پیامبر ﷺ مجروح شد، امام علی زخم پیامبر را شست و هنگامی که حضرت فاطمه (س) نزد پدر رسید، حصیری سوزاند و خون سر پیامبر ﷺ را بند

آورد.

۱۰. حضرت رسول الله ﷺ در مورد فاطمه (س) فرمود: «دخترم فاطمه ... نساء العالمین است.

سیده

۱۱. حضرت فاطمه (س) فرمود: «خداوند جهاد را مایه ... اسلام قرار داده است.».

عزت

آفرین به شما بچه های خوب! پیام جدول شما چه شد؟ «خشنودی من است».

حالا بگویید این کلام از کیست؟ پیامبر ﷺ

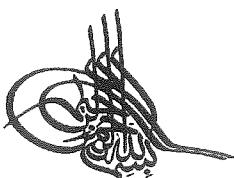
هر دو گروه خوب جواب دادند. هدف ما آشنايی بيش تر شما با زندگي حضرت فاطمه(س) است .

اما مناسبت عدد ۷۵ و ۱۸ چيست؟ فاطمه(س) بعد از پیامبر ﷺ روز بيش تر زنده نماند، او به جهت غم فراق پیامبر و ظلم و ستمی که دشمنان به او و علی عليه السلام می کردند، می گریست و به خدا و پیامبر شکایت نمی کرد. سرانجام آن حضرت در سال یازدهم هجرت در سن ۱۸ سالگی در ماه ششم یا هفتم هجری، یعنی چه ماه هایی؟ بله، جمادی الاول یا جمادی الآخر در سیزدهم یا سوم بعد از مدت ها بیماری شهید شد. برای این که در روز و ماه شهادت ایشان دو نظریه است، عده ای سیزدهم جمادی الاول و برخی سوم جمادی الآخر را روز شهادت ایشان اعلام کرده اند. شیعیان برای احترام به مقام این بانو هر دو مناسبت را که فاطمیه اول و دوم معروف است، عزاداری می کنند .

در پایان درس چند زیارت حضرت زهرا(س) را با غم و اندوه می خوانم شما هم تکرار کنید

السلام عليك يا بنت حبيب الله
بنت افضل انبياء الله
سيد نساء العالمين من الاولين والآخرين يا ام الحسن و الحسين
ليتها الصديقة الشهيدة ... الطاهرة المعصومة
السلام عليك يا فاطمة بنت رسول الله و رحمة الله و بركاته^۱

^۱.كتاب عوالم، ج ۱۱، ص ۴۴۴، باب ۱۱.



میلاد گوهر

با سلام! قبل از اجرای این ویژه برنامه «تولد حضرت فاطمه(س)» نکات ذیل را به دقت مطالعه فرمایید.

۱. برنامه را قبل از اجرا مطالعه و با تمرین در منزل آمادگی لازم را برای اجرای مطلوب آن کسب نمایید.
۲. رسانه های آموزشی لازم برای اجرای این برنامه را (پاکت، کارت و مقوا در طرح های مختلف) از قبل مهیا و آماده نمایید.
۳. برنامه را به صورت عمومی، یعنی با دعوت از دانش آموزان و والدین شان و به صورت محفل جشن (حتی الامکان در عصر روز جمعه یا شب تولد) اجرا نمایید، تا والدین گرامی، هم با شما و هم با برنامه های شما بیشتر آشنا شوند.
۴. این برنامه دارای سه بخش عمده می باشد.
الف - بخش عمومی: این بخش که شامل همه شرکت کنندگان می شود به صورت گفتاری، توضیحی است که به همراه پرسش و پاسخ و با کارت اجرا می شود.

ب - بخش مخصوص دانش آموزان: این بخش در دو مرحله و به صورت مسابقه است. در یک مرحله از دانش آموزان پسر (راهنمایی و ابتدایی) و در مرحله دیگر از دانش آموزان دختر کمک بگیرید.

ج - بخش مخصوص والدین: این بخش قبل از اجرای سروд به صورت پرسشی است که بایستی مهلت دهید تا جواب‌ها را درون برگ نوشته و به شما تحويل دهنده باشد. از کسانی که پاسخ صحیح داده‌اند (یک آقا و یک خانم) هدایایی اهدا شود.

۵. بخشی به نام شعر هست که می‌توانید از قبیل آن را به گروه سرود بدهید تا با تمرین و آهنگ خوب در برنامه اجرا کنند و یا از قبیل با یکی از دانش آموزان خوش صدا، هماهنگ کنید تا با اجرای آن برنامه زیبایی خاص پیدا نماید.

۶. یک بار دیگر مذکور می‌شویم که اجرای خوب شما در جمع، مستلزم تمرین ابتدایی شما قبل از اجرا است، تا با تسلط کافی و بدون تشویش و دلهره در جمع حضور یافته و برنامه را به بهترین شکل اجرا نمایید.

نکته پایانی: هدیه و جوایز فراموش نشود. (از قبل آماده نمایید که در برنامه با تشکر فراوان راهگشایی کار شما است)



سلام عليکم، برنامه امروز را با معما آغاز می‌کنم.

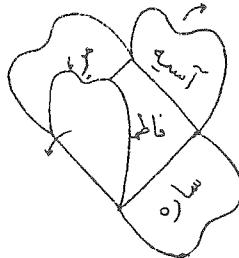
۱. کدام دعا است که نقطه ندارد؟ بله، صلوات.

پس همه باهم برای سلامتی منجی بشریت، امام زمان (عج) و تعجیل در فرجش، صلواتی هدیه می‌کنیم. (اللهم....)

۲. بگویید کدام ذکر است که وقت گفتن آن، لب‌ها حرکت نمی‌کنند؟ بله، ذکر توحید یعنی «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» که بهترین ذکرها می‌باشد.

۳. حالا چه کسی می‌تواند بگوید که کدام ذکر است که اگر پس از هر نمازی گفته شود مساوی هزار رکعت نماز مستحب است؟ بله، تسبیحات حضرت زهرا (س)؛

۴ مرتبه الله کبر ، ۳۳ مرتبه الحمد لله ، ۳۳ مرتبه سبحان الله
همان طور که می‌دانید این محفل نورانی و با شکوه به مناسبت میلاد یگانه بانوی نمونه و عصارة هستی، «حضرت فاطمه(س)» برگزار شده است.



-
۱. مربی جواب‌ها را در کارت‌های متناسب با تعداد شرکت‌کنندگان به طور نمونه 10×20 بنویسد و به جمعیت نشان دهد. در ضمن کلمه «تسبيحات» روی کارت و حضرت زهرا(س) پشت کارت نوشته می‌شود.

در چنین شبی بود که^۱ زمان ولادت حضرت فاطمه نزدیک شد. حضرت خدیجه(س) از زنان قریش خواست تا او را کمک کنند، ولی آنها پیغام دادند که چون تو در ازدواجت با محمد، حرف‌های ما را قبول نکردی و محمد، یتیم مکه و بی‌مال و دارایی را خواستی، ما نیز از تو کناره‌گیری می‌کنیم و نزد تو نمی‌آییم. در همین هنگام، چهار زن، بر خدیجه(س) وارد شدند. چون خدیجه آنها را دید، اندوه‌گین شد. یکی از آنها جلو آمد و گفت: «ناراحت نشو و اندوه‌گین نباش. ما از سوی خدا آمده‌ایم و خواهرهای تو هستیم^۲. من ساره همسر ابراهیم، این آسیه همسر فرعون، او مریم دختر عمران و آن هم کلثوم خواهر موسی است. خداوند ما را فرستاده تا به کمک تو آییم». پس هر کدام در یک طرف خدیجه نشستند و خدیجه را کمک کردند تا فاطمه پاک و پاکیزه متولد شد. چنان نوری از وی ظاهر شد که تمام خانه‌های مکه، بلکه تمام شرق و غرب زمین را فرا گرفت. بعد ده حوریه بهشتی با طشت‌های بهشتی آمدند و فاطمه را با آب کوثر شست و شو دادند و در یک پارچه سفید بهشتی پیچیدند.^۳

حضرت فاطمه دارای اوصاف و ویژگی‌های فراوانی است که در این برنامه می‌خواهیم گوشه‌ای از آن را بیان کنیم. البته در قالب مسابقه.

مسابقه را دوست دارید؟ بله، بسیار خوب. در این قسمت من ۸ نفر را انتخاب می‌کنم تا در اجرای مسابقه مرا یاری دهند. مسابقه ما به این صورت است که شما

۱. در صورت امکان طرح را روی مقوا کشیده و چهار قسمت آن تا زده می‌شود و در موقع مناسب هر قسمت را به جمعیت نشان می‌دهیم.

۲. از این قسمت مرحله به مرحله طرح گل برگ‌ها گشوده می‌شود.

۳. ذبیح الله محلاتی، ریاحین الشریعه، دارالكتاب اسلامی، ج ۱، ص ۶۳.

۴ گروه ۲ نفره تشکیل می‌دهید و من از هر گروه، ۲ سؤال می‌پرسم که هر سؤال، پنج امتیاز دارد.

در پایان از هشت سؤالی که می‌پرسم، هشت کلمه در پاسخ آنها می‌آید.
حالا آماده‌اید سؤالات را بپرسم؟

سؤالهای پاکت (۱)

* به آشکار، ظاهر و هویدا چه می‌گویند؟ پیدا

* به عاقل و با شعور چه می‌گویند؟ دانا

سؤالهای پاکت (۲)

* به دلیر و با جرأت چه می‌گویند؟ شجاع

* کدام واژه به معنای راه و رسم است؟ (برعکس کلمه شور) روش

سؤالهای پاکت شماره (۳)

* کدام درخت است که چوب آن بسیار محکم می‌باشد و در نجاری و ساخت اشیاء

چوبی گران‌بها به کار می‌رود و مغز میوه‌اش خوردنی است؟ گردو

* به با هوش، زرنگ چه می‌گویند؟ هوشیار

سؤالهای پاکت شماره (۴)

* چاهی در مکه، نزدیک کعبه چه نام دارد؟ زمزم

* به مساوی و برابر چه می‌گویند؟ یکسان

۱. مرتبی چهار پاکت آماده کرده و در هر پاکت ۲ سؤال قرار می‌دهد و بچه‌ها را در انتخاب پاکتها آزاد می‌گذارد.

در این قسمت از برنامه از شما می‌خواهیم با کنار هم قرار دادن حروف اول و آخر این هشت کلمه، چند کلمه بنویسید. در مدت یک دقیقه بنویسید و به من تحویل دهید!



بله، همان طور که دوستان ما نوشته‌اند این کلمه‌ها بدمست می‌آید. این چهار کلمه بخشی از سخن حضرت زهرا(س) را تشکیل می‌دهد. روزی یکی از زنان مدینه، نزد حضرت زهرا(س) آمد و گفت: «مادر پیری دارم که در مسائل نماز سؤال‌هایی دارد. مرا فرستاده تا مسائل شرعی نماز را از شما بپرسم». حضرت زهرا(س) فرمود: «بپرس».

آن گاه مسائل فراوانی را مطرح کرد که حضرت فاطمه (س)، به تک تک پرسش‌ها پاسخ داد. چون پرسش و پاسخ طول کشید آن زن خجالت کشید و گفت: «ای دختر رسول خدا! بیش از این نباید شما را به زحمت بیندازم». حضرت زهرا(س) فرمود: «باز هم بیا و هر سوالی داشتی بپرس. اگر کارگری بار سنگینی را به دوش بگیرد و بالای بام ببرد و در عوض صدهزار دینار طلا مزد بگیرد، آیا چنین کاری برایش دشوار است؟». آن زن گفت: «خیر». حضرت ادامه داد: «من هم، هر مسئله‌ای را که پاسخ می‌دهم و دیگری یاد می‌گیرد، چنین احساسی دارم و بیش از فاصله بین



۱. مریب قبل از چهار کلمه را طبق طرح در مقوا نوشته و کسانی را که در گروهها درست نوشته بودند و در مرحله قبلی امتیاز بیشتری کسب کرده بودند را با دادن جوازی تشویق کرده و مرحله بعدی را اجرا می‌کنیم.

پاداش می‌گیرم. پس سزاوار است بر من سنگین نیاید.^۱

در این مرحله سؤالی را که مخصوص والدین گرامی است، می‌پرسم. شما والدین گرامی نیز جواب سؤال را با ذکر مشخصات خود به مسؤول برنامه تحويل دهید تا به دو نفر از شما بزرگواران، هدیه‌ای تقديم گردد.

۱. اولین شخصی که با تربت امام حسین^{علیه السلام} نماز خواند، چه کسی بود؟

۲. اولین بانویی که به حضرت موسی^{علیه السلام} ایمان آورد که بود؟^۲

در این مرحله از یکی از دانشآموزان که شعری به مناسب میلاد فاطمه زهرا(س) آماده اجرا دارند دعوت می‌کنم برای اجرای شعر تشریف بیاورد.

مادر گل‌ها

تو باران بودی و یک شب
میان باغ باریدی
و با گل، شعرها خواندی
و مثل غنچه خندیدی
دل پروانه‌ای پر زد
برای دیدن رویت
و یک گلپونه با شادی
گرفت آینه‌ای سویت

۱. محمد دشتی، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه(س)، ص ۱۶۵، حدیث ۱۳۱ و ۱۳۲.

۲. جواب‌ها: امام زین العابدین و آسیه زن فرعون. توجه: در مرحله‌بعدی با پایان برنامه به دو نفر که درست جواب داده بودند جوابزی داده شود.

تو را دیدم که می خندی

میان شادی گلها

و نام سبز تو جاری

ز شور شعر بلها

به گوش لاله و نرگس

تو خواندی شعر و لالایی

تو هستی مادر گلها

تو زهرایی، تو زهرایی

«یحیی علوی فرد»

در این قسمت از برنامه، مسابقه دیگری را ترتیب داده‌ایم که به کلام گهر باری از حضرت زهرا (س) در مورد آداب غذا خوردن مربوط می‌شود.

بله، همان طور که همه می‌دانیم، غذا خوردن و سرفهر نشستن، آدابی دارد که من با استفاده از ۳ نفر از دوستان شما فرمایش حضرت زهرا(س) را به صورت

ادب	مستحب	لازم
-----	-------	------

مسابقه اجرا می‌کنیم.

حضرت زهرا (س) در مورد آداب غذا خوردن می‌فرماید^۱: «در سرفه غذا، ۱۲ کار نیک وجود دارد که سزاوار است هر مسلمانی آن‌ها را بشناسد».

۱. محمد دشتی، *نفرهنج سخنان حضرت فاطمه زهرا(س)*، ص ۳۵، حدیث ۳۰.

۲. مرتبی در این مرحله، سه عدد پاکت که درون هر کدام یکی (از کلمات لازم، مستحب، ادب در کارت‌ها نوشته شده) را به بچه‌ها نشان می‌دهد تا هر کدام یک پاکت را انتخاب کنند. و هر کدام جملات مربوط به کارت موجود در دستشان را از بین جملاتی که از قبل آمده شده و بر روی میز بصورت درهم می‌گذاریم به طور صحیح و سریع (در کمترین وقت) انتخاب کنند که نفر برگزیده جایزه‌ای داده شود.

﴿ عمل لازم

﴿ عمل مستحب

﴿ عمل که نشانه ادب و بزرگواری است

﴿ عمل لازم

شناخت پروردگار (بدانیم نعمت از او است)

راضی به نعمت‌های خدا بودن

گفتن بسم الله الرحمن الرحيم در آغاز غذا

کفتن الحمد لله رب العالمين در پایان غذا

﴿ عمل که نشانه ادب و بزرگواری است

از غذای پیش روی خود برداشت

لقمه‌ها را کوچک برداشت

غذا را به خوبی جویدن

کمتر در صورت دیگران (در وقت خوردن) نگاه کردن.

از دیگر ویژگی‌های حضرت زهرا(س) ایشان و مهمان نوازی این بانوی بزرگ است.^۱

مرد گرسنه‌ای در مسجد مدینه به پا خاست و گفت: «ای مسلمانان! از گرسنگی به تنگ آمده‌ام، مرا مهمان کنید». پیامبر ﷺ فرمود: «چه کسی این مرد را امشب مهمان می‌کند؟» حضرت علیؓ فرمود: «من یا رسول الله».

کمی بعد وارد منزل شد و از فاطمه زهرا پرسید: «آیا غذایی در منزل داریم؟ امشب مهمانی گرسنه به منزل آورده‌ام». حضرت زهرا (س) فرمود: «در خانه ما

۱. طبق طرح مریم از کارت استفاده کند.

غذایی نیست، مگر بہ اندازہ خوراک دختر بچہ، اما امشب ایشار می نمایم و گرسنگی را تحمل می کنیم و همین مقدار غذا را به مهمان می بخشیم^۱.

همان طور کہ می دانید روز میلاد حضرت زهرا (س) را بہ پاس زحمت‌های مادران ارجمند، روز مادر نامگذاری کرده‌اند. در پایان یک شعر بہ تمام مادران بزرگوار تقدیم می کنم:

هدیہ روز مادر

روز سبز و شاد مادر	باز هم میلاد نور است
خانه‌ها با یاد مادر	می شود لبریز از مهر
کادویی یا شاخه‌ای گل	توی دست بچه‌ها هست
حروف دل با شاخه‌ای گل	هدیه من هست اما

۱. دشتی محمد، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه زهرا، ص ۹۸، حدیث ۴۸.